

Tarducción oficial de la

Constitución Española en Persa

قانون اساسی اسپانیا

ترجمه رسمی، مقدمه و گزاره:

رسول پدرام

Traducción jurada, prólogo y comentarios por

Rassoul Pedrm Nuri

فهرست مطالب

بخش مقدمه،	۱۱
بخش یکم	۱۱
بخش دوم	۱۱
بخش سوم	۱۱
بخش چهارم	۱۱
بخش پنجم	۱۱
بخش ششم	۱۲
بخش هفتم	۱۲
بخش هشتم	۱۲
بخش نهم	۱۲
بخش دهم	۱۲
قانون اساسی اسپانیا	۳۳
دیباچه	۳۴
بخش مقدمه	۳۵
ماده ۱	۳۵
ماده ۲	۳۵
ماده ۳	۳۶
ماده ۴	۳۶
ماده ۵	۳۷
ماده ۶	۳۷
ماده ۷	۳۷
ماده ۸	۳۷
ماده ۹	۳۸

بخش یکم..... ۲۸

در پاره ی حقوق و تکالیف اساسی..... ۲۸
ماده ی ۱۰..... ۲۸
فصل اول..... ۲۹
در پاره ی اسپانیائی ها و خارجیان..... ۲۹
ماده ی ۱۱..... ۲۹
ماده ی ۱۲..... ۲۹
ماده ی ۱۳..... ۴۰
فصل دوم..... ۴۰
در پاره ی حقوق و آزادی ها..... ۴۰
ماده ی ۱۴..... ۴۰
قسمت یک..... ۴۱
در پاره ی حقوق اساسی و آزادی های عمومی..... ۴۱
ماده ی ۱۵..... ۴۱
ماده ی ۱۶..... ۴۱
ماده ی ۱۷..... ۴۱
ماده ی ۱۸..... ۴۲
ماده ی ۱۹..... ۴۲
ماده ی ۲۰..... ۴۲
ماده ی ۲۱..... ۴۴
ماده ی ۲۲..... ۴۴
ماده ی ۲۳..... ۴۵
ماده ی ۲۴..... ۴۵
ماده ی ۲۵..... ۴۶
ماده ی ۲۶..... ۴۶
ماده ی ۲۷..... ۴۶
ماده ی ۲۸..... ۴۸
ماده ی ۲۹..... ۴۸
قسمت دوم..... ۴۹
در پاره ی حقوق و وظایف شهروندان..... ۴۹
ماده ی ۳۱..... ۴۹
ماده ی ۳۲..... ۵۰
ماده ی ۳۳..... ۵۰
ماده ی ۳۴..... ۵۰
ماده ی ۳۵..... ۵۱
ماده ی ۳۶..... ۵۱
ماده ی ۳۷..... ۵۱
ماده ی ۳۸..... ۵۱

۵۲	فصل سوم
۵۲	در پاره ی اصول حاکم بر سیاست اجتماعی و اقتصادی
۵۲	ماده ی ۳۹
۵۲	ماده ی ۴۰
۵۳	ماده ی ۴۱
۵۳	ماده ی ۴۲
۵۳	ماده ی ۴۳
۵۴	ماده ی ۴۴
۵۴	ماده ی ۴۵
۵۴	ماده ی ۴۶
۵۵	ماده ی ۴۷
۵۵	ماده ی ۴۸
۵۵	ماده ی ۴۹
۵۵	ماده ی ۵۰
۵۶	ماده ی ۵۱
۵۶	ماده ی ۵۲
۵۶	در پاره ی تضمین های مربوط به حقوق و آزادی های اساسی
۵۶	ماده ی ۵۳
۵۷	ماده ی ۵۴
۵۷	در پاره ی تعلیق حقوق و آزادی ها
۵۷	ماده ی ۵۵

بخش دوم ۵۸

۵۸	در پاره ی مقام سلطنت
۵۹	ماده ی ۵۷
۶۰	ماده ی ۵۸
۶۰	ماده ی ۵۹
۶۱	ماده ی ۶۰
۶۱	ماده ی ۶۱
۶۲	ماده ی ۶۲
۶۲	ماده ی ۶۳
۶۳	ماده ی ۶۴
۶۳	ماده ی ۶۵

بخش سوم ۶۴

۶۴	در باره ی مجالس قانونگذاری
۶۴	فصل یکم
۶۴	در پاره ی مجلس نمایندگان و مجلس سنا
۶۴	ماده ی ۶۶

۶۴.....	مادّه ی ۶۷
۶۵.....	مادّه ی ۶۸
۶۶.....	مادّه ی ۶۹
۶۷.....	مادّه ی ۷۰
۶۷.....	مادّه ی ۷۱
۶۸.....	مادّه ی ۷۲
۶۹.....	مادّه ی ۷۳
۶۹.....	مادّه ی ۷۴
۶۹.....	مادّه ی ۷۵
۷۰.....	مادّه ی ۷۶
۷۰.....	مادّه ی ۷۷
۷۱.....	مادّه ی ۷۸
۷۱.....	مادّه ی ۷۹
۷۲.....	مادّه ی ۸۰
۷۲.....	فصل دوم
۷۲.....	مادّه ی ۸۱
۷۲.....	مادّه ی ۸۲
۷۳.....	مادّه ی ۸۳
۷۴.....	مادّه ی ۸۴
۷۴.....	مادّه ی ۸۵
۷۴.....	مادّه ی ۸۶
۷۵.....	مادّه ی ۸۷
۷۵.....	مادّه ی ۸۸
۷۵.....	مادّه ی ۸۹
۷۶.....	مادّه ی ۹۰
۷۶.....	مادّه ی ۹۱
۷۶.....	مادّه ی ۹۲
۷۷.....	مادّه ی ۹۳
۷۷.....	مادّه ی ۹۴
۷۸.....	مادّه ی ۹۵
۷۸.....	مادّه ی ۹۶

۷۸..... بخش چهارم

۷۸.....	درپاره ی دولت و تشکیلات اداری کشور
۷۸.....	مادّه ی ۹۷
۷۹.....	مادّه ی ۹۸
۷۹.....	مادّه ی ۹۹
۸۰.....	مادّه ی ۱۰۰
۸۰.....	مادّه ی ۱۰۱

۸۰	مادّه ی ۱۰۲
۸۱	مادّه ی ۱۰۳
۸۱	مادّه ی ۱۰۴
۸۲	مادّه ی ۱۰۵
۸۲	مادّه ی ۱۰۶
۸۲	مادّه ی ۱۰۷

بخش پنجم ۸۳

۸۳	در پاره ی روابط دولت با مجالس قانونگذاری
۸۳	مادّه ی ۱۰۸
۸۳	مادّه ی ۱۰۹
۸۳	مادّه ی ۱۱۰
۸۴	مادّه ی ۱۱۱
۸۴	مادّه ی ۱۱۲
۸۴	مادّه ی ۱۱۳
۸۵	مادّه ی ۱۱۴
۸۵	مادّه ی ۱۱۵
۸۵	مادّه ی ۱۱۶

بخش ششم ۸۷

۸۷	در پاره ی قوه ی قضائیه
۸۷	مادّه ی ۱۱۷
۸۸	مادّه ی ۱۱۸
۸۸	مادّه ی ۱۱۹
۸۸	مادّه ی ۱۲۰
۸۹	مادّه ی ۱۲۱
۸۹	مادّه ی ۱۲۲
۹۰	مادّه ی ۱۲۳
۹۰	مادّه ی ۱۲۴
۹۰	مادّه ی ۱۲۵
۹۱	مادّه ی ۱۲۶
۹۱	مادّه ی ۱۲۷

بخش هفتم ۹۱

۹۱	اقتصاد و دارائی
۹۱	مادّه ی ۱۲۸
۹۲	مادّه ی ۱۲۹
۹۲	مادّه ی ۱۳۰
۹۲	مادّه ی ۱۳۱

۹۳.....	مادّه ی ۱۳۳
۹۳.....	مادّه ی ۱۳۳
۹۴.....	مادّه ی ۱۳۴
۹۵.....	مادّه ی ۱۳۵
۹۵.....	مادّه ی ۱۳۶
۹۶.....	بخش هشتم
۹۶.....	در پاره ی تقسیمات و تشکیلات کشور
۹۶.....	مادّه ی ۱۳۷
۹۶.....	مادّه ی ۱۳۸
۹۶.....	مادّه ی ۱۳۹
۹۷.....	فصل دوم
۹۷.....	در پاره ی اداره ی شهرداری ها
۹۷.....	مادّه ی ۱۴۰
۹۷.....	مادّه ی ۱۴۱
۹۸.....	مادّه ی ۱۴۲
۹۸.....	فصل سوم
۹۸.....	در پاره ی ایالت های خود مختار
۹۸.....	مادّه ی ۱۴۳
۹۹.....	مادّه ی ۱۴۴
۹۹.....	مادّه ی ۱۴۵
۹۹.....	مادّه ی ۱۴۶
۱۰۰.....	مادّه ی ۱۴۷
۱۰۰.....	مادّه ی ۱۴۸
۱۰۲.....	مادّه ی ۱۴۹
۱۰۵.....	مادّه ی ۱۵۰
۱۰۶.....	مادّه ی ۱۵۱
۱۰۷.....	مادّه ی ۱۵۲
۱۰۸.....	مادّه ی ۱۵۳
۱۰۹.....	مادّه ی ۱۵۴
۱۰۹.....	مادّه ی ۱۵۵
۱۰۹.....	مادّه ی ۱۵۶
۱۱۰.....	مادّه ی ۱۵۷
۱۱۰.....	مادّه ی ۱۵۸
۱۱۱.....	بخش نهم
۱۱۱.....	در پاره ی دادگاه قانون اساسی
۱۱۱.....	مادّه ی ۱۵۹
۱۱۲.....	مادّه ی ۱۶۰

۱۱۲.....	مادّه ی ۱۶۱.....
۱۱۳.....	ماده ی ۱۶۲.....
۱۱۴.....	بخش دهم
۱۱۴.....	در باره ی اصلاح قانون اساسی.....
۱۱۵.....	ضمیمه ی الحاقی
۱۱۷.....	ضمیمه ی موقت
۱۲۰.....	ضمیمه ی الغائی
۱۲۱.....	ضمیمه ی نهائی

در باره ی ترجمه ی فارسی قانون اساسی

ارائه ی ترجمه ی رسمی قانون اساسی اسپانیا به زبان فارسی، به خاطر گنگ بودن و کلی گوئی متن اصلی (که از ویژگی ها و امتیازات این قانون اساسی به شمار می آید)، و همچنین عدم وجود تشابه میان سیستم حقوقی کشورهای فارسی زبان (ایران، افغانستان و تاجیکستان) و سیستم حقوقی اسپانیا، کاری بود بس دشوار و پر مسئولیت، که خوشبختانه مترجم در حدّ مقدور موفق به انجام آن شد. در ترجمه ی فارسی نهایت دقت و وسواس به عمل آمده است تا ترجمه ای رسا و کامل تقدیم خوانندگان فارسی زبان و به ویژه حقوقدان محترم شده باشد. در همه ی موارد سعی شده است که پیوسته لفظ فدای معنا شود و از به کار بردن کلمات زائد و خارج از متن خودداری گردد و اگر در چند مورد ضرورت داشته است برای رسا تر کردن معنای متن موادّ قانون، واژه های اضافی در داخل [...] قید شده است. ازینرو، جای تعجب نخواهد بود، که قرأنت و درک آن برای خوانندگان عادی، به ویژه کسانی که آشنایی لازم با اصطلاحات حقوقی ندارند، دشوار نماید. همان حالتی که خواننده ی عادی اسپانیائی هم در قرأنت متن آن به زبان اصلی خودش دارد.

توضیحات اضافی مترجم که ربطی به متن قانون ندارد در قسمت پانویس صفحات با حرف «م.» مشخص شده است. هر جا که لازم بوده است، معادل واژه ها، عبارات و اصطلاحاتی که معادل دقیق فارسی

نداشته اند، برای روشنی مطلب به فرانسه (F.) و حتی در صورت لزوم به انگلیسی (E.) هم قید است.
به امید اینکه، متن حاضر مورد توجه استادان، دانشجویان و وکلای محترم قرار گیرد، از همه ی آنان استدعا دارم در صورت برخورد به مواردی در خور توضیح، بر بنده منت نهاده و آن را اطلاع دهند.

مادرید - رسول پدram
www.traductorpersa.com

- ♦ **دییاجه**
- ♦ **بخش مقدمه**، از ماده ی ۱ تا ماده ی ۹

- ♦ **بخش یکم** - در باره ی حقوق و تکالیف اساسی، از ماده ی ۱۰ تا ماده ی ۵۵
 - فصل یکم - در باره ی اسپانیایی ها و خارجیان
 - فصل دوم - در باره ی حقوق و آزادی ها
 - قسمت اول - در باره ی حقوق اساسی و آزادی های عمومی
 - قسمت دوم - در باره ی حقوق و وظایف شهروندان
 - فصل سوم - در باره ی اصول حاکم بر سیاست اجتماعی و اقتصادی
 - فصل چهارم - در باره ی تضمین های مربوط به آزادی ها و حقوق اساسی
 - فصل پنجم - در باره ی تعلیق حقوق و آزادی ها

- ♦ **بخش دوم** - در باره ی مقام سلطنت، از ماده ی ۵۶ تا ماده ی ۶۵

- ♦ **بخش سوم** - در باره ی مجالس قانونگذاری، از ماده ی ۶۶ تا ماده ی ۹۶
 - فصل یکم - در باره ی مجلس نمایندگان و مجلس سنا
 - فصل دوم - در باره ی تدوین و تصویب قوانین
 - فصل سوم - در باره ی قرارداد های بین المللی

- ♦ **بخش چهارم** - درباره ی دولت و تشکیلات اداری کشور، از ماده ی ۹۷ تا ماده ی ۱۰۷

- ♦ **بخش پنجم** - در باره ی روابط دولت با مجالس قانونگذاری، از ماده ی ۱۰۸ تا ماده ی ۱۱۶

- ♦ **بخش ششم** - در باره ی قوه ی قضائیه، از ماده ی ۱۱۷ تا ماده ی ۱۲۷
- ♦ **بخش هفتم** - اقتصاد و دارائی، از ماده ی ۱۲۸ تا ماده ی ۱۳۶
- ♦ **بخش هشتم** - در باره ی تقسیمات و تشکیلات کشوری، از ماده ی ۱۳۷ تا ماده ی ۱۵۸
 - فصل یکم - اصول کلی
 - فصل دوم - در باره ی شهرداری ها
 - فصل سوم - در باره ی ایالات خود مختار
- ♦ **بخش نهم** - در باره ی دادگاه قانون اساسی، از ماده ی ۱۵۹ تا ماده ی ۱۶۵
- ♦ **بخش دهم** - در باره ی اصلاح قانون اساسی، از ماده ی ۱۶۶ تا ماده ی ۱۶۹
 - ♦ **ضمیمه ی الحاقی**
 - ♦ **ضمیمه ی موقت**
 - ♦ **ضمیمه ی الغائی**
 - ♦ **ضمیمه ی نهائی**

اسپانیا، از سلطنت به جمهوری، و از جمهوری به سلطنت

روز ششم دسامبر (برابر با شانزده آذر)، همه ساله، به عنوان سالروز تصویب قانون اساسی جدید در اسپانیا جشن گرفته می شود. امسال به مناسبت مصادف بودن این روز با سی امین سالگرد تصویب آن قانون و برقراری دوباره ی دموکراسی در این کشور، احزاب سیاسی، سازمان های دولتی و غیر دولتی و رسانه ها برگزاری مراسم و برنامه های ویژه ای را تدارک دیده اند. در طی این سی سال، اسپانیا که یکی از فقیرترین و عقب مانده ترین کشورهای قاره ی اروپا به شمار می آمد، به یکی از پیشرفته ترین کشورهای دنیا مُبدَل شد. طبق قانون اساسی کنونی، نظام حکومتی اسپانیا، مشروطه ی سلطنتی است، ولی این کشور دو بار رژیم جمهوری را هم در طول تاریخ خود تجربه کرده است.

پنج سال پیش و به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد تصویب قانون اساسی کنونی اسپانیا – که به باور حقوقدانان – جامع ترین قانون اساسی موجود در جهان است؛ ترجمه ای رسمی از متن آن به زبان فارسی به عمل آوردم که با تفسیر و توضیحات لازم در همان موقع چاپ و منتشر شد.

کشور اسپانیا تاریخ پر فراز و نشیبی دارد که مرور حوادث آن می تواند به ملت هایی که تازه گام در جاده ی دموکراسی و مردم سالاری نهاده اند و یا می خواهند بنهند، درس های عبرت انگیزی بدهد. طبق قانون اساسی کنونی، نظام حکومتی اسپانیا، مشروطه ی سلطنتی است¹، ولی این کشور دو بار رژیم جمهوری را هم در طول تاریخ خود تجربه کرده است:

¹ - ماده ۱ بند ۳ قانون اساسی: " - نظام سیاسی حکومتی اسپانیا، مشروطه سلطنتی است."

- جمهوری اول از ۱۱ فوریه ۱۸۷۳ تا ۲۹ دسامبر ۱۸۷۴ (برابر با ۲۳ بهمن ۱۲۵۱ خورشیدی تا ۸ دی ۱۲۵۳ خورشیدی و زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار در ایران).
- جمهوری دوم از ۱۴ آوریل ۱۹۳۱ تا ۱ آوریل ۱۹۳۹ (برابر با ۲۶ فروردین ۱۳۱۰ تا ۱۱ فروردین ۱۳۱۸ خورشیدی و زمان سلطنت رضا شاه پهلوی در ایران).

هر دو جمهوری را مردم با رأی خود و طی انتخاباتی آزاد و بدون خون ریزی بر سرکار آوردند.

جمهوری اول، عمری بسیار کوتاه داشت که به دو سال نکشید و در عرض همین مدت کوتاه چهار رئیس جمهور عوض کرد. با اینکه هر چهار نفر از روشنفکران برجسته و فریخته ی اسپانیا بودند ولی هیچکدام قادر به اداره ی کشور نشدند.

اسپانیا کشوری است که ملیت های مختلف (عنوان اقلیت قومی در قانون اساسی به کار نرفته است) و مردمانی با زبان های گوناگون در آن زندگی می کنند. شناخته شده ترین این ملیت ها کاتالان ها (ساکنان کاتالونیا) و باسکی ها هستند. رسیدگی به حقوق و مطالبات این ملیت ها بزرگترین چالش فرا روی رهبران جمهوری اول بود. برخی در صدد ایجاد یک جمهوری فدرال در اسپانیا بودند و در عوض عده ای نیز می گفتند: یک کشور و یک پرچم؛ و دموکراسی برای همه در سایه ی قانون اساسی. نه فقط نتیجه ی مطلوبی از این بحث ها حاصل نشد، بلکه باعث شد که آشوب و خون ریزی سراسر کشور را فرا بگیرد. تا اینکه این جمهوری با کودتای نظامی ژنرال پاوی یا (Pavia) سرنگون شد و پس از برقراری نظم و آرامش در جامعه، دوباره رژیم سلطنت با پادشاهی خانواده ی بوربون (خانواده ی پادشاه فعلی که از سال ۱۷۰۰ در بخش بزرگی از اروپا سلطنت کرده اند) برقرار شد.

پنجاه و هفت سال پس از سقوط جمهوری اول، یکبار دیگر در سال ۱۹۳۱، رژیم جمهوری تازه ای در اسپانیا با عنوان جمهوری دوم بر سر کار آمد. این بار هم با رأی آزادانه ی مردم و بدون خشونت و خون ریزی. این جمهوری که از آن با عنوان "جمهوری زحمتکشان" در تاریخ اسپانیا، یاد می شود امید های تازه ای برای کارگران و کشاورزان و به طور کلی برای همه ی قشر های محروم جامعه به همراه آورد.

جمهوری دوم

" ما دیگر مُد نیستیم "، این جمله ای بود که آلفونسوی سیزدهم^۲، پدر بزرگ پادشاه کنونی اسپانیا، بر زبان آورد و به دنبال آن سلطنت را رها کرد و راه تبعید در پیش گرفت. دو روز پس از رفتن او، یعنی روز چهاردهم آوریل ۱۹۳۱ (برابر با ۲۶ فروردین ۱۳۱۰ هجری خورشیدی)، برقراری «جمهوری دوم»، در سراسر اسپانیا و به ویژه در مادرید با شور و هیجان فراوان جشن گرفته شد. سران جمهوری دوم که با آراء احزاب چپ به قدرت رسیده بودند، تا روز ۱۸ ژوئیه ی ۱۹۳۶ (یعنی روز آغاز جنگ داخلی اسپانیا) دست به انجام اصلاحات اجتماعی و سیاسی عمیقی در جامعه زدند. بهبود وضع کشاورزان و کارگران، اعطای خود مختاری به برخی از ایالت ها، بهبود حقوق زنان، تصویب قوانین مترقی و کوتاه کردن دست روحانیان از اداره ی امور کشور از طریق ملی کردن اموال کلیسا؛ از اصلاحات عمده ی جمهوری دوم به شمار می آید. در زمانی که در کشور های دور و بر اسپانیا، مانند ایتالیا و فرانسه، زنان هنوز سال ها از کسب حق رأی فاصله داشتند، در این جا زنی برای نخستین بار در اروپا به مقام وزارت رسید. نام این زن فدريکا مونتسنی (*Federica Montseny*) بود.

دوره ی هشت ساله ی جمهوری دوم در تاریخ اسپانیا را باید عصر طلائی شکوفائی دموکراسی در این کشور دانست. متأسفانه، تند روی های انقلابیون، به ویژه کمونیست ها، سوسیالیست ها و آنارشویست ها در طول سال های عمر آن باعث شد که اسپانیا رفته، رفته به کشوری فاقد حکومت و قانون و مملکتی آشوب زده تبدیل بشود. بی نظمی به حدی رسید که دیگر از دست دولت مُنتخب مردم کاری برای برقراری نظم بر نمی آمد. هر روز کسی را به اِتهام واهی و خود سرانه ترور می کردند. رعب و وحشت و بی عدالتی سراسر کشور را فرا گرفت. روزی یکی را در وسط خیابان به جرم لیبرال بودن با تیر می زدند و روز دیگر کس دیگری را به اِتهام خیانت به آرمان های پرولتاریا تیرباران می کردند. یکی از سیاستمداران معروف آن دوره به نام خیل روبلیس (*Gil Robles*) طی نطقی در جلسه ی روز ۱۶ ژوئن ۱۹۳۶ مجلس، تصویر هولناکی از اوضاع کشور ارائه کرد. او گفت: "فقط در عرض این چهار ماه اخیر،

² Alfonso XIII

۱۶۰ کلیسا را به آتش کشیده و با خاک یکسان کرده اند، ۲۶۹ قتل سیاسی صورت گرفته است، ۱۲۸۷ مورد از ضرب و شتم در درجات مختلف گزارش شده است، ۱۱۳ اعتصاب عمومی و ۲۲۸ اعتصاب محلی به راه افتاده است و دفاتر ۱۰ روزنامه را غارت کرده اند.^۳ او در ادامه ی سخنان خود اظهار داشت: "می توان کشوری را با سلطنت و یا جمهوری، از طریق یک سیستم پارلمانی و یا یک رئیس جمهور فعال ما یشاء؛ با کمونیسم و یا فاشیسم اداره کرد ولی هیچ کشوری با هرج و مرج اداره نمی شود. با کمال تأسف باید بگویم که اسپانیا، امروز با هرج و مرج دست به گریبان است و ما در واقع برای تشییع تابوت آزادی در این جا جمع شده ایم." سخنان او بر اثر فریاد های خشمگینانه نمایندگان موافق و مخالف قطع شد.^۳

فقط ۱۶۰ کلیسا در زمان جمهوری دوم به آتش کشیده نشد، بلکه در طول هشت سال جمهوری دوم، طبق آمار موجود، ۶۸۱۵ نفر از روحانیان و افراد وابسته به کلیسای کاتولیک به جوخه های اعدام سپرده شدند. ۶۸۱۵ نفر، رقمی مبتنی بر حدس و شایعه نیست، بلکه اسامی و مشخصات همه ی این اعدام شدگان در دست است و حتی بسیاری از آنان به عنوان شهید، توسط واتیکان لقب "قدیسی" گرفته اند. پرونده ی این اعدام شدگان هم اکنون در شعبه ی پنج دیوانعالی عالی رسیدگی به جرایم سازمان یافته و تروریسم اسپانیا، و به منظور شناسایی محل دقیق دفن تعداد زیادی از آن ها، در دست بررسی است. در میان اعدام شدگان به همه رقم روحانی و افراد متدین (از اسقف و کشیش گرفته تا راهبه های تارک دنیای صومعه نشین) می توان بر خورد.

انجام اقدامات حاد ضد مذهبی توسط سران جمهوری دوم و افراد وابسته به نیرو های چپ باعث کاهش شدید محبوبیت آنان در میان عامه ی مردم و از دست دادن پایگاه توده ای آن ها شد. نیروهای طرفدار جمهوری، صرف نظر از گنجاندن موادی کاملاً ضد کلیسایی و ضد مذهبی در قانون اساسی سال ۱۹۳۱ بلکه تندیس های حضرت مسیح را، در نقاط مختلف کشور از جمله در خود مادرید، از کلیسا ها بیرون آوردند و با بستن به پشت جیب، آن ها را در خیابان ها گرداندند. و یا شمایل

³ Memorias de Gil Robles, "No fue posible la paz"; Barcelona, 1968

کتاب خاطرات خیل روبلس تحت عنوان "صلحی که امکان پذیر نبود"

مُقَدَّس را در ملاء عام و در جلو چشم مردم آتش زدند و کلیسا ها را طعمه ی حریق ساختند که آثار برخی از آن ها هنوز هم باقیست. از این تاریخ به بعد بود که روحانیان درس عبرتی گرفتند تا دیگر در امور سیاسی دخالت نکنند و در زندگی شخصی و خصوصی مردم فضولی به خرج ندهند. همان روحانیانی که تا دیروز خود را وکیل تسخیری خدا در زمین به شمار می آوردند و هزاران نفر را به اِتهام های مختلف زنده در آتش سوزاندند، در ملاء عام شلاق زدند و تعزیر کردند و هرگز فکر نمی کردند که روزی برسد که تاوان زور گویی های خود را پس بدهند. با این وجود رحم و شفقت مردم عادی بیشتر از روحانیان پر مدعا بود.

مردم عادی وقتی که می دیدند کشیشی را که بچه شان را غسل تعمید داده و مرده هایشان را کفن و دفن کرده است، به گلوله می بندند؛ و کلیسایی را که همه روزه برای عبادت و راز و نیاز با خدای خود به آن می رفتند، به آتش می کشند، بدیهی بود که از انقلابیون رو گردان می شدند. آن ها وقتی می دیدند که این افراد به هیچ اخلاقیاتی پای بند نیستند تا جایی که حتی انضباط و دیسیپلین را در نیرو های مسلح از بین برده بودند و سرباز درجه دار را "تو" خطاب می کرد و درجه دار افسر ارشد را "رفیق" صدا می زد، نمی توانستند ارج و احترامی برای آنان قایل باشند. آن ها نان می خواستند، امنیت می خواستند، بهداشت و تحصیل و آینده ای امید بخش برای فرزندان شان می خواستند ولی در عوض فلسفه و شعر و شعار تحویل می گرفتند. آن ها یاد گرفته بودند که هر روز در کلیسا بخوانند: "پروندگان؛ نان روزانه ی خود را از ما دریغ مدار؛ و ببخشای بر ما گناهان ما را، بدانسان که ما می بخشیم بر آنهایی که در حق ما بدی روا می دارند". ولی در عوض این ها می گفتند که شما باید پارادایم های (الگو ها) مربوط به پروسه ی (روش) مبارزاتی خلق های تحت ستم را سر لوحه ی زندگی روزانه خود قرار دهید، اسلحه بدارید و بکشید و شهید بشوید. حرف هایی که مردم عادی هرگز در عمرشان شنیده بودند و نمی توانستند چیزی از آن سر در بیاوردند.

مردم، مخصوصاً قشر های مذهبی که جانشان از آن همه آشوب، بی نظمی، گرانی، اعتصاب و فقر به لبشان رسیده بود، همینکه روز ۱۸ ژوئیه ی ۱۹۳۶، با خبر شدند که عده ای از نظامیان مأمور خدمت در افریقا برای سرنگونی حکومت قیام کرده اند، هر چند ممکن بود که بر زبان نیاورند ولی از ته دل خوشحال شدند و چشم به راهشان ماندند تا نظامیان بیابند و بساط جمهوری را بر چینند.

متأسفانه منابع معتبر و زیادی در باره ی کشور اسپانیا و تاریخ آن به زبان فارسی در دست نیست و اگر هم هست مطالبی است که بیشتر از زبان های دیگر (و اگر نگوییم آن هم به طور ناقص) ترجمه شده است. به رغم آنچه که نوشته اند، فرانکو برای سرنگونی جمهوری دوم کودتا نکرد. بلکه در سال ۱۹۳۶ عده ای از افسران ارتش، از رده ی ارشدی به بالا، با مشاهده ی اوضاع مُصیبت بار مملکت تصمیم به نجات آن گرفتند. قیامی مسلحانه طرح ریزی شد و طراح اصلی و مغز متفکر آن نیز ژنرال امیلیو مولا (*Emilio Mola*) بود. آن ها تصمیم گرفتند که یکی از ژنرال های ارتش را به عنوان فرمانده خود برگزینند و رهبری قیام را به دست او بسپارند. قرعه به نام ژنرال سان خورخو (*San Jurjo*) که در حال تبعید در پرتغال به سر می برد اصابت کرد. وقتی او را برای فرماندهی عملیات نظامی به اسپانیا دعوت کردند، به هنگام حرکت، هواپیمایش در فرودگاه لیسبون (پایتخت پرتغال) دچار سانحه شد و او در آن حادثه جان خود را از دست داد. پس از مرگ ژنرال سان خورخو، ژنرال های ارتش این بار، ژنرال فرانسیسکو فرانکو را به عنوان فرمانده کل قوا (ژنرالایسم) برگزیدند.

اسپانیا را به دست من می سپارید؟

فرانکو، قلمی شیوا و نثری رسا داشت. به محض انتخاب شدن به عنوان فرماندهی کل قوا، در نطقی پر شور که خود او به رشته ی تحریر در آورده بود و از رادیوی شورشیان پخش شد، اظهار کرد: "اسپانیا را به دست من می سپارید، دستی که برای احیای مجد و عظمت تاریخی آن کوچکترین لرزشی به خود راه نخواهد داد. من با اراده ای تزلزل ناپذیر خواهم کوشید تا آن را به جایگاه والایی که در تاریخ در خور است برسانم." او بلافاصله با یک فروند هواپیمای دو موتوره اجاره ای و موسوم به "ژدهای باد پا" (*Dragón Rápide*) خود را به نیرو های مستقر در افریقا رسانید و روز ۱۸ ژوئیه قیام آغاز شد.

متأسفانه برای پرهیز از طولانی تر شدن مطلب، بیش از نمی توانم در این جا به جزئیات بیشتری در باره ی نحوه ی آغاز این قیام بپردازم و فقط همین اندازه می گویم که از همان روز ۱۸ ژوئیه، جنگ های داخلی اسپانیا که یکی از خون بار ترین جنگ های داخلی دنیاست، آغاز شد. در طول سه سال جنگ، که نزدیک به یک ملیون کشته داد، کشور های بلوک کمونیست، و احزاب چپ و روشنفکران کشورهای

مختلف جهان، از «جبهه ی مردمی» (*El Frente Popular*) که تَشَكُّلی طرفدار جمهوری بود، حمایت می کردند. جرج اُروِل (*George Orwell*) نویسنده ی معروف انگلیسی برای دفاع از آن اسلحه برداشت و به جبهه رفت و زخمی شد.⁴ سیاست مدار ایرانی، شادروان دکتر شاپور بختیار در زمان دانشجویی در پاریس، از هواداران این جبهه بوده است و تنی چند از کمونیست های ایرانی نیز در دفاع از آن، جان خود را از دست داده اند. در مقابل این عده مخالفان جمهوری قرار داشتند که خود را «نیروی های ناسیونالیست» می نامیدند. این عده مورد حمایت مالی و نظامی رژیم فاشیستی ایتالیا، و آلمان نازی بودند.

جنگ های داخلی، روز اول آوریل ۱۹۳۹، با پیروزی ارتش فرانکو به پایان رسید و حکومتی دیکتاتوری در اسپانیا بر سر کار آمد که سی و نه سال یعنی تا زمان مرگ فرانکو در روز ۲۰ نوامبر ۱۹۷۵ دوام یافت.

با روی کار آمدن رژیم دیکتاتوری فرانکو، همه ی قوانین و از جمله قانون اساسی زمان جمهوری، لغو شد. خود فرانکو، متنی را به عنوان قانون اساسی به تصویب رساند و آن را به رفرائدم عمومی گذاشت.

با آغاز زمامداری فرانکو، جامعه ی اسپانیا به دو بخش «خودی» و «غیر خودی» تقسیم شد. «غیر خودی ها» عبارت بودند از هواداران رژیم سابق، سُرخ ها (اعم از سوسیالیست ها، کمونیست ها و تمامی نیروهای چپ)، روشنفکران و دگراندیشان، فراماسون ها، یهودی ها، کولی ها و هم جنس گرایان، که از همه ی آنان با عنوان «دست نشاندگان فریب خورده ی دشمن خارجی» یاد می کردند. در همان آغاز حکومت فرانکو بسیاری از نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران اسپانیایی، به میل خود راه دیار غربت در پیش گرفتند و یا تبعید شدند و تنی چند هم که ماندند یا روانه ی زندان شدند، و اگر در جلو جوخه های اعدام قرار نگرفتند، به اجبار، زندگی زیر زمینی پیش گرفتند.

یکی از ابزار های پایداری رژیم فرانکو، «جنبش» نام داشت که حزب فالانژ و بسیجی های ملی - سندیکائی (تنها حزب مجاز دولتی) نیز جزو آن بود. اعضای «جنبش» و «بسیجی ها» که پیراهن سرمه ای تیره بر تن می کردند اهرم اصلی برای سرکوب مخالفان رژیم بودند. آنان

⁴ کتاب *Homenaje a Cataluña* که زیر عنوان "درود بر کاتالونیا" توسط تورج آرامش به فارسی هم ترجمه شده است. از انتشارات آگاه، سال ۱۳۶۱ - تهران

با حمله به دانشجویان و به هم ریختن کلاس های درس و کتک زدن معلمان دانشگاه ها، وفاداری خود را به «مقام رهبری» و «نظام» ابراز می کردند. تا جایی که استنادی مانند تی یرنو گالوان (*Tierno Galván*) و فیلسوف معروف آرانگورن (*Aranguren*) مجبور شدند کلاس های درس خود را در خیابان تشکیل بدهند. این جوانان «پرسور»، «ایثارگر» و «همیشه در صحنه» هر جا که فرانکو و یا یکی از سران رژیم سخنرانی می کرد حضور می یافتند و فریاد های «فرانکو، فرانکو» و «زنده باد اسپانیا» سر می دادند و به باور خود با فریاد هایشان لرزه بر اندام دشمنان رژیم می انداختند. دشمنانی که فقط ساخته و پرداخته ی ذهن رهبران رژیم بودند و دیگر حضوری فیزیکی در جامعه نداشتند.

عنوان رسمی فرانکو، "مقام معظم رهبری" (*Su Excelencia el Caudillo*) بود و اصولاً همه ی دیکتاتور های اروپا در قرن بیستم عنوان "رهبر" داشته اند. موسولینی ملقب به "ئیل دوچه" (*Il Duce*) یعنی رهبر، به ایتالیایی) و هیتلر ملقب بود به "فهرر" (*Der Führer*) به آلمانی یعنی رهبر). فقط ژنرال فرانکو در اسپانیا، لقبی نداشت که سرانجام شیر پاک خورده ای پیدا شد و کلمه ی ال کائو دی یو (*El Caudillo*) را از اسپانیایی قرون وسطا بیرون کشید و فرانکو را به آن ملقب ساخت. به محض اعطای این لقب به فرانکو، اسقفی هم در شهر سالامانکا اظهار داشت که این کلمه به معنی سر دسته ی دزدان بوده است. چون مقام اسقفی داشت، نتوانستند او را به خاطر اظهار نظری که کرده بود دستگیر و مجازات کنند، بلکه او را از اسپانیا اخراج و به واتیکان (که در آن زمان به آن مرجع مقدس می گفتند) تبعید کردند.

رفته، رفته زندان ها پر شد از زندانیان سیاسی و دانشگاه ها و مراکز آموزشی مملو از مأموران پنهان و آشکار دستگاه و گماشتگان آن ها. جوخه های اعدام نیز بدون توجه به اعتراض های بین المللی همچنان به کار خود ادامه می داد. تا جاییکه در آخرین تیر باران های رژیم، فرانکو، حتی دستور داد تلفن پاپ را هم که می خواست وساطت کند به محل اقامت او وصل نکنند.

در سال های نخست حکومت فرانکو، کشورهای دیگر اروپایی که ویرانه های ناشی از جنگ دوم جهانی را بازسازی کرده بودند، به سرعت در راه پیشرفت و ترقی گام بر می داشتند. نخستین سنگ بنای

⁵ - El Caudillo

⁶ - ¡Arriba España!

«اتحادیه ی اروپا» نیز گذاشته شده بود ولی اسپانیا بر اثر اعمال تحریم ها و انزوای بین المللی با فقر و جهل و عقب ماندگی دست و پنجه نرم می کرد.

در طول سال های حکومت فرانکو، خانواده ی سلطنتی اسپانیا، به حال تبعید در ایتالیا و پرتغال به سر می برد و اجازه ی بازگشت به اسپانیا را نداشت. **دون خوان د بوربون کنت بارسلون (Don Juan de Borbón Conde de Barcelona)** پدر پادشاه کنونی، هر چند در آغاز «قیام»، حمایت خود را از آن اعلام کرد، ولی بعد ها در تصمیم خود تجدید نظر کرد و تا سال های پایانی عمر فرانکو اجازه ی آمدن به اسپانیا را نداشت.

در سال ۱۹۴۸ طبق توافقی که بین خانواده ی سلطنتی و حکومت فرانکو صورت گرفت، فرانکو اجازه داد که پادشاه فعلی برای آموختن زبان و انجام تحصیلات اسپانیایی به این کشور بیاید.

فرانکو، جز یک دختر، فرزند دیگری نداشت و با نزدیک شدن سال های پایانی زندگی او، بر نگرانی سران رژیم برای گزینش جانشینی برای «مقام رهبری» و ادامه ی عمر نظام افزوده می شد.

سرانجام پس از انجام مشورت های زیاد و به منظور جلوگیری از تجدید جنگ داخلی و کشت و کشتار های دوباره، مجلس نمایندگان در جلسه ای در سال ۱۹۶۹ تصمیم گرفت، **خوان کارلوس** را که در آن هنگام عنوان «شاهزاده ی آستوریاس»^۷ را داشت، به جانشینی فرانکو برگزیند.

انتخاب خوان کارلوس از یک طرف مورد سوء ظن نیروهای چپ (که او را ادامه دهنده ی راه فرانکو می پنداشتند) و از طرفی دیگر مورد مخالفت فرماندهان ارتش و سیاستمداران قدیمی رژیم قرار گرفت. آنان دریا سالار **لویس کاررو پلانکو (Luis Carrero Blanco)** از فرماندهان قدیمی نیروی دریایی، که خود را از هواداران راستین مقام رهبری و دنباله رو راه او می دانست، و نخست وزیر و مورد اعتماد فرانکو هم بود، برای جانشینی شایسته تر می دانستند.

تیمسار منزل تشریف دارند؟

⁷ - بخش دوم قانون اساسی دیده شود.

کاررو بلانکو (Luis Carrero Blanco) روز ۲۰ دسامبر ۱۹۷۳ (درست دو سال پیش از مرگ فرانکو) طی یک عملیات بسیار حساب شده و پیچیده ی تروریستی جان خود را از دست داد. او که فردی بسیار مومن و مذهبی بود، هر روز پیش از رفتن به دفتر نخست وزیری برای عبادت به کلیسائی واقع در نزدیکی دفتر نخست وزیری می رفت. آن روز هم در داخل اتومبیل نخست وزیری به طرف کلیسا در حرکت بود که هرگز به آنجا نرسید.

تروریست ها از چند روز پیش، از داخل مغازه ای، تونلی در زیر خیابان محلّ آمد و شد **کاررو بلانکو** حفر کرده و مقدار قابل توجهی موادّ منفجره در آن جا سازی کرده بودند. آنان به طور دقیق پیش بینی همه چیز را کرده بودند. چند گونی شن پشت جعبه های موادّ منفجره قرار داده بودند که جلو عقب زنی موج انفجار را بگیرد و اتومبیلی را هم درست در آن سوی خیابان و رو به روی مغازه، دوبله پارک کرده بودند تا اتومبیل حامل **کاررو بلانکو** موقع عبور از آن جا، منحرف شود و درست از روی تونل که موادّ منفجره در آن قرار داشت، بگذرد.

دو نفر که لباس کار کارگران شرکت تلفن را بر تن داشتند و به نظر می رسید که مشغول تعمیر خطوط تلفن هستند، موقع عبور اتومبیل نخست وزیر با اتّصال سیم ها، چاشنی را منفجر می کنند. حفره ی بزرگی در وسط خیابان ایجاد می شود و گرد و غبار زیادی به هوا بر می خیزد. مأموران محافظی که در داخل یک اتومبیل اسکورت در پشت سر حرکت می کردند، پس از فرو نشستن گرد و غبار، چون اثری از اتومبیل نخست وزیر نمی بینند به خانه ی او تلفن می کنند و می پرسند: "تیمسار منزل تشریف دارند؟". در همین موقع راهبه ای تلفنی به اداره ی پلیس خبر می دهد که اتومبیلی در بالکن طبقه ی سوم ساختمانی واقع در محلّ انفجار در حال سوختن است.

فرانکو: آخرین رشته ی عمر مرا پاره کردند

در آن موقع سازمان جدایی طلب باسکی «اتا»^۸ (ETA) مسئولیت انفجار را به عهده گرفت. ولی با توجه به ابعاد این عمل و با در نظر گرفتن اوضاع اجتماعی و قدرت پلیسی رژیم در آن موقع، مشکل می توان

^۸ مخفف *Euskadi Ta Askatasuna* که به باسکی یعنی «آزادی برای سرزمین باسک»، که سازمانی به همین نام است.

قبول کرد که «اِتا» در آن زمان، توان و ابزار انجام چنین کاری را داشته باشد.

هرگز فردی و یا افرادی در ارتباط با این عمل تروریستی دستگیر نشد. زیرا همانطوریکه اشاره شد، کاررو بلانکو و اعضای خانواده ی او عمیقاً مذهبی بودند. و در مسیحیت اصل بر عفو و بخشش است تا بر انتقام و قصاص و کینه توزی. ازینرو تا همه ی فرزندان و اعضای خانواده در بیمارستان حاضر نشدند و قاتلان را عفو نکردند و تعهدی از مقامات انتظامی مبنی بر چشم پوشی از تعقیب و دستگیری عاملان ترور نگرفتند، همسر کاررو بلانکو اجازه نداد که جسد همسرش را برای ادای احترامات نظامی و تشریفات رسمی از آن جا خارج کنند.

ترور کاررو بلانکو بزرگترین ضربه را بر پیکر رژیم فرانکو وارد کرد. فرانکو هنگام گفتن تسلیم به همسر کاررو بلانکو، در حالیکه به شدت می گریست، اظهار داشت: " آخرین رشته ی عمر مرا پاره کردند."

فرانکو مُرد!

دو سال بعد، در روز ۲۰ نوامبر ۱۹۷۵، کارلوس آریاس ناوارو (Carlos Arias Navarro)، نخست وزیری که به جای کاررو بلانکو به این سمت بر گزیده شده بود، در جلو میکروفون های رادیو و دوربین تلویزیون قرار گرفت و با صدائی لرزان گفت:

- "Franco ha muerto" (فرانکو مرد!).

البته فرانکو چندین روز پیش مرده بود، ولی رژیم اعلام مرگ او را تا روز بیستم نوامبر عقب انداخت تا تاریخ مرگ فرانکو با سال روز تیر باران خوسه آنتونیو^۹، از رهبران برجسته ی حزب فالانژ اسپانیا مطابقت کند.

فرانکو، در طول زندگی نظامی خود، فرماندهی بود به تمام معنی نابغه که جوان ترین ژنرال ارتش های اروپا به شمار می آید^{۱۰}. او تمامی مدارج نظامی را با ابراز لیاقت، یکی پس از دیگری طی کرد. در

⁹ - José Antonio Primo Rivera □ از سران حزب فالانژ اسپانیا، که به خاطر ایجاد اخلاص در نظم عمومی توسط جمهوری خواهان دستگیر و روز ۲۰ نوامبر ۱۹۳۶ (سال اول آغاز جنگ داخلی) در زندان آلیکانته تیر باران شد.

¹⁰ - در ۳۴ سالگی درجه سرتیپی گرفت.

زندگی شخصی نیز مردی بود به تمام معنی پاکدامن، مؤمن، متعهد و مذهبی که هرگز عبادت روزانه اش حتی در جبهه های جنگ هم، ترک نمی شد. دیناری از خزانه ی اسپانیا را صرف تجملات شخصی خود و خانواده اش نکرد. ولی همکاری او با رژیم فاشیستی ایتالیا و آلمان هیتلری، بستن دهان ها و شکستن قلم ها، فراری دادن مغز ها و حکم های اعدامی که در کمال خونسردی و پس از صرف قهوه ی بعد از ناهار امضاء می کرد، او را به شخصیتی مبدل کرد، که تاریخ اسپانیا و جهان از او به خوبی یاد نمی کند.

فرانکو را در دره ی شهدا و در مقبره ای که در زمان حیات، برایش در پای صلیبی بلند و بد قواره که به دست زندانیان سیاسی ساخته شد، و در کنار خوسه آنتونیو به خاک سپردند.

دو روز پس از مرگ فرانکو، **خوان کارلوس اول** با حضور در پارلمان و پس از ادای سوگند در برابر نمایندگان ملت، به عنوان پادشاه اسپانیا، زمام اداره ی امور کشور را در دست گرفت.

پادشاهی خوان کارلوس اول

کارلوس آریاس ناواررو که دو روز پیش، مرگ فرانکو را اعلام کرده بود، روز ۲۲ نوامبر ۱۹۷۵ دوباره در برابر میکروفون ها قرار گرفت و گفت:

" **جلوس خوان کارلوس بوربون و بوربون** را به عنوان **خوان کارلوس اول**، پادشاه اسپانیا اعلام می دارم "

بدینسان دوره ای نوین، حساس و پر فراز و نشیب در تاریخ معاصر اسپانیا آغاز گردید. ولی همان طوریکه در بالا اشاره شد، گروه های چپ، این پادشاه را ادامه دهنده ی راه فرانکو می دانستند (ولی با گذشت زمان به اشتباه خود پی بردند)، و فرماندهان رده بالای ارتش هم او را فردی فاقد شایستگی برای جانشینی فرانکو تلقی می کردند.

با تغییر رژیم و شروع پادشاهی خوان کارلوس، تبعیدیان و پناهندگان اسپانیا، به تدریج و در میان بُهت و نا باوری، شروع به بازگشت به کشور کردند و بسیاری از آنان پس از نزدیک به چهل سال دوری از وطن، دوباره به خاک اسپانیا قدم نهادند. قلم های شکسته بار دیگر جان گرفت، روزنامه ها و کتاب های تازه در پشت ویتترین روزنامه فروشی ها و کتابفروشی ها به روی رهگذران لبخند زد و دهان های بسته از نو توانست آزادی را فریاد بزنند. در آن خزان سرد سال ۱۹۷۵ از

دامنه های پوشیده از برف پیرینه تا کرانه های گرم جزایر قناری، همه جا گل‌های آزادی شکفت و یک ماه و ده روز پس از درگذشت دیکتاتور، فرارسیدن سال جدید را مردم، در پای کاج های رهائی و در پرتو شمع های آزادی جشن گرفتند.

آغاز دوره ی انتقالی

هنوز بیست و پنج روز از آغاز سال ۱۹۷۶ نگذشته بود، که برای نخستین بار پس از جمهوری دوم، انتخابات آزاد شهرداری ها برگزار شد. اندکی بعد، پادشاه، آقای آدولفو سوارز (Adolfo Suárez) را که از سیاستمداری میانه رو بود، به نخست وزیر برگزید و به دنبال آن فرمان عفو عمومی در مورد زندانیان و متهمان سیاسی صادر شد. آدولفو سوارز از همان لحظه ی اول تمامی سعی خود را بر روی انجام انتقالی آرام از دیکتاتوری به دموکراسی و به دور از اقدامات هیجان زده، معطوف کرد. خود او حزبی به نام «اتحاد میانه رو دموکراتیک» (UCD) تشکیل داد، که در انتخابات عمومی سال بعد نیز برنده شد.

به منظور بازسازی ارتش و نیروهای مسلح و جلوگیری از بروز حرکت های نسنجیده، سوارز یکی از نظامیان خوش نام ارتش به نام مانوئل گوتیه رز مبادو (Manuel Gutiérrez Mellado) را، که درجه ی سرلشگری داشت به سمت معاونت خود برگزید. این شخص در نهایت شایستگی توانست در سطح ارتش و پلیس دست به تغییرات دامنه داری بزند. ولی همانطوری که در صفحات بعد ملاحظه خواهید کرد، نظامیان هوادار رژیم سابق که جز فرانکو کسی را به فرماندهی قبول نداشتند، دنبال فرصت مناسبی می گشتند تا ضربه ای کاری بر پیکر این دموکراسی نو پا وارد سازند. قانونی اعلام شدن حزب کمونیست توسط مجلس، می توانست بهانه ی خوبی در دست آنان باشد.

از جمله ی اقدامات فراموش نشدنی دیگر آدولفو سوارز، تقدیم لایحه ای موسوم به «اصلاحات سیاسی» بود که به تصویب پارلمان رسید و به فراندن عمومی گذاشته شد. پارلمانی که هنوز چند ماهی از عمرش باقی بود و اعضای آن کسانی بودند که در زمان فرانکو و با تأیید صلاحیت توسط سازمان های امنیتی آن رژیم به مجلس راه یافته بودند.

قانون «اصلاحات سیاسی»، در ماه ژانویه ۱۹۷۷ به مرحله ی اجراء در آمد. و به دنبال آن در تابستان همان سال اولین انتخابات عمومی آزاد برای انتخاب سناتور ها و اعضای مجلس نمایندگان برگزار شد.

احزاب عمده ای که در این انتخابات، کاندیدا های خود را به مجلس فرستادند عبارت بودند از: «حزب کمونیست اسپانیا» (PCE) به رهبری آقای **سانتیاگو کارریو (Santiago Carrillo)**، حزب «سوسیالیست کارگری» (PSOE) به رهبری آقای **فلیپه گونزالس (Felipe González)** که بعد ها به مقام نخست وزیری رسید، حزب دست راستی و دارای تمایلات فرانکیستی «اتحاد مردمی» (Alianza Popular) به رهبری آقای **مانوئل فراگا (Manuel Fraga)** که در دولت های فرانکو دارای پست های مهم سفارت و وزارت بوده است، و بالأخره حزب راست میان رو موسوم به «اتحاد میانه رو دموکراتیک» (UCD) به رهبری خود آقای **آدولفو سوارز**. پس از انجام انتخابات و افتتاح پارلمان، مجالس قانونگذاری، تنظیم و تصویب یک قانون اساسی جدید را در صدر فعالیت های خود قرار دادند.

قانون اساسی جدید اسپانیا

یک کمیسیون پارلمانی متشکل از شش تن از حقوق دانان برجسته ی اسپانیا به پیشنهاد احزاب دارای کرسی، مأمور تنظیم متن پیش نویس قانون اساسی شد. این عده دو متن متفاوت را آماده کرد و برای تصویب تقدیم مجلس نمایندگان نمود. قانون اساسی حاضر اسپانیا که به باور بسیاری از استادان حقوق، یکی از جامع ترین قوانین اساسی موجود در دنیاست، محصول تلاش و دانش و از خود گذشتگی همین گروه شش نفره است که از آنان به عنوان «پدران قانون اساسی» یاد می شود. این گروه، علیرغم اختلافات ایدئولوژیک موجود در میان خود (از نماینده ی حزب کمونیست گرفته تا حزب کاملاً دست راستی «اتحاد مردمی»)، با گذشت و فداکاری توانستند در باره ی یک متن پیشنهادی به مجلس به توافق برسند.

قانون اساسی فعلی اسپانیا، سرانجام پس از ۳۱۰۰ حک و اصلاح، روز ۳۱ اکتبر ۱۹۷۸ به تصویب مجالس قانونگذاری رسید و پس از تأیید ملت اسپانیا در فراندنم روز ۶ دسامبر و به دنبال توشیح پادشاه؛ روز ۲۹ دسامبر همان سال^{۱۱} در روزنامه ی رسمی کشور منتشر شد و از همان روز قدرت اجرایی پیدا کرد.

¹¹ - برابر با ۸ دی ماه ۱۳۵۷.

امسال مصادف است با سی امین سالگرد تصویب قانون اساسی اسپانیا. در عرض این سی سال، قانون اساسی و دموکراسی نو پای اسپانیا، خطر های زیادی را از سر گذرانده است که مهم ترین آنها کودتای ۲۳ فوریه ۱۹۸۱ بود.

آن شب هولناک و دهشت زا

همانطوری که اشاره شد، هواداران رژیم فرانکو، به ویژه فرماندهان ارتش که از برقراری دموکراسی و آزادی احزاب سیاسی، دل خوشی نداشتند، دنبال فرصت مناسبی می گشتند تا ضربه ای مهلک بر پیکر رژیم نو وارد بیاورند.

بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۳ فوریه ۱۹۸۱ (برابر با چهارم اسفند ۱۳۵۹) مراسم برگزاری جلسه ای از مجلس نمایندگان به صورت مستقیم از شبکه ی سراسری تلویزیون پخش می شد. در آن جلسه قرار بود که آقای **لئوپولدو کالوو سوتلو** (Leopoldo Calvo Sotelo) به عنوان رئیس جدید دولت و به جای آقای **آدولفو سوارز** تقاضای رأی اعتماد بکند. درست رأس ساعت شش و بیست دقیقه، یک گردان ژاندارم (که در اسپانیا «گارد سیویل» نام دارد) به فرماندهی سرهنگ دوم **آنتونیو ته خه رو** (Antonio Tejero) ساختمان مجلس را به اشغال خود در آورد. سرهنگ مزبور، هفت تیر به دست پشت تریبون مجلس قرار گرفت و با لحنی تهدید آمیز فریاد زد: "ساکت! همگی زمین گیر بشوید، گفتم همگی...". همه ی نمایندگان و اعضای دولت حاضر در جلسه در زیر کرسی های مجلس پنهان شدند، جز دو نفر. یکی از آن ها آقای **سانتیاگو کارریو** رئیس حزب کمونیست بود که می دانست در صورت پیروزی کودتا، بلافاصله تیر باران خواهد شد و دیگری ژنرال **گوتیه رز می یادو** بود که نمی خواست از زیر بار مسئولیتی که در برابر تاریخ بر عهده گرفته بود شانه خالی کند. ژنرال **مانوئل گوتیه رز می یادو** (Manuel Gutiérrez Mellado) که با لباس شخصی در جلسه ی پارلمان حضور داشت با پرخاش به نظامیان فریاد زد: "جای شما اینجا نیست، بروید بیرون...". یکی از آن ها با او گلاویز شد و او و **آدولفو سوارز** را که به دفاع از او برخاسته بود بر روی پیش خوان یکی از کرسی های مجلس انداخت. در همین لحظه نظامی دیگری با مسلسل دستی خود چند تیر به سقف پارلمان شلیک کرد. در این هنگام سروانی پشت تریبون رفت و اعلام کرد که تحولاتی در جریان است و یکی از مقامات ذیصلاح - که

مسلماً نظامی خواهد بود - به زودی مراتب را به اطلاع ملت خواهد رساند.

تمامی نمایندگان ملت و وزراء و همه ی مسئولان رده بالای کشور و رهبران احزاب سیاسی به گروگان گرفته شده بودند. معاونان وزارت خانه ها، در غیاب وزراء، و به منظور جلوگیری از ایجاد خلاء در اداره ی مملکت، کابینه ای اضطراری تشکیل دادند.

همه چیز از وقوع یک کودتای نظامی تمام عیار خبر می داد. ساعتی بعد، روزنامه ی «ال پائیس» (El País) که صبح ها منتشر می شود، فوق العاده ای بیرون داد و نوشت که اوضاع در خطر است و از مردم خواست که صفوف خود را فشرده تر سازند. اندکی بعد شبکه ی سراسری رادیویی کشور برنامه های عادی خود را قطع کرد و شروع به پخش موسیقی کلاسیک نمود. تلویزیون هم یک فیلم سینمایی معمولی را به آنتن برد. ولی پیش از اشغال استودیو های مرکزی تلویزیون توسط دو نفر بر زرهی، چند تن از کارکنان قسمت فنی توانسته بوده بودند به موقع یک فرستنده ی سیار را به خارج از محوطه منتقل کنند. رفته، رفته ارتباطات تلفنی هم در بسیاری از نقاط مادرید مختل شد. با تاریک تر شدن هوا، خیابان ها به سرعت از جمعیت و وسائلی نقلیه خالی می شد و کسی نمیدانست چه اتفاقی در شرف وقوع است.

حدود ساعت هشت شب، من هم یک تاکسی کرایه کردم و راهی منزل شدم. راننده ی تاکسی گفت که من آخرین مسافر ش بودم و پس از پیاده شدن، او هم راهی خانه اش می شد تا به همراه خانواده چشم به راه حوادث بنشیند. وقتی که به خانه رسیدم تنی چند از جوانان همسایه را دیدم که دم در ایستاده بودند. یکی از آنها که با من دوستی داشت و می دانست که من به رادیو های خارجی گوش می کنم، همراه سه تن دیگر به آپارتمان من آمدند. به رادیوهای فرانسه گوش کردیم ولی آن رادیو ها هم اطلاعی بیشتر از ما از رویداد های مادرید نداشتند. رادیو «بی بی سی» در اخبار ساعت نه فقط اعلام کرد که پارلمان اسپانیا به اشغال گروهی شبه نظامی در آمده است. کسی هم از آنچه در درون مجلس می گذشت خیر نداشت و معلوم نبود چه بلایی بر سر رهبران سیاسی کشور و نمایندگان ملت آمده است. لحظه ها به کندی و با دلهره می گذشت و هر کدام از جوانان حاضر عقیده ای ابراز می کرد.

چند لحظه بعد یکی از رادیو های محلی خبر داد، که شهر والنسیا (واقع در یکی از ایالات شرقی اسپانیا) به اشغال تانک های یک واحد موتوریزه از سپاه سوم به فرماندهی ژنرال خایمه میلانس دل بوش

(Jaime Milans del Bosch)، در آمده است. خود او طی اعلامیه ای که از رادیو والنسیا پخش شد، از مردم خواست که از تشکیل اجتماعات خود داری کنند و به پرسنل نظامی نزدیک نشوند. آن ژنرال امیدوار بود که فرماندهان سپاه های دیگر هم اقدام مشابهی در مناطق تحت فرماندهی خود به عمل آورند.

نشست آن روز مجلس نظر به اهمیتی که داشت، به طور زنده از تلویزیون پخش می شد و مردم ورود آن سرهنگ هفت تیر به دست به آن جا و قرار گرفتن او در پشت تریبون را به چشم خود دیده بودند. آن ها می دانستند که واحد ژاندارم (گارد سیویل) از وفادار ترین واحد ها در بین نیروهای مسلح، به ژنرال فرانکو بود. تنها مایه ی دل خوشی ما در سکوت آن شب این بود، که از هیچ نقطه ای از پایتخت صدای تیر اندازی به گوش نمی رسید و صدای رفت و آمد آمبولانس ها هم شنیده نمی شد. سکوتی مرگبار بر آسمان نیمه ابری مادرید حکمفرما بود و ارتباطات تلفنی همچنان قطع بود.

تلویزیون، فیلم سینمایی دیگری پخش می کرد و ما عقربه ی رادیو را از روی فرستنده ای به روی طول موج فرستنده ی دیگری می لغزاندیم. حدود ساعت ده و نیم شب یکی از فرستنده های غیر دولتی محلی مطلبی پخش کرد که باعث دلهره ی بیشتری شد. ژنرال میلانس دل بوش از دستور پادشاه برای باز گرداندن تانک ها به پادگان هایشان سر پیچی کرده بود. عده ای از بسیجی ها و اعضای حزب فالانژ هم - به قول همان رادیو - در جلو مجلس جمع شده بودند و با دادن سلام فاشیستی و خواندن سرود های مخصوص به خود، نظامیانی را که پارلمان را در محاصره و اشغال خود داشتند تشویق می کردند. یکی از بچه های حاضر در آپارتمان من که پدرش تازه از تبعید ۳۵ ساله در فرانسه به وطن باز گشته بود، زد زیر گریه. او می گفت در صورت پیروزی کودتا، تیرباران پدرش قطعی خواهد بود. به دنبال حرف آن جوان، بچه های دیگر هم شروع کردند به تعریف کردن خاطرات وحشتناکی که از بزرگتر های خود در باره ی حوادث جنگ های داخلی شنیده بودند.

من تازه به اسپانیا آمده بودم و هنوز چند ماهی از ورود من در این کشور نمی گذشت. من در آن موقع زبان اسپانیائی را در حدی نمی دانستم که بتوانم در گفتگوی جوانان همسایه که در پارلمان من گرد آمده بودند، شرکت کنم. ولی هر طوری بود به آن ها حالی کردم که من به پیروزی کودتا امیدوار نبودم. وقتی که دلیل مرا پرسیدند، توانستم توضیح دهم که در کودتا های نظامی، معمولاً نیروی هوائی دست بالا را دارد.

من اضافه کردم که ما از زمان اشغال پارلمان تا آن لحظه ی دیر وقت از شب، شاهد پرواز هیچ هواپیمائی در آسمان مادرید نبوده ایم. به آن ها گفتم اگر چند هواپیما و حتی چند هلیکوپتر تانک های کودتاچیان را در والنسیا به گلوله ببندند و یا بر روی پارلمان چترباز پیاده کنند، نظامیان اشغالگر، جز تسلیم و یا کشته شدن کار دیگری نمی توانند انجام بدهند. وانگهی همان طوریکه آن فرستنده ی محلی دارد می گوید ژاندارم ها غیر از سلاح کمری و مسلسل دستی کوچک، سلاح دیگری برای دفاع از خود در اختیار ندارند. مگر آن ها می توانند تمامی ۳۵۰ نفر نمایندگان مجلس و سایر اعضای دولت را در یک شب اعدام کنند؟! و بعد مثال هائی از کودتای شیلی، کودتای نظامیان ترکیه، کودتا های عراق برایشان تعریف کردم و اضافه کردم بر فرض هم اگر کودتا پیروز شود، حکومت روی کار آمده از طریق آن کودتا را به رسمیت خواهد شناخت؟ حرف های من کمی باعث دلگرمی بچه ها شد.

همه ی ما ساکت چشم به صفحه ی تلویزیون دوخته بودیم. فیلمی که از تلویزیون پخش می شد، بعد از چند دقیقه، قطع شد. ساعت درست یک و چهارده دقیقه ی بعد از نیمه شب بود. چند لحظه گذشت، و ناگهان پادشاه اسپانیا در حالیکه اونیفورم فرماندهی گل قوا را بر تن داشت، بر صفحه ی تلویزیون ظاهر شد و طی سخنانی بسیار کوتاه گفت:

"مردم اسپانیا،

بدینوسیله قاطعانه از یکایک شما می خواهم که در شرایط فوق العاده ی فعلی که در این لحظات با آن روبرو هستیم، نهایت آرامش و خویشتن داری را به خرج بدهید. به اطلاع شما می رسانم که به فرماندهان مناطق نظامی اعم از هوایی و دریایی و زمینی دستور های لازم صادر شده است تا بدانند: با تَوَجُّه به حوادثی که در ساختمان مجلس در جریان است و به منظور احتراز از بروز هر گونه هرج و مرج احتمالی به مقامات کشوری و فرماندهی ستاد نیرو های مُسَلَّح دستور داده ام در جهت حفظ نظم و در چهار چوب قوانین جاری، اقدام مقتضی معمول دارند. هر گونه اقدام نظامی که ضروری تشخیص داده شود، فقط می بایست با تصویب فرماندهان ستاد نیروهای مُسَلَّح صورت بگیرد.

پادشاه، به عنوان نماد یکپارچگی و پایداری کشور، به هیچ وجه نمی تواند حرکات و نگرش کسانی را تحمُّل کند که می خواهند با تَوَسُّل به

زور روند دموکراتیک آغاز شده طبق قانون اساسی را که مردم اسپانیا، به موقع خود و از طریق رفرااند مورد تأیید قرار داده است، مختل سازند.^{۱۲} کودتا شکست خورد و بار دیگر دموکراسی پیروز گردید.^{۱۳} معلوم شد بچه هایی که آن فرستنده ی سیار را از مرکز تلویزیون خارج کرده بودند، آن را به کاخ محلّ اقامت پادشاه برده و پیام او را خطاب به ملّت، در آن جا ضبط کرده بودند. آنها پس از خروج از کاخ سلطنتی، در دو گروه جداگانه و از دو مسیر مختلف به سوی مرکز پخش به راه می افتند تا در صورت دستگیری یکی، آن دیگری بتواند نوار پیام پادشاه را از فرستنده پخش کند.

مداخله ی به موقع پادشاه، کشور را از افتادن دوباره به چنگال دیکتاتوری و خودکامگی نجات داد. یک هفته بعد از آن کودتای نا فرجام، اسپانیا شاهد بزرگترین تظاهرات خیابانی بود که در آن همه ی احزاب سیاسی فقط پشت یک پلاکارد که روی آن نوشته شده بود "به پاس آزادی، دموکراسی و قانون اساسی"^{۱۴} به خیابان ها ریختند. موارد زیر پاره ای از موهبت هایی است که از برکت قانون اساسی جدید، نصیب کشور اسپانیا شده است:

- اعطای خود مختاری به هفده ایالت و دو شهر و تفویض و انتقال اختیارات حکومت مرکزی به آن ها، طبق موارد مُشخّص در قانون اساسی (مّواد ۲).
- به رسمیت شناخته شدن زبان های محلی و داشتن حقّ آموزش به آن زبان ها در محدوده ی ایالات خود مختار (ماده ۳). همه اکنون در اسپانیای امروز پنج زبان رسمی وجود دارد: اسپانیایی کاستیلی (زبان ملی)، زبان باسکی، زبان کاتالانی، زبان گالیسیایی و زبان والنسیایی

¹² - تا ساعت دوازده روز بعد همهء نظامیانی که ساختمان مجلس را در اشغال خود داشتند، خود را تسلیم کردند، بی آنکه قطره ای خون از دماغ کسی بریزد و یا کسی در صدد انتقام جویی از آن ها بر آید. مدتی بعد فقط آمران و عاملان مستقیم کودتا، خلع درجه و برخی از آن ها به مجازات زندان محکوم شدند. کسی اعدام نشد و آخرین آن ها که همان سرهنگ دوم ته خه رو بود هفت سال پیش و پس از پایان دوران محکومیت از زندان آزاد شد.

¹³ Por la libertad, la democracia y la Constitución

- ممنوعیت اعمال سانسور بر مطبوعات و سایر رسانه های اطلاع رسانی (جز به هنگام برقراری وضعیتی فوق العاده و حکومت نظامی) (ماده ی ۵۵).
- تضمین آزادی بیان و اندیشه به معنای وسیع کلمه (ماده ی ۲۰).
- ممنوعیت تشکیل دادگاه های ویژه (مانند دادگاه ویژه ی روزنامه نگاران، دادگاه ویژه ی روحانیت و غیره) (ماده ی ۲۶ و بند ۶ از ماده ی ۱۱۶).
- نبودن مذهبی به عنوان مذهب رسمی کشور و آزادی کلیه مذاهب و انجام فرائض مذهبی برای پیروان تمامی ادیان در حد مجاز و نیاز (ماده ی ۱۶).
- ممنوعیت استفاده از شکنجه و اعمال تحقیرآمیز و موهن در مورد افراد بازداشتی و زندانی (ماده ی ۱۵).
- لغو مجازات اعدام (حتی در زمان جنگ) (ماده ی ۱۵).
- تشکیل نهاد مدعی العام با انتخاب پارلمان به منظور نظارت بر رعایت حقوق شهروندان توسط مأموران دولتی و سایر مسئولان اداره ی مملکت در سراسر کشور (ماده ی ۵۴).
- آزادی تشکیل سندیکا های کارگری و حق عضویت در آن ها با در نظر گرفتن محدودیت های مربوط به عضویت پرسنل نظامی و انتظامی، قضات و برخی از صاحبان مشاغل معدود دیگر به منظور حفظ بی طرفی و به خاطر مسئولیت ویژه ی آنها (مواد ۷ و ۲۸ و ۱۲۷).
- به رسمیت شناختن حق اعتصاب به منظور دفاع از حقوق کارگری (بند ۲ از ماده ی ۲۸).
- تفکیک کامل قوای مملکتی و تعیین و تحدید وظایف هر یک از آن ها.
- استقلال کامل قوه ی قضائیه و قضات شاغل در تمامی سطوح دادرسی.
- تعیین وظایف افراد در دفاع از کشور و به هنگام بروز سوانح و فاجعه های عظیم طبیعی و غیر طبیعی.
- تصویب بعدی قانون لغو انجام خدمت نظام وظیفه (به هر نحو و شکلی)، و تشکیل ارتشی نوین و حرفه ای، که هم اکنون در پاره ای از نقاط بحرانی جهان مانند افغانستان و لبنان حضوری مؤثر دارد.

- تضمین استقلال آموزشی دانشگاه ها و انتخابی بودن تمامی ارگان های آن ها (از رئیس دانشگاه گرفته تا رئیس دیپارتمان) و اجباری و رایگان بودن آموزش ابتدائی (ماده ی ۲۷).
- تساوی کامل حقوق زن و مرد در تمامی شئون و مشاغل کشوری و لشکری. از ۱۷ نفر وزیر در کابینه ی فعلی اسپانیا، ۹ نفر زن هستند (از جمله وزیر دفاع).
- تساوی کامل همه ی افراد اسپانیائی از هر مقام و موقعیت فردی و اجتماعی در برابر قانون (ماده ی ۱۴).
- حمایت از حقوق همه ی کودکان متولد در خاک اسپانیا، اعم از اینکه ثمره ی ازدواج بوده باشند و یا نباشند (بند ۴ از ماده ی ۹).

قانون اساسی اسپانیا

قانون اساسی اسپانیا که در جلسه ی مشترک روز ۳۱ اکتبر ۱۹۷۸^{۱۴} به تصویب اعضای مجلس نمایندگان و سنا^{۱۵} رسیده بود، در فراندم روز ششم دسامبر همان سال مورد تأیید ملت قرار گرفت و پس از توشیح توسط اعلیحضرت خوان کارلوس اول، پادشاه این کشور، به مرحله ی اجرا گذاشته شد.

¹⁴ - برابر با نهم آبان ماه ۱۳۵۷ شمسی. م

¹⁵ - *las Cortes* ، نظام پارلمانی اسپانیا از دو مجلس، یکی به نام *Cámara Baja* («مجلس نمایندگان» یا «مجلس شورا» یا «مجلس پائین») و دیگری *Cámara Alta* («مجلس سنا»، یا «مجلس اعلا») تشکیل می شود که به مجموع آنها *las Cortes Generales* گفته می شود. م

ما خوان کارلوس اول، پادشاه اسپانیا، به آگاهی همه ی آنان که این متن را دیده و آن را درک می کنند می رسانیم: بدانید که قانون اساسی زیر به تصویب مجلسین و تأیید مردم اسپانیا رسیده است.¹⁶

دیباچه

ملت اسپانیا به منظور برقراری عدالت، آزادی، امنیت و حفظ منافع یکایک افراد آن، در راستای ایفای حق حاکمیت و استقلال، خواست خود را جهت نیل به مقاصد زیر اعلام می دارد:

- تضمین همزیستی دموکراتیک تحت لوای قانون اساسی و سایر قوانین منطبق با یک نظام عادلانه ی اقتصادی و اجتماعی؛
- ایجاد حکومتی قانونمند که سُلطه ی قانون را به عنوان بیانگر اراده ی مردم تضمین کند؛
- حمایت از همه ی افراد و خلق های اسپانیا در جهت برخورداری از حقوق انسانی، فرهنگ، سنن، زبان و نهاد های مربوط به خود؛
- کوشش در جهت اعتلای فرهنگی و اقتصادی به منظور تأمین زندگی بهتر برای همه؛
- ایجاد جامعه ای آزاد و پیشرفته؛
- تشریک مساعی در جهت تشییید روابط صلح آمیز و همکاری مؤثر با همه ی ملت های دنیا؛

علیهذا مراتب زیر را مجلسین تصویب و مردم اسپانیا نیز تأیید می کند:

¹⁶ - جمله ای است که به همین صورت از زمان های قدیم بر صدر قوانینی که به توشیح پادشاه می رسد، درج می شود. م

بخش مقدمه

ماده ی ۱ - Artículo 1

بند ۱ - اسپانیا کشوری است دموکراتیک^{۱۷} و سوسیال^{۱۸} قانون مدار^{۱۹}، که آزادی، عدالت، برابری و کثرت گرائی سیاسی^{۲۰} در صدر ارزش های اصلی نظام حقوقی آن قرار دارد.

بند ۲ - حاکمیت ملی منبعت از مردم اسپانیاست که قوای مملکت نیز از آن ناشی می شود.

بند ۳ - نظام سیاسی حکومتی اسپانیا، مشروطه ی سلطنتی است.

ماده ی ۲ - Artículo 2

¹⁷ - بیش از هشت بار در متن قانون اساسی بر روی کلمه « دموکراتیک» تأکید شده است که در متن فارسی نیز به منظور حفظ روح قانون به همین صورت تکرار گردید. در یک نظام دموکراتیک (مردم سالار) ارگان های سیاسی کشور، از طریق برگزاری انتخابات عمومی و با تضمین مشارکت تمامی شهروندان واجد شرایط، انتخاب و گمارده می شوند. م

¹⁸ - وابسته به طبقات و یا فعالیت های اجتماعی. به منظور احتراز از تعبیر های دلخواهی، این کلمه نیز به همین صورت در متن فارسی نیز تکرار شد و نباید آن را با «کشور سوسیالیستی» اشتباه کرد. منظور از سوسیال بودن حکومت در اسپانیا، تأمین و تضمین و ارائه خدمات اجتماعی (بهداشت عمومی، حقوق بازنشستگی، بیمه زمان بیکاری، مدد معاش خانواده، توسعه اشتغال و ...) می باشد و در عین حال برنامه های مربوط به توزیع منطقه ای و اجتماعی درآمد، از طریق اعمال سیاست های مالیاتی را نیز شامل می شود. م

¹⁹ - مشخصات اساسی یک حکومت قانون مدار عبارت است از:
- ملزم و مقید بودن مسئولان امور مملکتی (اعم از نظامی و غیر نظامی) به اطاعت از قانون.

- تفکیک قوای مملکت.
- به رسمیت شناختن حقوق و آزادی های فردی و برقراری تضمین های لازم برای حمایت از آن ها. م

²⁰ - *Pluralismo político*: عقیده مثبتی بر لزوم دخالت کلی و عملی موسسات و مجامع غیر حکومتی (اعم از مذهبی، اجتماعی و سیاسی) در اداره امور کشور. م

قانون اساسی حاضر بر یکپارچگی بی چون و چرای کشور اسپانیا به عنوان سرزمین مشترک و لایتجزای همه ی مردم آن مبنی است که حق خود مختاری ملیت ها^{۲۱} و مناطق تشکیل دهنده ی آن را با حفظ همبستگی در میان آنها، به رسمیت شناخته و تضمین می کند.

ماده ی ۳ - Artículo 3

بند ۱ - اسپانیایی کاستیانی^{۲۲} زبان رسمی کشور است. همه ی مردم اسپانیا وظیفه دارند که آن را فرا گرفته و حق استفاده از آن را داشته باشند.

بند ۲ - دیگر زبان های اسپانیایی نیز در ایالات خود مختار مربوط به خود و بر اساس منشور خود مختاری آن ایالت ها به رسمیت شناخته می شود^{۲۳}.

بند ۳ - گنجینه ی غنی زبان های مختلف اسپانیا، میراثی است فرهنگی که مورد توجه و حراست خاص قرار خواهد گرفت.

ماده ی ۴ - Artículo 4

21 - از آن جهت در این جا از کلمه « ملیت » استفاده شده است که برخی از ایالت های خود مختار کنونی، در گذشته کشوری دارای حکومت مستقل بوده اند. در حال حاضر، هفده ایالت خود مختار و دو شهر خود مختار در اسپانیا وجود دارد. م

22 - *Castellano*؛ از این زبان در متون قدیم "کاستیلی" و در زبان عربی به عنوان زبان « قشتاله ای » یاد شده است. طبق قانون، در ایالت های خود مختار دارای زبان محلی، شهروندان موقع مراجعه به و یا مکاتبه با ادارات تابع حکومت مرکزی مستقر در ایالت خود مختار، می توانند از زبان محلی خود و یا زبان رسمی کشور استفاده کنند، و مسئولان اداری تابع حکومت مرکزی نیز موظف هستند به زبانی که شهروند ترجیح دهد، پاسخگو باشند. چنانچه در امری اداری که طرف های ذیربط متعددی وجود داشته و توافقی در مورد انتخاب زبان وجود نداشته باشد، از زبان رسمی کشور استفاده می شود. در صورتی که امری اداری به مناطقی خارج از ایالت خود مختار مربوط باشد، اسناد و مدارک به زبان رسمی کشور، تنظیم و یا ترجمه خواهد شد. م

23 - این زبان ها عبارتند از: کاتالان (*Catalán*)، باسکی (*Vasco*)، گالیسیایی (*Gallego*) و والنسیایی (*Valenciano*). م

بند ۱ - پرچم اسپانیا از سه قسمت افقی به رنگ های سُرخ و زرد و سُرخ تشکیل می شود که پهنای قسمت زرد آن دو برابر قسمت های سُرخ رنگ است.

بند ۲ - در منشور خودمختاری ایالات، می توان نوع درفش مربوط به هر ایالت را مُشَخَّص کرد. این درفش ها، در کنار پرچم اسپانیا در ساختمان های دولتی و هنگام برگزاری مراسم رسمی به اهتزاز در می آید.

Artículo 5 - ماده ی ۵

شهر مادرید پایتخت کشور است.

Artículo 6 - ماده ی ۶

احزاب سیاسی، مظهر کثرت گرایی^{۲۴} سیاسی هستند که به شکل گیری و تجلی اراده ی ملی کمک می کنند و ابراز بنیادی جهت مشارکت در شئون سیاسی به شمار می آیند. تشکیل احزاب و فعالیت آنها به شرط احترام به قانون اساسی و سایر قوانین، آزاد است. ساختار درونی و عملکرد احزاب باید دمکراتیک باشد.

Artículo 7 - ماده ی ۷

اتحادیه های کارگری و انجمن های صنفی کارفرمایان به حفظ و توسعه ی منافع اقتصادی و اجتماعی مربوط به خود کمک می کنند. ایجاد و فعالیت این مؤسسات به شرط احترام به قانون اساسی و قوانین، آزاد است. ساختار درونی و عملکرد این گونه مؤسسات باید دمکراتیک باشد.

Artículo 8 - ماده ی ۸

²⁴ - Pluralismo

بند ۱ - نیروهای مسلح متشکل از نیروی زمینی، دریایی و هوایی مأموریت حفظ حاکمیت و استقلال اسپانیا را عهده دار بوده و مدافع تمامیت ارضی و نظام مشروطه ی آن می باشند.

بند ۲ - قانونی ارگانی^{۲۵} مبانی تشکیلات نظامی را در محدوده ی اصول قانون اساسی حاضر مشخص خواهد کرد.

ماده ی ۹ - Artículo 9

بند ۱ - شهروندان و مسئولان اداره ی مملکت ملزم به رعایت قانون اساسی و سایر قوانین می باشند.

بند ۲ - ایجاد شرایط لازم جهت تحقق آزادی و برابری فردی و گروهی، رفع موانع و دشواری های موجود بر سر راه تحقق آن ها و تسهیل مشارکت همه ی شهروندان در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به عهده ی مسئولان اداری مملکت است.

بند ۳ - قانون اساسی ضامن اصل قانون مندی، رعایت سلسله مراتب مشخصه ی قانونی، علانیت قوانین، عطف به ما سبق نکردن مصوبات نامطلوب و یا محدود کننده ی حقوق فردی، امنیت قضائی، و پاسخگوئی مسئولان اداری مملکتی و منع تفسیرهای متناقض از قوانین و انجام اقدامات خودسرانه از ناحیه ی آنان می باشد.

بخش یکم

درباره ی حقوق و تکالیف اساسی

ماده ی ۱۰ - Artículo 10

²⁵ - عمداً به صورت " قانون بنیادی " ترجمه نشده است چون « قانون ارگانی » (ley orgánica) از اصطلاحات جدیدی است که همراه با قانونی اساسی حاضر وارد فرهنگ حقوقی اسپانیا شده است. منظور از « قوانین ارگانی » آن دسته از قوانینی هستند که عمدتاً ناظر بر حقوق اساسی و آزادیهای فردی بوده و تصویب، تغییر و فسخ آن مستلزم احراز رأی اکثریت مطلق مجلس نمایندگان می باشد. متن ماده ۸۱ دیده شود. در صفحات بعدی در باره رأی اکثریت مطلق و ساده توضیح داده خواهد شد. م

بند ۱ - شرافت افراد، و حقوق فطری و غیر قابل تخطی آن ها، پرورش آزادانه ی شخصیت، احترام به قانون و حقوق افراد دیگر، مبانی نظام سیاسی و امنیت اجتماعی را تشکیل می دهد.

بند ۲ - قوانین مربوط به حقوق اساسی و آزادی های تصریح شده در قانون اساسی بایستی در مطابقت با اعلامیه جهانی حقوقی بشر و معاهدات و مقاوله های نامه های بین المللی ذیربط و مورد تأیید اسپانیا، تدوین و تصویب گردند.

فصل اول

در باره ی اسپانیائی ها و خارجیان

ماده ی ۱۱ - Artículo 11

بند ۱ - تابعیت اسپانیائی به موجب قانون، کسب، حفظ و سلب می شود.

بند ۲ - هیچ فرد اسپانیائی الاصل را نمی توان از تابعیت خود محروم کرد.

بند ۳ - دولت می تواند معاهداتی در مورد داشتن تابعیت مضاعف با کشور های امریکای لاتین و یا کشورهایی که دارای پیوند های ویژه ای با اسپانیا بوده اند، منعقد سازد. چنانچه اصل معامله به مثل در این کشور ها به رسمیت شناخته نشده باشد، اتباع اسپانیایی می توانند بدون از دست دادن تابعیت اسپانیائی خود تابعیت این کشور ها را کسب کنند.^{۲۶}

ماده ی ۱۲ - Artículo 12

²⁶ - در حال حاضر کشور هایی که اسپانیا معاهدهء مربوط به تابعیت مضاعف با آن ها را امضاء کرده است، دوازده کشور هستند که عبارتند از: شیلی، پرو، پاراگوئه، نیکاراگوئه، گواتمالا، بلیوی، اکوادور، کُستاریکا، هندوراس، جمهوری دومینیکن، آرژانتین و کلمبیا. م

اتباع اسپانیائی^{۲۷} در ۱۸ سالگی به سنّ قانونی می رسند.

ماده ی ۱۳ - Artículo 13

بند ۱ - خارجیان، طبق این بخش از قانون اساسی و با توجه به مفاد ملحوظ در قوانین و پیمان های منعقد، از آزادی های عمومی در اسپانیا برخوردار خواهند بود.

بند ۲ - فقط اتباع اسپانیائی از حقوق ملحوظ در ماده ی ۲۳ بر خوردار خواهند بود، به استثنای موارد پیش بینی شده در معاهدات و قوانین مربوط به داشتن حقّ انتخاب کردن و انتخاب شدن در انتخابات شهرداری ها و با توجه به اصل معامله به مثل.

بند ۳ - استرداد مجرمین فقط در چهارچوب پیمان های منعقد و طبق قانون و بر اساس اصل معامله به مثل، صورت خواهد گرفت. استرداد مجرمین شامل تخلفات سیاسی نبوده و عملیات تروریستی تخلف سیاسی محسوب نمی شود.

بند ۴ - شرایط و موارد مربوط به پناهندگی اتباع کشورهای دیگر و افراد فاقد تابعیت^{۲۸} را قانون مشخص می کند.

فصل دوم در باره ی حقوق و آزادی ها

ماده ی ۱۴ - Artículo 14

اتباع اسپانیائی، صرف نظر از محلّ تولّد، نژاد، جنسیت، مذهب، طرز فکر و یا مقام و موقعیت فردی و اجتماعی؛ در برابر قانون یکسان بوده و نمی توان در حقّ آنان تبعیض قائل شد.

²⁷ - اعم از زن و مرد. م

²⁸ *Apartida = F. Apatride = E. Stateless*

قسمت یک
در باره ی حقوق اساسی و آزادی های عمومی

ماده ی ۱۵ - Artículo 15

تمامی افراد دارای حق حیات و برخورداری کامل از سلامت جسمی و روحی بوده و تحت هیچ شرایطی نمی توان آنان را مورد شکنجه، رفتار و یا مجازات های غیر انسانی و تحقیر آمیز^{۲۹} قرار داد. مجازات اعدام جز در موارد ملحوظ در آئین دادرسی کیفری نظامی مربوط به زمان جنگ، لغو می شود.^{۳۰}

ماده ی ۱۶ - Artículo 16

بند ۱ - آزادی عقیده، مذهب، عبادت و مراعات شعائر مذهبی افراد و جوامع در حد مجاز و بدون هیچگونه محدودیتی، تضمین می شود به شرط اینکه مصلح نظام عمومی تصریح شده در قانون نباشد.

بند ۲ - کسی را نمی توان در مورد مذهب، باور و اعتقادات شخصی اش مجبور به اعتراف کرد.

بند ۳ - هیچ مذهبی، به عنوان مذهب رسمی کشور تلقی نمی شود. مسئولان امور مملکتی مکلف به رعایت باورهای مذهبی جامعه ی اسپانیایی بوده و معاضدت های لازم را با کلیسای کاتولیک و سایر ادیان و مذاهب به عمل خواهند آورد.

ماده ی ۱۷ - Artículo 17

بند ۱ - برخورداری از آزادی و امنیت، حق هر فردی است. نمی توان کسی را از حق آزادی محروم ساخت، مگر در چهار چوب مفاد ماده ی حاضر و در موارد و به آنحاء تصریح شده در قانون.

²⁹ - مجازات ترذیلی. م

³⁰ - بعد ها طبق قانونی که به تصویب رسید، این مورد نیز ملغی شد، و در حال حاضر در هیچ موردی اعم از زمان جنگ و یا صلح مجازات اعدام در اسپانیا وجود ندارد. م

بند ۲ - مدت زمان بازداشت های احتیاطی ناپستی مشخصاً از مدت زمان لازم برای انجام بازجویی های ضروری برای کشف حقیقت، بیشتر باشد؛ در غیر این صورت فرد بازداشتی بایستی حداکثر در عرض هفتاد و دو ساعت (۷۲ ساعت) آزاد شده و یا به مقامات قضائی تحویل گردد.

بند ۳ - حقوق فرد بازداشتی و علل دستگیری وی، بی آنکه مجبور به اعتراف باشد می بایست در اسرع وقت به او ابلاغ و به زبانی قابل درک به وی تفهیم اتهام گردد. حق برخورداری از وکیل توسط فرد بازداشتی چه در زمان بازجویی در دوائر شهربانی و یا در طول انجام بازپرسی قضائی، طبق قانون تضمین می شود.

بند ۴ - نحوه ی رسیدگی به وضع فردی که بازداشت خود را غیر قانونی می داند^{۳۱}، به منظور تحویل سریع به مقامات قضائی، قانون ویژه ای مشخص خواهد کرد. در ضمن، حداکثر مدت زمان زندان موقت را نیز قانون معین می کند.

ماده ی ۱۸ - Artículo 18

بند ۱ - حقوق مربوط به شرافت و آسرار شخصی و خانوادگی و آبروی افراد تضمین می شود.

بند ۲ - حریم مسکن از تعرض مصون است. نمی توان بدون رضایت صاحب و یا ساکن آن، به خانه ای وارد شد و آن را مورد بازرسی قرار داد، مگر در حین زمان وقوع جرم و یا به حکم دادگاه.

بند ۳ - حفظ آسرار ارتباطی، به ویژه در مورد ارتباطات پستی، تلگرافی و تلفنی تضمین می شود، مگر به حکم دادگاه.

31 - *habeas corpus*، دستوری است که دادگاه به زندان محل توقیف زندانی ای که توقیف خود را غیر قانونی می داند، می دهد مُشعر بر اینکه وی را در محضر دادگاه جهت رسیدگی به ادعایش حاضر کنند. چنین موردی در حقوق ایران وجود ندارد. م

بند ۴ - قانون ویژه ای حدود استفاده رایانه ای، به منظور تضمین شرافت فردی و خانوادگی شهروندان و برخورداری کامل از حقوق آنان را مشخص خواهد کرد.

ماده ی ۱۹ - Artículo 19

تمامی افراد اسپانیایی در انتخاب محل سکونت آزاد بوده و حق دارند که آزادانه در داخل کشور رفت و آمد نمایند. در همین حال افراد اسپانیایی حق دارند که آزادانه و در محدوده ی قانون به اسپانیا وارد و یا از آن خارج شوند. به خاطر انگیزه های سیاسی و یا عقیدتی نمی توان استفاده از این حق را محدود کرد.

ماده ی ۲۰ - Artículo 20

بند ۱ - حقوق زیر به رسمیت شناخته شده و از آنها حمایت می شود:

الف) حق نشر و ترویج آزادانه ی اندیشه، عقیده و بیان، به صورت شفاهی، کتبی و یا از طریق هر وسیله ی ارتباطی و انتشاراتی دیگر.

ب) حق تولید و آفرینش های ادبی، هنری، علمی و فنی

ج) حق آزادی آموزش در دانشگاه

د) حق مبادله و دریافت آزادانه ی اطلاعات متعارف از طریق هر گونه وسیله ارتباطی و یا رسانه ای؛ حدود رعایت مسئولیت های فردی و اسرار حرفه ای در ارتباط با استفاده از این حقوق را قانون تعیین می کند.

بند ۲ - بر خورداری از این حقوق را با اعمال هیچ نوع سانسوری نمی توان محدود نمود.

بند ۳ - ساختار سازمانی و همچنین نحوه ی نظارت پارلمانی بر رسانه ها و یا هر سازمان [رسانه ای] دولتی دیگر را قانون مشخص کرده و دسترسی تمامی گروه های مهم سیاسی و اجتماعی به این رسانه ها را تضمین می کند^{۳۲}؛ به شرط رعایت اصل کثرت گرائی در جامعه و در چهار چوب زبان های مختلف موجود در اسپانیا.

بند ۴ - این آزادی ها محدود است به احترام به حقوق شناخته شده در این فصل از قانون اساسی، مقررات ناظر بر اجرای آن ها، علی الخصوص حقوق مربوط به احترام به شرافت، اسرار و آبروی افراد و حمایت از کودکان و جوانان.

بند ۵ - توقیف نشریات، و سایر آثار تصویری و یا صوتی اطلاع رسانی فقط به دستور دادگاه امکان پذیر است.

ماده ی ۲۱ - Artículo 21

بند ۱ - حق تشکیل اجتماعات و گردهم آیی های صلح آمیز و بدون حمل سلاح، به رسمیت شناخته می شود. تشکیل چنین اجتماعاتی به کسب مجوز قبلی نیازی ندارد.

بند ۲ - برای برگزاری اجتماعات و تظاهرات در معابر عمومی، مراتب باید قبلاً به اطلاع مسئولان امر رسیده باشد. فقط زمانی می توان از برگزاری چنین اجتماعات و تظاهراتی جلوگیری کرد که متضمن خطری جدی از نظر اختلال در نظم عمومی و یا علیه افراد و یا اموال باشد.

ماده ی ۲۲ - Artículo 22

بند ۱ - حق همایش و تشکیل انجمن ها به رسمیت شناخته می شود.

32 - تمامی احزاب مهم سیاسی دارای کرسی در پارلمان، نماینده و یا نمایندگانی در هیأت مدیره سازمان رادیو تلویزیون ملی اسپانیا دارند. م

بند ۲ - تشکیل جمعیت و انجمن ها با هدف ارتکاب جرم و یا با استفاده از وسایلی که آلت جرم تشخیص داده شده باشد، غیر قانونی است.

بند ۳ - جمعیت و انجمن هائی که طبق مفاد ماده حاضر تشکیل می شوند فقط به منظور آگاهی از موجودیت خود، باید به ثبت برسند.

بند ۴ - فقط به حکم دادگاه می توان جمعیت و انجمنی را منحل و یا فعالیت آن را به حالت تعلیق در آورد.

بند ۵ - ایجاد جمعیت و انجمن های سری و یا شبه نظامی ممنوع است.

ماده ی ۲۳ - Artículo 23

بند ۱ - مشارکت در اداره ی امور کشور، به طور مستقیم، و یا از طریق نمایندگانی که آزادانه و طی انتخابات عمومی ادواری انتخاب شده باشند، حق افراد کشور است.

بند ۲ - همچنین افراد کشور حق دارند که در شرایط مساوی و طبق موازین مشخص در قانون، در پست های دولتی انجام وظیفه کرده و به مقامات دولتی نائل آیند.

ماده ی ۲۴ - Artículo 24

بند ۱ - هر کسی حق دارد که در ایفای حقوق و حفظ منافع خود از حمایت قضات و دادگاه ها برخوردار بوده و در هیچ موردی بلا دفاع نماند.

بند ۲ - علیهذا، مراجعه به قاضی معمولی مشخص شده در قانون، حق برخورداری از وکیل مدافع، آگاهی از اتهامات وارده ، حضور در محاکمات در اسرع وقت ممکن و با استفاده از کلیه تضمینات لازم، ارائه ی ادله و شواهد لازم به منظور دفاع و عدم اعتراف در مورد

محکوم قلمداد کردن خود، و مشمول اصل برائت بودن؛ حقّ تمامی افراد است.

مواردی کیفری را که در آن الزاماً به خاطر قرابت خانوادگی و یا به منظور حفظ اسرار شغلی نتوان ادای توضیحات علنی کرد، قانون مُشَخَّص می کند.

ماده ی ۲۵ - Artículo 25

بند ۱ - کسی را نمی توان به خاطر انجام و یا عدم انجام عملی که در لحظه ی وقوع، طبق قوانین جاری، جرم، جُنحه و یا تخلف اداری محسوب نمی شود، مجرم شناخت و یا جریمه کرد.

بند ۲ - مجازات محرومیت از آزادی و یا برقراری اقدامات تأمینی باید در جهت باز آموزی و تربیت اجتماعی بوده و نمی تواند شامل انجام کارهای اجباری^{۳۳} گردد. فردی که دوران محکومیت زندان را می گذراند از تمامی حقوق اساسی موضوع این بخش از قانون اساسی بر خوردار خواهد بود به جز در مورد محدودیت های مقرر و تصریح شده در رأی صادره، نفس و نوع محکومیت و یا قانون مربوط به زندان ها.

بند ۳ - مقامات غیر نظامی کشور نمی توانند مجازاتی را که به طور مستقیم و یا احتیاطی در جهت محدود کردن آزادی باشند، اعمال کنند.

ماده ی ۲۶ - Artículo 26

تشکیل دادگاه های ویژه در محدوده ی ادارات غیر نظامی دولتی و سازمانهای صنفی ممنوع است^{۳۴}.

ماده ی ۲۷ - Artículo 27

33 - أعمال شاقّه. م
34 - از قبیل دادگاه ویژه روحانیت، دادگاه ویژه مطبوعات، دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم کارمندان دولت و... هر داد گاهی که منحصرأ به منظور رسیدگی به جرائم و تخلفات طبقه و یا صنف خاصی تشکیل شود. م

بند ۱ - هر کسی حق تحصیل دارد. آزادی آموزش و تحصیل به رسمیت شناخته می شود.

بند ۲ - پرورش کامل شخصیت انسانی بر اساس احترام به اصول دمکراتیک مربوط به همزیستی و سایر حقوق و آزادی های اساسی هدف اصلی آموزش و پرورش خواهد بود.

بند ۳ - مسئولان اداری مملکتی^{۳۵} موظف به کمک به والدین اطفال در جهت کسب تعالیم مذهبی و اخلاقی طبق اعتقادات شناخته شده ی آنان خواهند بود.

بند ۴ - آموزش ابتدائی، اجباری و رایگان خواهد بود.

بند ۵ - دولت موظف است که حق تمامی افراد را جهت کسب تعلیم و تربیت از طریق برنامه های عمومی آموزشی، مشارکت مؤثر بخش های ذینفع و تأسیس مراکز آموزشی تضمین نماید.

بند ۶ - حق افراد حقیقی و حقوقی در تأسیس مؤسسات آموزشی به شرط احترام به اصول قانون اساسی، به رسمیت شناخته می شود.

بند ۷ - معلمان، اولیاء اطفال، و در برخی موارد خود محصلان نیز به کیفیتی که در قانون مشخص شده باشد، بر نحوه ی اداره و مدیریت مراکز آموزشی که با هزینه دولت تأسیس شده باشد، نظارت و در آن ها مباشرت خواهند کرد.

بند ۸ - مسئولان اداری مملکتی به منظور تضمین هماهنگی با قانون و استاندارد کردن آن، سیستم آموزشی را مورد بازبینی و ارزیابی قرار خواهند داد.

35 - جز در موارد خاص، به مقام و یا سازمان دولتی مشخصی در قانون اساسی اشاره نشده است، بلکه همه جا عبارت «مسئولان اداری مملکتی» به کار رفته است که دارای معنای عام تری بوده و تمامی مسئولان اداری مملکتی از رئیس دولت گرفته تا یک کارمند ساده و اعم از نظامی و یا غیر نظامی را در بر می گیرد. م

بند ۹ - مسئولان اداری مملکتی به مراکز آموزشی واجد شرایط قانونی مساعدت خواهند کرد.

بند ۱۰ - استقلال دانشگاه ها در چهار چوب قانون به رسمیت شناخته می شود.

ماده ی ۲۸ - Artículo 28

بند ۱ - عضویت آزادانه در اتحادیه های کارگری حق همه ی افراد است. محدودیت استفاده از این حق به خاطر مستثنی بودن افراد نیرو های مسلح، سازمان ها و یا دیگر نهاد های مشمول دیسپلین نظامی و همچنین شرایط استفاده از آن توسط مأموران دولتی را، قانون مشخص می کند. آزادی مربوط به اتحادیه های کارگری، تشکیل سندیکا، شرکت در انتخابات داخلی آن، حق سندیکا ها در ایجاد کنفدراسیون و ایجاد سندیکا های بین المللی و عضویت در آن ها را نیز شامل می شود. کسی را نمی به عضویت در سندیکائی مجبور کرد.

بند ۲ - حق اعتصاب به عنوان وسیله ای برای دفاع از منافع کارگری به رسمیت شناخته می شود. نحوه ی استفاده از این حق را با برقراری تضمین های دقیق و به منظور تأمین خدمات اساسی مورد نیاز جامعه، قانون مشخص می کند.

ماده ی ۲۹ - Artículo 29

بند ۱ - کلیه اتباع اسپانیائی، به صورت کتبی و یا به هر شکل دیگری که قانون مقرر کرده باشد، به طور فردی و یا گروهی حق داد خواهی دارند.

بند ۲ - پرسنل نیروهای مسلح و یا سازمان های مشمول مقررات نظامی تنها و به صورت انفرادی و طبق قوانین ویژه ی مربوط به خود می توانند از این حق بر خوردار باشند.

قسمت دوم
در باره ی حقوق و وظایف شهروندان

ماده ی ۳۰ - Artículo 30

بند ۱ - تمامی افراد اسپانیائی حقّ و وظیفه دفاع از اسپانیا را دارند.

بند ۲ - تکالیف نظامی اتباع اسپانیائی با قید تضمین های لازم، از جمله امتناع از انجام خدمت زیر پرچم و همچنین سایر انواع معافیت از خدمت اجباری و جایگزینی خدمات اجتماعی به جای آن را قانون مُشَخَّص می کند.^{۳۶}

بند ۳ - می توان خدماتی اجتماعی با توجّه به نیاز ها و منافع جامعه، جایگزین خدمت سربازی کرد.

بند ۴ - وظایف شهروندان به هنگام بروز خطرات عظیم، سوانح و فاجعه های اجتماعی، به موجب قانون مُشَخَّص می شود.

ماده ی ۳۱ - Artículo 31

بند ۱ - همه ی افراد مکلفند که به تناسب استطاعت مالی خود، از طریق یک سیستم عادلانه مالیاتی و پیشرفته و مبتنی بر اصل مساوات که به هیچ وجه جنبه ی اجحاف نداشته باشد، به تأمین بودجه ی مملکت کمک کنند.

بند ۲ - در آمد های دولت، به صورتی مُنصفانه و متوازن و با در نظر گرفتن منابع تحصیل آنها و بر مبنای معیارهای اقتصادی کار آمد، هزینه خواهد شد.

³⁶ - از اوّل سال میلادی ۲۰۰۱ خدمت سربازی به هر شکل و کیفیتی در اسپانیا از بین رفت. م

بند ۳ - فقط به موجب قانون می توان از دارائی های شخصی برای انجام مقاصد دولتی استفاده کرد.

ماده ی ۳۲ - Artículo 32

بند ۱ - هر زن و مردی در شرایط کاملاً مساوی حقوقی حق تشکیل خانواده دارد.

بند ۲ - نوع ازدواج، سن، و صلاحیت مربوط به عقد آن، حقوق و تکالیف هر یک از زوجین و موجبات طلاق و فسخ و تبعات آن را قانون مشخص می کند.

ماده ی ۳۳ - Artículo 33

۱ - حقوق مربوط به مالکیت شخصی و وراثت به رسمیت شناخته می شود.

۲ - استفاده از این حقوق، مبتنی بر قانون مشخص کننده ی حدود محتوای آنها خواهد بود.

۳ - احدی را نمی توان از حق مالکیت اموال و حقوق خود محروم کرد مگر به دلیلی موجه برای استفاده ی عامه و یا منافع اجتماعی، و در قبال پرداخت غرامت و به نحوی که قانون مشخص کرده باشد.

ماده ی ۳۴ - Artículo 34

بند ۱ - حق ایجاد مؤسسات عام المنفعه برای استفاده ی همگانی به نحوی که قانون معین کرده باشد، به رسمیت شناخته می شود.

بند ۲ - مفاد مندرج در بند های ۲ و ۴ ماده ی ۲۲، شامل این گونه مؤسسات نیز می شود.

ماده ی ۳۵ - Artículo 35

بند ۱ - تمامی افراد اسپانیائی، موکلف به کار کردن بوده، و حق کار، انتخاب آزادانه ی حرفه و شغل، پیشرفت در مدارج شغلی و دریافت حقوق کافی برای رفع مایحتاج خود و خانواده ی خود را دارند، بی آنکه بتوان آن ها را به خاطر جنسیت^{۳۷} و نژاد مورد تبعیض قرار داد.

بند ۲ - قانونی، آئین نامه ی کارگری^{۳۸} را تنظیم و به مرحله ی اجراء خواهد گذاشت.

ماده ی ۳۶ - Artículo 36

ویژگیهای حقوقی مربوط به هر یک از کانون های صنفی و شغلی^{۳۹} و حدود وظایف آنها را قانون مشخص می کند. ساختار درونی و طرز کار این گونه کانون ها باید دمکراتیک باشد.

ماده ی ۳۷ - Artículo 37

بند ۱ - حق مربوط به مذاکره و تهیه و تنظیم پیمان های جمعی کارگری توسط نمایندگان کارگران و کارفرمایان را قانون تضمین کرده و در عین حال حدود ظرفیت اجرائی پیمان های کارگری را نیز مشخص می کند.

بند ۲ - حق مربوط به انجام اقدامات جمعی جهت رفع اختلاف میان کارگران و کارفرمایان به رسمیت شناخته می شود. قانون ناظر بر ایفای این حق صرف نظر از محدودیت هائی که ممکن است در این زمینه بر قرار کند، بایستی با دادن تضمین های دقیق، ضامن تداوم و تأمین خدمات اساسی مورد نیاز جامعه باشد.

ماده ی ۳۸ - Artículo 38

37 - زن و مرد بودن. م

38 - قانون کار. م

39 - مانند کانون وکلاء، کانون نویسندگان و مانند آن. م

آزادی فعالیت شرکت‌ها در چهار چوب اقتصاد بازار آزاد، به رسمیت شناخته می‌شود. مسئولان اداری مملکتی با توجه به نیازهای اقتصاد عمومی و برنامه ریزی اقتصادی، فعالیت و قابلیت تولید این شرکت‌ها را تضمین و از آن‌ها حمایت خواهند کرد.

فصل سوم

در باره ی اصول حاکم بر سیاست اجتماعی و اقتصادی

ماده ی ۳۹ - Artículo 39

بند ۱ - مسئولان اداری مملکتی، ضامن حفظ حمایت اجتماعی، اقتصادی و قضائی از خانواده می‌باشند.

بند ۲ - کودکان، صرف نظر از نَسَب و قرابت خود با پدران و یا مادرانشان اعم از اینکه این مادران ازدواج کرده باشند و یا نه، با داشتن حقوق مساوی در برابر قانون، زیر پوشش حمایت کامل دولت قرار می‌گیرند. موارد مربوط به تحقیق در باره ی هم‌خونی پدری را قانون امکان پذیر می‌سازد.

بند ۳ - والدین اطفال موظفند، تا زمانی که کودکان به سن قانونی نرسیده اند و یا در سایر موارد قانونی دیگر، از بذل هیچ گونه مساعدتی به آنان دریغ نوزند، اعم از اینکه این کودکان ثمره ی ازدواج باشند یا خیر.

بند ۴ - کودکان مشمول پیمان‌های بین‌المللی ناظر بر حقوق اطفال خواهند بود.

ماده ی ۴۰ - Artículo 40

بند ۱ - مسئولان اداری مملکتی شرایط مساعد لازم را برای توسعه ی اقتصادی و اجتماعی و به منظور توزیع کاملاً مساوی درآمد

های شخصی و ناحیه ای در چهارچوب یک سیاست ثابت اقتصادی ، فراهم خواهند آورد.

بند ۲ - در همین حال، مسئولان اداری مملکتی موظف به تنظیم سیاستی جهت بازآموزی و کار آموزی حرفه ای بوده، و رعایت کافی ایمنی و بهداشت در محیط کار، تضمین استراحت لازم با محدود کردن ساعات کار، و برقراری تعطیلات آدواری توأم با دریافت حقوق و توسعه مراکز کاری را تضمین خواهند کرد.

ماده ی ۴۱ - Artículo 41

مسئولان اداری مملکتی سیستمی از بیمه های اجتماعی برای کلیه شهروندان به وجود خواهند آورد که استفاده از مساعدت و خدمات لازم اجتماعی را در حد نیاز، در موارد اضطراری و به ویژه در ایام بیکاری تضمین نماید. استفاده از بیمه ها و خدمات جنبی، آزاد خواهد بود.

ماده ی ۴۲ - Artículo 42

دفاع از حقوق اجتماعی و اقتصادی کارگران اسپانیائی در خارج از کشور مورد توجه خاص حکومت خواهد بود که سیاست خود را معطوف به بازگرداندن آنان خواهد نمود.

ماده ی ۴۳ - Artículo 43

بند ۱ - حق حفظ تندرستی به رسمیت شناخته می شود.

بند ۲ - سازمان دهی و نظارت بر بهداشت عمومی با انجام اقدامات پیشگیرانه و ارائه ی خدمات و بذل توجهات لازم در صلاحیت مسئولان اداری مملکتی است. حقوق و تکالیف همه را در این مورد، قانون مشخص خواهد کرد.

بند ۳ - مسئولان اداری مملکتی ضامن توسعه آموزش های بهداشتی و درمانی، تربیت بدنی و ورزش می باشند. همین مسئولان در

ضمن، نحوه ی استفاده ی صحیح از اوقات فراغت را نیز تسهیل خواهند کرد.

ماده ی ۴۴ - Artículo 44

بند ۱ - مسئولان اداری مملکتی، دسترسی به فرهنگ را که حقّ همه است تسهیل، و بر آن نظارت خواهند کرد.

بند ۲ - مسئولان اداری مملکتی، موظّف به توسعه ی علوم و انجام پژوهش های علمی و فنّی عامّ المنفعه می باشند.

ماده ی ۴۵ - Artículo 45

بند ۱ - برخورداری از یک محیط زیست مناسب برای پرورش انسانی و حفاظت از آن حقّ همه است.

بند ۲ - مسئولان اداری مملکتی نظارت بر استفاده ی منطقی از تمامی منابع طبیعی به منظور حفاظت و بهبود کیفیت زندگی و دفاع و بازسازی محیط زیست با اتّکاء به همیاری عمومی لازم را، عهده دار خواهند بود.

بند ۳ - متخلّفین از مفاد بند فوق، در مواردی که قانون مُشخّص کرده باشد، به جزای کیفری و یا پرداخت جریمه محکوم شده و در صورت لزوم مجبور به جبران و تعمیر خسارات وارده خواهند گردید.

ماده ی ۴۶ - Artículo 46

حفاظت و غنی سازی میراث تاریخی، فرهنگی و هنری مربوط به خلق های اسپانیا و متلّقات آن را صرف نظر از وضع حقوقی و مالکیت آن ها، مسئولان اداری مملکتی تضمین می کنند. هر گونه اقدام در جهت تخریب و نابودی آنها، طبق قانون کیفری مشمول مجازات خواهد بود.

ماده ی ۴۷ - Artículo 47

تمامی اسپانیایی ها حقّ بر خورداری از یک مسکن مناسب و آبرومند را دارند. مسئولان اداری مملکتی شرایط لازم و مقررات مربوط به برخورداری از این حقّ را فراهم آورده و بر نحوه ی استفاده از زمین در جهت حفظ منافع عمومی و جلوگیری از سفته بازی نظارت خواهند کرد.

جامعه در ارزش افزوده ی حاصله از فعالیت های عمرانی سازمان های دولتی، سهم خواهد بود.

ماده ی ۴۸ - Artículo 48

مسئولان اداری مملکتی، شرایط لازم برای مشارکت مؤثر و آزادانه ی جوانان در توسعه ی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را فراهم خواهند آورد.

ماده ی ۴۹ - Artículo 49

مسئولان اداری مملکتی سیاستی در جهت پیشگیری، معالجه و توان بخشی افراد مبتلا به عقب ماندگی، نارسائی و یا ناتوانی جسمی و روحی با تمهید مراقبت های خاصّ مربوط به این گونه افراد، آنان را به منظور برخورداری از حقوق ملحوظ در این بخش برای سایر شهروندان، مورد حمایت ویژه قرار خواهند گرفت.

ماده ی ۵۰ - Artículo 50

مسئولان اداری مملکتی موظّفند که حقوق بازنشستگی ایام پیری افراد سالمند را با انجام تجدید نظرهای ادواری و تأمین اعتبارات لازم مالی، تضمین نمایند. علاوه بر این، و جدا از تعهدات خانوادگی، این مسئولان از طریق ارائه ی خدمات اجتماعی مراقب مسائل خاصّ مربوط به تندرستی، مسکن، فرهنگ و اوقات آسایش سالمندان خواهند بود.

ماده ی ۵۱ - Artículo 51

بند ۱ - مسئولان اداری مملکتی دفاع از مصرف کنندگان و کاربران را تضمین کرده و با انجام اقدامات مؤثر، ایمنی، سلامت و منافع حقه اقتصادی آنان را مورد حمایت قرار خواهند کرد.

بند ۲ - مسئولان اداری مملکتی طبق موارد مشخص در قانون، به امر آموزش و اطلاع رسانی به مصرف کنندگان و کاربران توجه کرده، نهاد های مربوط به آنان را گسترش می بخشید و به مسائلی که ممکن است مبتلابه مصرف کنندگان و کاربران باشد، رسیدگی خواهند کرد.

بند ۳ - تجارت داخلی و سیستم صدور مجوز برای کالا های بازرگانی را، قانون در چهارچوب مفاد بند های فوق مشخص خواهد کرد.

ماده ی ۵۲ - Artículo 52

آن دسته از سازمان های حرفه ای که در جهت دفاع از منافع مخصوص به خود تأسیس می شوند، طبق قانون مشخص خواهد شد.

فصل چهارم

در باره ی تضمین های مربوط به حقوق و آزادی های اساسی

ماده ی ۵۳ - Artículo 53

بند ۱ - رعایت حقوق و آزادی های تصریح شده در فصل دوم بخش حاضر برای همه ی مسئولان اداری مملکت الزام آور است. فقط طبق قانون، که در آن ماهیت این گونه حقوق و آزادی ها محترم شمرده شده باشد، می توان نحوه ی استفاده از این حقوق و آزادی ها را مشخص کرد که در تمامی موارد، مفاد ماده ی ۱۶۱، بند ۱ - الف؛ ناظر بر اجرای آن خواهد بود.

بند ۲ - تمامی شهروندان جهت استیفای حقوق و آزادی های تصریح شده در ماده ی ۱۴ و قسمت اول فصل دوم می توانند با مراجعه به دادگاه های عادی و با تشکیل پرونده ای که خارج از نوبت و در اسرع وقت به آن رسیدگی خواهد شد و یا با پژوهش خواهی از دادگاه قانون اساسی، دادخواهی کنند. رسیدگی به پرونده های مربوط به امتناع از انجام خدمت سربازی که در ماده ی ۳۰ به آن اشاره شده است در صلاحیت مرجع اخیر الذکر است.

بند ۳ - شناسائی، احترام و حمایت از اصول مصرح در فصل سوم حاکم بر قوانین جاری، رویه ی قضائی و عملکرد مسئولان اداری مملکت خواهد بود. این اصول فقط در چهار چوب قوانین خاص مفسر خود در دادگاه های عادی قابل طرح خواهند بود.

ماده ی ۵۴ - Artículo 54

قانونی آرگانی، تشکیلات و نحوه ی فعالیت نهاد مدعی العموم^{۴۰} را که به عنوان عالی ترین مرجع پارلمانی برای رسیدگی به شکایات شهروندان در دفاع از حقوق موضوع این فصل، و به منظور نظارت بر عملکرد تشکیلات اداری کشور در این رابطه، توسط پارلمان به این سیمت گمارده شده و گزارشهای خود را تسلیم آن می کند؛ مشخص خواهد کرد.

فصل پنجم

در باره ی تعلیق حقوق و آزادی ها

ماده ی ۵۵ - Artículo 55

بند ۱ - حقوق تصریح شده در مواد ۱۷ و ۱۸؛ بند های ۲ و ۳؛^{۴۱} مواد ۱۹، ۲۰ بند های ۱ - الف) و د)^{۴۲}؛ و بند ۵؛ مواد ۲۱، ۲۸، بند ۲؛^{۴۳} و ماده ی ۳۷، بند ۲؛^{۴۴} می تواند به هنگام برقراری وضعیت

⁴⁰ Defensor del Pueblo

41 - ناظر بر حداکثر مدت زمان بازداشت موقت و اطلاع فوری از علل بازداشت. م

42 - ناظر بر آزادی رفت و آمد و آزادی اندیشه و آزادی ارتباطات و انتشارات. م

43 - آزادی اجتماعات و اعتصابات. م

فوق العاده و یا اعلام حکومت نظامی، در چهار چوب مفاد قانون اساسی، به حالت تعلیق در آید. مفاد بند ۳ از ماده ی ۱۷ در صورت برقراری وضعیّت فوق العاده مشمول تعلیق نخواهد بود.

بند ۲ - یک قانون ارگانی نحوه و موارد مربوط به افراد معین، از نظر تعلیق حقوق تصریح شده در مواد ۱۷، بند ۲ و ماده ی ۱۸ بند های ۲ و ۳ را^{۴۵} و در ارتباط با تحقیقات در باره ی فعالیت باند های مسلّح و عوامل تروریستی، با انجام مباشرت قضائی لازم و نظارت پارلمانی را مشخص خواهد کرد.

استفاده غیر موجه و سوء استفاده از اختیارات ملحوظ در چنین قانونی ارگانی و یا تجاوز به حقوق و آزادی های تصریح شده در قوانین، مسئولیّت جنائی در برخواهد داشت.

بخش دوم در باره ی مقام سلطنت

ماده ی ۵۶ - Artículo 56

بند ۱ - پادشاه رئیس کشور و مظهر وحدت و پایداری آن به شمار می آید. حکمیّت و ایجاد تعادل در عملکرد عادی نهاد های مملکتی، نمایندگی اسپانیا در عالی ترین سطح در روابط بین المللی و به ویژه در میان کشورهایانی که پیوند های تاریخی مشترکی با اسپانیا داشته اند و انجام سایر اموری که قانون اساسی و دیگر قوانین مشخصاً به وی مَحَوّل کرده باشد، از وظایف پادشاه است.

بند ۲ - پادشاه، عنوان «پادشاه اسپانیا»^{۴۶} را خواهد داشت ولی مشارالیه میتواند از سایر القاب و عناوین مربوط به مقام سلطنت نیز استفاده کند.

44 - انجام مذاکرات مربوط به حلّ اختلافات بین کارگران و کارفرمایان. م

45 - ناظر بر مصونیت منازل و حفظ اسرار مکاتباتی. م

⁴⁶ *Rey de España*

بند ۳ - شخص پادشاه از تعرض مصون و از مسئولیت مُبرّا است. بر اعمال پادشاه همیشه باید به نحوی که در ماده ی ۶۴ مُشخص شده است صحّه گذاشته شود، و بدون صحّه، جز در مورد مفاد بند ۲ از ماده ی ۶۵ قابل تنفیذ نخواهد بود.

ماده ی ۵۷ - Artículo 57

بند ۱ - پادشاهی اسپانیا در میان اعیان اعلیحضرت دون خوان کارلوس اول بوربون^{۴۷}، وارث بر حقّ این خاندان تاریخی^{۴۸}، موروثی است^{۴۹}. ترتیب جلوس بر تخت سلطنت بر حسب ارشادیت و هم خونی با پادشاه و به نحو زیر صورت می گیرد: فرزند اول مقدم بر فرزند دوم و پسر بزرگتر بر دختر بزرگتر ارجحیت خواهد داشت.

⁴⁷ *Su Majestad Don Juan Carlos I de Borbón.*

⁴⁸ - خاندان بوربون از سال ۱۷۰۰ میلادی (برابر با ۱۰۷۹ هجری شمسی) تا کنون در اسپانیا سلطنت کرده است. علاوه بر اسپانیا و قسمت بزرگی از اروپا (فرانسه، ایتالیا و غیره) جزو قلمرو فرمانروایی این خاندان بوده است. آلفونسوی سیزدهم (*Alfonso XIII*)، پدر بزرگ پادشاه کنونی، به دنبال پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات ۱۲ آوریل ۱۹۳۱ و اعلام جمهوری دوم، مجبور به ترک اسپانیا شد. پس از سقوط جمهوری دوم و پایان جنگ های داخلی اسپانیا در سال ۱۹۳۶، ژنرال فرانسیسکو فرانکو (*General Francisco Franco*) تا بیستم نوامبر ۱۹۷۵ (زمان فوت او) به عنوان رهبر کشور و فرمانده کلّ قوا، زمام اداره اسپانیا را در دست داشت. هر چند مجالس قانونگذاری اسپانیا، پادشاه فعلی را در سال ۱۹۶۹ (که در آن هنگام لقب «شاهزاده آستوریاس» داشت)، به عنوان جانشین فرانکو انتخاب کرده بودند، ولی عملاً مارشال لوئیس کاررو بلانکو (*Luis Carrero Blanco*) جانشین مورد نظر فرانکو و ادامه دهنده راه او به شمار می آمد، ولی نامبرده در اثر سوء قصدی در بیستم دسامبر ۱۹۷۳ جان خود را از دست داد و با مرگ او عمر رژیم دیکتاتوری فرانکو هم به پایان رسید. پدر پادشاه کنونی، تنها پادشاهی در دنیا است که علیرغم برخورداری از تمامی حقوق پادشاهی، هرگز سلطنت نکرد. دو روز پس از مرگ فرانکو در بیستم نوامبر ۱۹۷۵، پادشاه کنونی به عنوان «پادشاه اسپانیا»، در برابر مجالس قانونگذاری سوگند وفاداری به جای آورد. برای توضیحات بیشتر، مقدمه مترجم دیده شود. م

⁴⁹ - در ضمن لازم به یاد آوری است که در اسپانیا، حزب جمهوری خواه هم وجود دارد که دارای نمایندگی نیز در پارلمان می باشد. م

بند ۲ - ولیعهد از لحظه ی تولّد و یا از زمانی که به این مقام منصوب می گردد، عنوان «شاهزاده ی آستوریاس» را^{۵۰} داشته و یا طبق سنّت، از سایر القاب و یا عناوین مربوط به وارث تاج و تخت اسپانیا، برخوردار خواهد بود.

بند ۳ - در صورت مسدود بودن تمامی طرق قانونی برای انتخاب [جانشین]، مجلسین به گونه ای که منافع عمومی اسپانیا محفوظ بماند، تصمیم مقتضی را در این زمینه اتخاذ خواهند کرد.

بند ۴ - کسانی که دارای حقّ جانشینی بوده ولی علیرغم مخالفت صریح پادشاه و یا مجلسین، با کسی پیمان زناشویی ببندند، هم خود و هم اعیان آنها از حقّ جانشینی محروم خواهند شد.

بند ۵ - تمامی شبّهات و مشکلات ناشی از کناره گیری و یا انصراف از حقّ جانشینی مقام سلطنت را، قانونی آرگانی حلّ خواهد کرد.

ماده ی ۵۸ - Artículo 58

ملکه ی مادر و یا همسر او غیر از وظایفی که قانون در مورد نیابت سلطنت به آنان محول کرده باشد نمی توانند عهده دار مسئولیت سلطنتی دیگری باشند.

ماده ی ۵۹ - Artículo 59

بند ۱ - مادامی که پادشاه به سنّ رشد نرسیده باشد، پدر و یا مادر و یا یکی از خویشان بالغ و دارای حقّ بیشتر برای جانشینی، بلافاصله و به ترتیبی که قانون اساسی مشخص کرده است در زمان صغر سنّ پادشاه، مسئولیت نیابت سلطنت را عهده دار خواهد شد.

50 - *Príncipe de Asturias* «آستوریاس» نام ناحیه ای است در شمال اسپانیا که پیش از تشکیل پادشاهی اسپانیا دارای حکومت مستقل بوده و هرگز به تصرف اعراب و مسلمانان در نیامده است. قیام علیه سلطه اعراب نیز که سرانجام منجر به شکست مسلمانان و اخراج آنان از شبه جزیره ایبریا شد، از همین ناحیه آغاز گردید. م

بند ۲ - در صورت انصراف پادشاه از تصدی سلطنت و یا عدم توانائی او که به تأیید مجلسین رسیده باشد، ولیعهد در صورت بالغ بودن، بلافاصله عهده دار مقام نیابت خواهد شد. در غیر این صورت و تا رسیدن ولیعهد به سن قانونی، به ترتیبی که در بند قبل اشاره است عمل خواهد شد.

بند ۳ - در صورت نبودن کسی برای احراز مقام نیابت سلطنت، این مقام توسط مجلسین تعیین شده و متشکل از یک، سه و یا پنج نفر خواهد بود.

بند ۴ - برای احراز مقام نیابت سلطنت، فرد باید حتماً اسپانیائی بوده و به سن قانونی رسیده باشد.

بند ۵ - شخص نایب السلطنه طبق قانون اساسی و به نام پادشاه، انجام وظیفه خواهد کرد.

ماده ی ۶۰ - Artículo 60

بند ۱ - قَیم^{۵۱} پادشاه در مدّت صِغَر سنّ او، کسی خواهد بود که وی را پادشاه فقید در وصیّت نامه ی خود به این سمت گمارده باشد و باید شخصی بالغ و اسپانیائی الاصل باشد؛ چنانچه چنین شخصی مُشَخَّص نباشد، پدر و یا مادر پادشاه به شرط بیوه بودن عهده دار این سمت خواهند شد. در صورت فقدان چنین شخصی، پارلمان او را تعیین خواهد کرد؛ ولی فرد مزبور در آن واحد نمی تواند عهده دار مقام نیابت سلطنت نیز باشد؛ مگر در مورد پدر، مادر و یا یکی از اجداد مستقیم پادشاه.

بند ۲ - سمت قیمومیت پادشاه با داشتن هر پست دولتی و یا سیاسی انتخابی دیگری، منافات دارد.

ماده ی ۶۱ - Artículo 61

51 - پیشکار، م.

بند ۱ - پادشاه، پس از رسیدن به مقام سلطنت، با حضور در پارلمان ادای سوگند کرده و وفاداری به قانون اساسی و سایر قوانین و اجرای آنها و رعایت حقوق شهروندان و ایالات خود مختار را مُتَعَهَد می شود.

بند ۲ - ولیعهد پس از رسیدن به سن قانونی و همچنین شخص و یا اشخاصی که به سِمَت نایب السلطنه انتخاب شده باشند نیز با اعلام وفاداری به پادشاه، همین مراسم سوگند را به جای خواهند آورد.

ماده ی ۶۲ - Artículo 62

تکالیف پادشاه عبارت است از:

- الف) توشیح و تنفیذ قوانین.
- ب) انحلال و انعقاد پارلمان و صدور دستور برگزاری انتخابات به صورت مقرر در قانون اساسی.
- ج) دستور برگزاری همه پرسی^{۵۲}، در موارد ملحوظ در قانون اساسی.
- د) پیشنهاد کاندیدای مقام ریاست دولت و عزل و نصب وی به ترتیب مقرر در قانون اساسی.
- ه) عزل و نصب اعضای دولت به پیشنهاد رئیس آن.
- و) تنفیذ مصوبات هیأت وزیران، اعطای مناصب و مشاغل لشکری و کشوری و اعطای مدال و نشان های افتخاری طبق قانون.
- ز) اطلاع از طرز اداره ی امور کشور و ریاست جلسات هیأت وزیران و شرکت در آن در صورت صلاحدید [پادشاه] و تقاضای رئیس دولت.
- ح) فرماندهی عالی نیروهای مسلح.
- ط) برخورداری از حق عفو و بخشودگی طبق قانون، بدون داشتن حق اعطای عفو عمومی.
- ی) ریاست عالییه ی فرهنگستان های سلطنتی.

ماده ی ۶۳ - Artículo 63

52 - رفراندوم

بند ۱ - تأیید استوارنامه های سفرا و سایر نمایندگان سیاسی به عهده ی پادشاه است. و نمایندگان سیاسی دولت های خارجی نیز استوارنامه های خود را به پادشاه تسلیم می کنند.

بند ۲ - وارد کردن اسپانیا در پیمان های بین المللی از طریق انعقاد قرارداد و طبق قانون اساسی و سایر قوانین از تکالیف پادشاه است.

بند ۳ - اعلان جنگ و انعقاد پیمان صلح، با تصویب قبلی مجلسین، به عهده ی پادشاه است.

ماده ی ۶۴ - Artículo 64

بند ۱ - رئیس دولت و یا وزیرای ذیربط بر اعمال پادشاه صحه می گذرانند. پیشنهاد و نصب رئیس دولت و همچنین انحلال [مجلسین] در موارد ملحوظ در ماده ی ۹۹، باید با تأیید رئیس مجلس نمایندگان صورت بگیرد.

بند ۲ - مسئولیت ناشی از اعمال پادشاه، متوجه وزرائی خواهد بود، که بر آن اعمال او صحه گذاشته اند.

ماده ی ۶۵ - Artículo 65

بند ۱ - پادشاه، مبالغی را برای اداره ی امور خانه و خانواده ی خود، از بودجه ی گل کشور دریافت می کند که در صرف و خرج آن آزادی عمل خواهد داشت.

بند ۲ - پادشاه در عزل و نصب اعضای نظامی و غیر نظامی دربار سلطنتی، آزادی عمل دارد.

بخش سوم

در باره ی مجالس قانونگذاری^{۵۳}

فصل یکم

در باره ی مجلس نمایندگان و مجلس سنا^{۵۴}

ماده ی ۶۶ - Artículo 66

بند ۱ - مجالس قانونگذاری، نماینده ی مردم اسپانیا بوده و از دو مجلس نمایندگان^{۵۵} و سنا^{۵۶} تشکیل می شود.

بند ۲ - مجالس قانونگذاری، قوه ی مقننه ی کشور هستند که بودجه ی آن را به تصویب می رسانند، بر اعمال دولت نظارت می کنند و در عین حال از سایر اختیارات تصریح شده در قانون اساسی برخوردار می باشند.

بند ۳ - مجالس قانونگذاری از تعرض مصون هستند.

ماده ی ۶۷ - Artículo 67

بند ۱ - کسی نمیتواند در آن واحد عضو هر دو مجلس بوده و یا نمایندگی مجالس ایالتی و مجلس نمایندگان را هم زمان داشته باشد.

بند ۲ - نمایندگان مجلسین تحت امر و نیابت اجباری^{۵۷} [کسی و یا نهادی] نخواهند بود.

⁵³ *las Cortes Generales*

⁵⁴ *las Cámaras*

⁵⁵ *Cámara de los Diputados*

⁵⁶ *Senado*

⁵⁷ *Mandato imperativo = F. Mandat imperative = E. Compulsary mandate*

بند ۳ - جلسات پارلمان که طبق نظام نامه منعقد نشده باشد، فاقد التزام و اعتبار پارلمانی خواهد بود.

ماده ی ۶۸ - Artículo 68

بند ۱ - تعداد اعضای مجلس نمایندگان، حداقل ۳۰۰ و حداکثر ۴۰۰ نفر نماینده خواهد بود که آزادانه، و در شرایط مساوی، با رأی مستقیم و مخفی و به صورتی که در قانون پیش بینی شده است، انتخاب می شوند.^{۵۸}

بند ۲ - استان^{۵۹}، حوزه ی انتخاباتی است. مناطق سنوتا^{۶۰} و ملیا^{۶۱} هر کدام دارای یک نماینده خواهند بود.^{۶۲} نحوه ی توزیع تعداد کل نمایندگان را قانون براساس احتساب حداقل یک نماینده مقدماتی برای هر حوزه ی انتخابی و توزیع مابقی را به تناسب تعداد جمعیت، تعیین میکند.

بند ۳ - انتخاب نمایندگان هر حوزه با توجه به معیار نسبی^{۶۳} نمایندگی صورت می گیرد.

بند ۴ - مجلس نمایندگان به مدت چهارسال انتخاب می شود. مدت نمایندگی اعضای این مجلس چهارسال پس از انتخاب و یا در روز انحلال منقضی می شود.

بند ۵ - تمامی افراد اسپانیایی دارای حقوق کامل سیاسی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارند. نحوه ی شرکت اتباع اسپانیایی مقیم خارج در انتخابات را قانون تعیین و دولت تسهیل خواهد کرد.

58 - در حال حاضر، تعداد اعضای مجلس نمایندگان، ۳۵۰ نفر است. م
59 - از نظر تقسیمات کشوری، اسپانیا به ایالات خود مختار، استان و شهرستان تقسیم می شود. م

⁶⁰ Ceuta

⁶¹ Melilla

62 - این دو ناحیه اسپانیایی در شمال قاره آفریقا واقع است. م

63 - به تناسب تعداد نمایندگان به نسبت جمعیت. م

بند ۶ - انتخابات بین ۳۰ تا ۶۰ روز پس از اتمام دوره ی قانونگذاری بر گزار می شود. مجلس انتخابی باید در عرض ۲۵ روز پس از اتمام انتخابات منعقد بشود.

ماده ی ۶۹ - Artículo 69

بند ۱ - مجلس سنا، مجلس نمایندگی از سراسر کشور است.

بند ۲ - از هر استان، چهار سناتور، آزادانه، در شرایط مساوی، با رأی مستقیم و مخفی و به صورت مقرر در قانون، توسط رأی دهندگان انتخاب می شوند.^{۶۴}

بند ۳ - در استان های واقع در جزایر، هر جزیره و یا مجموعه جزایر دارای شورای اداری جزیره^{۶۵} و یا کابیلدو (Cabildo)^{۶۶}، یک حوزه ی انتخاباتی تشکیل می شود که تعداد آن در جزایر بزرگ - گران کاناریا (Gran Canaria)، مایورکا (Mallorca) و تیریفه (Tenerife) - سه حوزه بوده و جزیره و یا هر گروه از جزایر زیر نیز دارای یک حوزه ی انتخاباتی خواهند بود: ایبیزا (Ibiza)، فورمنترا (Formentera)، منورکا (Menoría)، فونرته و نتورا (Fueretentura)، گومرا (Gomera)، یه رو (Hiero)، لانزاروته (Lanzarote) و لا پالما (La Palma).

بند ۴ - هر یک از مناطق سنوتا و ملیا دارای دو سناتور خواهد بود.

بند ۵ - ایالت های خود مختار دارای یک سناتور بوده و برای هر یک میلیون نفر اضافی از جمعیت، یک سناتور دیگر انتخاب می شود. تعیین تعداد این سناتور ها به عهده ی مجلس ایالتی و در صورت نبودن

⁶⁴ - در حال حاضر تعداد سناتور های مجلس سنا، ۲۵۹ سناتور است. در اسپانیا نیز مانند بسیاری از کشورهای دیگر اروپایی که دارای سیستم پارلمانی دو مجلسی می باشند، «مجلس پائین و یا مجلس نمایندگان» در مقایسه با «مجلس سنا»، نقش مهم تری در اداره شئون کشور دارد. م

⁶⁵ Consejo Insular

⁶⁶ - جرگه، شورای داورى. م

چنین مجلسی، به عهده ی عالی ترین دستگاه ایالتی و طبق ضوابط مقرر در منشور خود مختاری مربوط به آن ایالت و به تناسب تعداد جمعیت صورت خواهد گرفت.

بند ۶ - مجلس سنا به مدت چهارسال انتخاب می شود. مدت سناتوری سناتور ها چهار سال پس از انتخاب و یا در روز انحلال آن به پایان می رسد.

ماده ی ۷۰ - Artículo 70

بند ۱ - قانون انتخابات، موارد منافات با شرایط نمایندگی و یا علل واجد شرایط لازم نبودن برای نمایندگی مجلس نمایندگان و سنا را مشخص می کند که به طور اعم شامل افراد و موارد زیر خواهد بود:

- الف) اعضای مجلس قانون اساسی.
- ب) مقامات عالی رتبه ی دولتی به تشخیص قانون و به استثنای اعضای کابینه.
- ج) مدعی العموم.
- د) قضات، رؤسای دادگاه ها و دادستان های شاغل.
- ه) نظامیان و اعضای نیروهای انتظامی، سازمانهای پلیسی و امنیتی شاغل.
- و) اعضای کمیته های انتخاباتی.

بند ۲ - اعتبار نامه ها و مدارک نمایندگان هر دو مجلس، به صورت مقرر در قانون انتخابات، مشمول ارزش یابی قضائی خواهد بود.

ماده ی ۷۱ - Artículo 71

بند ۱ - نمایندگان و سناتور ها در طول مدت انجام وظایف پارلمانی، از نظر ابراز عقیده در ارتباط با وظیفه ی نمایندگی از تعرض مصون خواهند بود.

بند ۲ - همچنین در طول مدت نمایندگی، نمایندگان و سناتور ها دارای مصونیت قضائی بوده و نمی توان آنان را بدون کسب مجوز قبلی از مجلسی که عضو آن هستند بازداشت کرد و یا تحت تعقیب قرار داد و یا به محاکمه کشید، مگر در حین ارتکاب جرم.

بند ۳ - رسیدگی به پرونده های جنائی مربوط به نمایندگان، در صلاحیت شعبه جنائی دیوان عالی کشور^{۶۷} خواهد بود.

بند ۴ - نمایندگان و سناتور ها حقوق ماهیانه دریافت خواهند کرد که مبلغ آن را مجلس مربوط به خود، مشخص می کند.

ماده ی ۷۲ - Artículo 72

بند ۱ - آئین نامه ی پرسنلی و نظام نامه ی داخلی و بودجه ی مربوط به خود را، مجلسین به طور جداگانه تنظیم و با توافق مشترک به تصویب می رسانند. نظام نامه و اصلاح کلیت آن بایستی به رأی گیری گذاشته شده و تصویب آن مستلزم احراز اکثریت مطلق^{۶۸} آراء خواهد بود.

بند ۲ - مجلسین، رؤسا و همچنین سایر اعضای هیأت رئیسه خود را انتخاب می کنند. جلسات مشترک به ریاست رئیس مجلس نمایندگان برگزار شده و طبق نظام نامه ی مربوط به مجالس قانونگذاری که با رأی اکثریت مطلق هر یک از مجلسین به تصویب رسیده باشد، اداره خواهد شد.

بند ۳ - رؤسای مجلسین به نمایندگی از طرف مجلسی که ریاست آن را عهده دار هستند انجام وظیفه کرده و از کلیه اختیارات اداری و پلیسی در داخل مجلس تحت ریاست خود برخوردار خواهند بود.

67 - شعبه دو دیوان عالی کشور. م

68 - منظور از اکثریت مطلق، مجموع آراء نصف تعداد کل نمایندگان یک مجلس به اضافه یک می باشد. به طور مثال، در مجلس نمایندگان که ۳۵۰ نفر دارد، اکثریت مطلق عبارت خواهد بود از ۱۷۶ رأی و یا بیشتر. منظور از اکثریت ساده نیز، مجموع تعداد نصف آراء نمایندگان حاضر در جلسه به اضافه یک است. م

ماده ی ۷۳ - Artículo 73

بند ۱ - مجلسین در دو دوره از سال جلسات عادی خود را تشکیل می دهند: دوره ی اول از ماه سپتامبر تا دسامبر و دوره ی دوم از ماه فوریه تا ژوئن.

بند ۲ - مجلسین می توانند به تقاضای دولت، کمیسیون دائمی و یا با اکثریت مطلق اعضاء خود، جلسه ی فوق العاده تشکیل دهند. جلسات فوق العاده به منظور رسیدگی به موضوع خاصی در دستور روز تشکیل شده و پس از بحث در باره ی آن موضوع، خاتمه خواهند یافت.

ماده ی ۷۴ - Artículo 74

بند ۱ - جلسات مشترک مجلسین، جهت بحث در باره ی موضوعاتی که جنبه ی قانونگذاری صرف نداشته و بخش دوم قانون اساسی بحث در باره ی آن ها را صریحاً در صلاحیت مجالس قانونگذاری می داند، تشکیل می شود.^{۶۹}

بند ۲ - تصمیمات اتخاذ شده توسط مجالس قانونگذاری که در مواد ۹۴ بند ۱، ۱۴۵ بند ۲، و ۱۵۸ بند ۲ به آنها اشاره شده است، بایستی با اکثریت آراء در هر یک از مجالس به طور جداگانه به تصویب رسیده باشد. در مورد اول، مجلس نمایندگان و در موارد دوم و سوم، مجلس سنا ابتکار عمل خواهد داشت. در هر دو مورد چنانچه مجلس نمایندگان و سنا به توافق نرسند، کمیسیون مشترکی از سناتور ها و نمایندگان به تعداد مساوی از هر دو مجلس، جهت حصول توافق تشکیل خواهد شد. گزارش ارائه شده توسط کمیسیون مزبور، در مجلسین به رأی گیری گذاشته می شود. چنانچه نتیجه ی مورد نظر به این صورت نیز حاصل نشود، تصمیم اتخاذ شده با اکثریت مطلق در مجلس نمایندگان، معتبر و ملاک خواهد بود.

ماده ی ۷۵ - Artículo 75

⁶⁹ - موارد مربوط به انتخاب جانشین برای پادشاه و مسائل مربوط به امور سلطنت. م

بند ۱ - مجلسین با تشکیل جلسات عمومی و یا از طریق کمیسیون های پارلمانی فعالیت خواهند کرد.

بند ۲ - مجلسین می توانند تصویب لوایح^{۷۰} و یا طرح های قانونی را به کمیسیون های دائمی قانونگذاری مَحُول سازند. با وجود این، نمایندگان می توانند بحث و رأی گیری در باره ی لوایح و طرح های تصویب شده در کمیسیون دائمی را در جلسه ی عمومی خواستار شوند.

بند ۳ - بحث در باره ی اصلاح قانون اساسی، مسائل بین المللی، قوانین ارگانی و قوانین مبنا و همین طور بحث در باره ی بودجه ی گل کشور، از موضوع بند فوق مُسنتتی می باشد.

ماده ی ۷۶ - Artículo 76

بند ۱ - مجلس نمایندگان و سنا، و یا هر دو مجلس متفقاً می توانند در باره ی هر موضوعی که متضمن منافع عمومی باشد، کمیسیون های تحقیق تشکیل بدهند. نتیجه ی تحقیقات این گونه کمیسیون ها مرتبط با کار دادگاه ها نبوده و تأثیری بر تصمیمات قضائی نخواهد داشت، هر چند که این کمیسیون ها می توانند نتیجه ی تحقیقات خود را جهت اقدام به دادستان گل کشور گزارش نمایند.

بند ۲ - حضور هر کسی که مجلس او را احضار کرده باشد، اجباری خواهد بود. نوع مجازات مربوط به عدم حضور را قانون مُشخص خواهد کرد.

ماده ی ۷۷ - Artículo 77

بند ۱ - مجلسین می توانند دادخواهی شهروندان را چه به صورت فردی و یا جمعی مورد رسیدگی قرار دهند، به شرطی که کتباً

⁷⁰ - لوایح را دولت و طرح های قانونی را نمایندگان تسلیم مجلس می کنند. م

ارائه شده باشد و دادخواهی شهروندان از طریق مراجعه ی مستقیم و یا با انجام تظاهرات ممنوع است.

بند ۲ - مجلسین می توانند دادخواست های دریافتی را به دولت ارجاع کنند. دولت در صورت تقاضای مجلس، موظف به ادای توضیح در باره ی محتوای آن دادخواست ها خواهد بود.

ماده ی ۷۸ - Artículo 78

بند ۱ - یک کمیسیون دائمی حداقل متشکل از بیست و یک نماینده و به نسبت تعداد نمایندگان هر گروه پارلمانی، در هر یک از مجالس به وجود خواهد آمد.

بند ۲ - کمیسیون های دائمی، تحت ریاست رؤسای مربوطه ی هر مجلس و در موارد ملحوظ در ماده ی ۷۳ و در حیطه ی اختیارات آن مجلس و در صورت انقضای دوره ی مقننه و یا انحلال و یا زمان تعطیلی، طبق مفاد مواد ۸۶ و ۱۱۶ جهت تداوم اختیارات مجلس فعالیت خواهند کرد.

بند ۳ - پس از انقضای دوره ی قانونگذاری و یا انحلال مجلسین، این کمیسیون ها تا تشکیل مجالس جدید به فعالیت خود ادامه خواهند داد.

بند ۴ - پس از تشکیل هر یک از مجالس، کمیسیون دائمی گزارش اقدامات و تصمیمات خود را به مجلس مزبور ارائه خواهد کرد.

ماده ی ۷۹ - Artículo 79

بند ۱ - برای تصویب قوانین و تصمیمات، مجلسین باید طبق نظام نامه و با حضور اکثریت اعضا تشکیل جلسه داده باشند.

بند ۲ - مصوبات مزبور زمانی دارای اعتبار خواهد بود که به تصویب اکثریت اعضا حاضر رسیده باشد، اعم از اکثریت خاص مقرر

در قانون اساسی و قوانین آرگانی، و یا اکثریتی که برای انتخاب افراد در نظام نامه های مجلسین به آن ها اشاره شده باشد.

بند ۳ - آراء نمایندگان و سناتور ها، شخصی و غیر قابل انتقال خواهد بود.

ماده ی ۸۰ - Artículo 80

جلسات مجلسین علنی خواهد بود، مگر در موارد مشخص و معین در هر مجلس که با رأی اکثریت مطلق و طبق نظام نامه مربوط به آن مجلس به تصویب رسیده باشد.

فصل دوم درباره ی تدوین قوانین

ماده ی ۸۱ - Artículo 81

بند ۱ - قوانین ناظر بر تفسیر حقوق اساسی و آزادی های عمومی، قوانین مربوط به تصویب منشور خود مختاری ایالات و سیستم انتخابات عمومی و سایر آزادی های ملحوظ در قانون اساسی، قوانین آرگانی محسوب می شوند.⁷¹

بند ۲ - تصویب، تغییر و یا الغاء قوانین آرگانی، مستلزم رأی اکثریت مطلق در رأی گیری نهائی کلیت لایحه ی آن در مجلس نمایندگان می باشد.

ماده ی ۸۲ - Artículo 82

بند ۱ - مجالس می توانند اختیارات لازم را به دولت جهت تدوین مقررات هم طراز با قانون در زمینه های نامشخص و قید نشده در ماده ی فوق، تفویض کنند.

⁷¹ *Leyes orgánicas*

بند ۲ - این اختیار تقنینی، در صورتی که هدف از آن تنظیم یک قانون مدون^{۷۲} باشد به صورت یک قانون مینا^{۷۳} و در صورت تدوین قانونی متشکل از متون مختلف باشد، در قالب یک قانون عادی تفویض می شود.

بند ۳ - این اختیار تقنینی بایستی به طور صریح و در موارد معین و با قید محدودیت زمان اجرائی به دولت داده شود. پس از نشر قانون مذکور توسط دولت، اختیار تقنینی تفویض شده به آن از حیث اعتبار ساقط می شود. نمی توان تفویض چنین اختیاری را مطلق و یا نامحدود تلقی کرد. همینطور نمی توان آن را به مقاماتی غیر از خود هیأت دولت توکیل کرد.

بند ۴ - در قوانین مینا باید دقیقاً اهداف و حدود اختیارات تقنینی داده شده به دولت و همچنین اصول و معیارهایی که در طول اجرای آن باید در مد نظر گرفته شود، محدود و مشخص گردد.

بند ۵ - در اختیار تدوین یک متن قانونی، باید دقیقاً حدود شمول آن، و اینکه آیا منظور از تفویض آن صرفاً تدوین یک متن واحد بوده و یا تنظیم، تلفیح و یا هم آهنگی متون قانونی مختلف باشد، مشخص گردد.

بند ۶ - صرف نظر از صلاحیت حقوقی محاکم، قوانین مربوط به تفویض اختیارات تقنینی نیز، در هر مورد می توانند مشتمل شرایطی اضافی برای نظارت بر آن باشند.

ماده ی ۸۳ - Artículo 83

قوانین مینا به هیچ وجه نمی توانند:

- الف) اصلاح خود قوانین مینا را اجازه دهند.
- ب) تصویب مقرراتی با عطف به ما سبق را ممکن سازند.

72 - متن قانونی متشکل از مواد مختلف. م

73 Ley de bases

ماده ی ۸۴ - Artículo 84

در صورت تغایر یک طرح و یا اصلاحیه ی قانونی با یکی از اختیارات تقنینی جاری، دولت مجاز به مخالفت با تصویب آن می باشد. در چنین موردی می توان طرحی برای فسخ کلی و یا جزئی قانون مربوط به آن اختیار تقنینی، ارائه کرد.

ماده ی ۸۵ - Artículo 85

تصویب نامه های دولت که بر مبنای اختیارات تقنینی به تصویب رسیده باشد، «احکام قانونی»^{۷۴} نامیده می شود.

ماده ی ۸۶ - Artículo 86

بند ۱ - در موارد استثنائی و اضطراری فوری، دولت می تواند، مصوباتی قانونی موقت تصویب کرده و به مرحله ی اجراء بگذارد، که این مصوبات نمیتوانند بر نهاد های اساسی نظام حکومتی، حقوق، تکالیف و آزادی های شهروندان که در بخش یکم به آنها اشاره شده است، و همچنین سیستم ایالات خود مختار و سیستم انتخابات عمومی تأثیر گذار باشند.

بند ۲ - کلیت احکام قانونی می بایست بلافاصله در مجلس نمایندگان که در ایام تعطیلی مجلس، به همین منظور تشکیل جلسه خواهد داد و در عرض سی روز پس از انتشار آنها، به بحث و رأی گیری گذاشته شود. مجلس باید در عرض مدت مزبور در باره ی ترمیم و یا الغاء آن ها به نحو خاصّ مقرر در نظام نامه ی مجلس، تصمیم صریح خود را ابراز کند.

بند ۳ - در عرض مدت فوق، مجالس می توانند احکام مزبور را به صورت لایحه ی قانونی و با قید فوریت به بحث بگذارند.

⁷⁴ *Decretos legislativos*

ماده ی ۸۷ - Artículo 87

۱ - ابتکار عمل تقنینی^{۷۵}، به دولت، مجالس نمایندگان و سنا، در چهار چوب قانون اساسی و نظام نامه های مجلسین مربوط می شود.

۲ - مجالس ایالتی می توانند تصویب یک لایحه ی قانونی را از دولت خواستار شده و یا طرحی به هیأت رئیسه ی مجلس نمایندگان ارسال کنند و برای دفاع از آن، حداکثر سه نفر از نمایندگان مجلس ایالتی را به نمایندگی از طرف آن مجلس اعزام دارند.

۳ - قانونی آرگانی، نحوه و شرایط لازم برای انجام ابتکار عمل تقنینی مردمی، از طریق تسلیم طرح های قانونی را، مشخص خواهد کرد. در هر صورت وجود حداقل تعداد ۵۰۰۰۰۰ (پانصد هزار) امضاء معتبر برای این منظور ضروری خواهد بود. چنین طرح هایی موضوعات خاص مشمول قوانین آرگانی، مالیاتی، بین المللی و موارد مربوط به تقاضای عفو و بخشودگی را شامل نخواهد بود.

ماده ی ۸۸ - Artículo 88

لوايح باید قبلاً به تصویب هیأت وزیران رسیده و همراه با ادله و مستندات لازم جهت تصمیم گیری تقدیم مجلس نمایندگان بشود.

ماده ی ۸۹ - Artículo 89

بند ۱ - تصویب طرح های قانونی طبق نظام نامه ی مجالس و به نحوی صورت خواهد گرفت که فوریت لوايح قانونی مانعی بر سر راه انجام ابتکار عمل تقنینی موضوع ماده ی ۸۷ ایجاد نکند.

⁷⁵ - (Iniciativa = initiative)، پیش گامی، حق پیش قدمی، آغاز گری. م

بند ۲ - طرح های مطرح شده در سنا، طبق مفاد ماده ی ۸۷ ، جهت تصویب به صورت طرح قانونی به مجلس نمایندگان ارسال می شود.

ماده ی ۹۰ - Artículo 90

بند ۱ - پس از تصویب یک لایحه ی قانونی عادی و یا آرگانی در مجلس نمایندگان، رئیس مجلس متن آن را برای بحث و رأی گیری در اختیار رئیس مجلس سنا قرار می دهد.

بند ۲ - مجلس سنا، در عرض دو ماه از روز دریافت متن می تواند با ارسال پیامی مستدل آن را وتو کرده و یا اصلاحات لازم را در آن به عمل آورد. وتوی مجلس سنا مستلزم رأی اکثریت مطلق خواهد بود. چنین لایحه ای قانونی نمی تواند به توشیح پادشاه برسد، مگر در صورت تصویب آن با رأی اکثریت مطلق در مجلس نمایندگان. در صورت وتو در مجلس سنا، و یا حکم و اصلاح متن اولیه توسط آن مجلس، لایحه ی مزبور با رأی اکثریت ساده در مجلس نمایندگان و پس از گذشت دو ماه از زمان تسلیم قابل تصویب خواهد بود.

بند ۳ - مهلت زمان دو ماهه برای تصویب و یا وتوی مجلس سنا، به مدت بیست روز عادی در مورد لوایحی که توسط دولت و یا مجلس نمایندگان، دارای فوریت باشند، تقلیل می یابد.

ماده ی ۹۱ - Artículo 91

پادشاه در عرض پانزده روز قوانین تصویب شده توسط مجالس قانونگذاری را توشیح و دستور نشر فوری آن را صادر می کند.

ماده ی ۹۲ - Artículo 92

بند ۱ - تصمیمات سیاسی دارای اهمیت ویژه را می توان به فراندن عمومی گذاشت.

بند ۲ - فرمان برگزاری رفراندم، به پیشنهاد رئیس دولت و با اجازه ی قبلی مجلس نمایندگان، توسط پادشاه صادر می شود.

بند ۳ - یک قانون ارگانی، شرایط و نحوه ی برگزاری رفراندم های پیش بینی شده در قانون اساسی را مشخص خواهد کرد.

فصل سوم در باره ی پیمان های بین المللی

ماده ی ۹۳ - Artículo 93

از طریق یک قانون ارگانی، می توان انعقاد پیمان های بین المللی را که ایفای اختیارات ناشی از قانون اساسی را به عهده ی یک سازمان و یا نهاد بین المللی محول می سازد، اجازه داد. ضمانت اجرائی این گونه پیمان ها، و یا تصمیمات متخذة توسط ارگان های بین المللی و یا نهاد های فراملی که این اختیارات به آن ها تفویض شده باشد، بر حسب مورد به عهده ی مجالس قانونگذاری و دولت است.

ماده ی ۹۴ - Artículo 94

بند ۱ - پیش از آنکه دولت از طریق امضای پیمان و یا مقوله نامه ای، تعهداتی را متوجه کشور سازد، اخذ اجازه ی قبلی پارلمان، در موارد زیر الزامی است:

- الف) پیمان هائی که جنبه ی سیاسی داشته باشند.
- ب) پیمان ها و مقوله نامه های نظامی.
- ج) پیمان ها و مقوله نامه های تأثیر گذار بر تمامیت ارضی کشور و حقوق و آزادی های تصریح شده در بخش یک قانون اساسی.
- د) پیمان ها و مقوله نامه های متضمن تعهدات مالی بر خزانه ی کشور.
- ه) پیمان ها و مقوله نامه هائی که متضمن حک و اصلاح و یا نسخ یکی از قوانین بوده و یا مستلزم انجام اقدامات تقنینی برای اجرای آن باشد.

بند ۲ – مجلس نمایندگان و سنا، بلافاصله در جریان عقد سایر پیمان ها و مقوله نامه ها قرار خواهند گرفت.

ماده ی ۹۵ - Artículo 95

بند ۱ – عقد یک قرارداد بین المللی مغایر با مفاد قانون اساسی، مستلزم تجدید نظر قبلی در این قانون خواهد بود.

بند ۲ – دولت و یا هر یک از مجلسین می توانند از دادگاه قانون اساسی، مغایرت و یا مطابقت آن قرارداد را با قانون اساسی درخواست نمایند.

ماده ی ۹۶ - Artículo 96

بند ۱ – پیمان های بین المللی معتبر که توسط دولت به امضاء رسیده باشد، به محض انتشار در روز نامه ی رسمی اسپانیا، جزو نظام حقوقی داخلی مملکت محسوب می شود. مفاد این گونه پیمان ها فقط طبق شرایط مندرج در آن و یا اصول کلی حقوق بین الملل، قابل نسخ، فسخ، اصلاح و یا تعلیق خواهد بود.

بند ۲ – برای نقض پیمان ها و مقوله نامه های بین المللی از همان شیوه ای که در ماده ی ۹۴ برای تصویب آن ها در نظر گرفته شده است، استفاده خواهد شد.

بخش چهارم

درباره ی دولت و تشکیلات اداری کشور

ماده ی ۹۷ - Artículo 97

اداره ی سیاست داخلی و خارجی و اداره ی تشکیلات لشکری و کشوری و دفاعی مملکت به عهده ی دولت است. دولت، طبق قانون

اساسی و سایر قوانین، نقش اجرائی و اختیار تصویب و اجرای مقررات را دارد.

ماده ی ۹۸ – Artículo 98

بند ۱ – دولت مُتشکل است از رئیس دولت^{۷۶}، معاونان رئیس دولت، در صورت وجود چنین معاونانی، وزراء و سایر اعضاء که قانون مُشخص کرده باشد.

بند ۲ – رئیس دولت، اعمال دولت را هدایت کرده و وظایف سایر اعضاء آن را صرف نظر از مسئولیت ها و صلاحیت های مستقیم شان، هم آهنگ می کند.

بند ۳ – اعضاء دولت نمی توانند، وظایفی غیر از وظایف نمایندگی مخصوص به خود در پارلمان، مشاغل دولتی دیگری خارج از محدوده ی مقامی که متصدی آن هستند و یا فعالیت حرفه ای و یا تجاری داشته باشند.

بند ۴ – مقررات و شرایط مربوط به صلاحیت و منافات شغلی اعضاء دولت را، قانون مُشخص می کند.

ماده ی ۹۹ – Artículo 99

بند ۱ – پس از هر دوره ی جدید از مجلس نمایندگان، و یا در سایر موارد پیش بینی شده در قانون اساسی، پادشاه، متعاقب انجام مشورت های قبلی با نمایندگان مُنتخب گروه های سیاسی دارای کرسی در پارلمان، و از طریق رئیس مجلس نمایندگان، یک نفر را به عنوان کاندیدای ریاست دولت، پیشنهاد می کند.

بند ۲ – کاندیدای پیشنهاد شده طبق مفاد بند قبل، برنامه ی سیاسی دولتی که قصد تشکیل آن را دارد، تقدیم مجلس نمایندگان نموده و از آن تقاضای رأی اعتماد می کند.

⁷⁶ - در هیچ جای قانون اساسی واژه « نخست وزیر» به کار نرفته است. م

بند ۳ - چنانچه مجلس نمایندگان با آرای اکثریت مطلق به کاندیدای پیشنهادی رأی اعتماد بدهد، پادشاه هم او را به ریاست دولت منصوب خواهد کرد. در غیر این صورت پس از گذشت ۴۸ (چهل و هشت) ساعت از رأی گیری اول، تجدید رأی گیری شده و این بار همان کاندیدا با آراء اکثریت ساده، می تواند رأی اعتماد بگیرد.

بند ۴ - در صورت عدم احراز رأی اعتماد پس از رأی گیری های فوق، کاندیدای تازه ای به ترتیبی که در بند های بالا اشاره شده است، معرفی خواهد گردید.

بند ۵ - چنانچه پس از گذشت دو ماه، کاندیدایی برای تصدی ریاست دولت، موفق به کسب رأی اعتماد از مجلس نمایندگان نشود، پادشاه هر دو مجلس را منحل و با صحتی رئیس مجلس نمایندگان دستور تجدید انتخابات را صادر می کند.

ماده ی ۱۰۰ - Artículo 100

عزل و نصب سایر اعضاء دولت، به پیشنهاد رئیس آن، توسط پادشاه صورت می گیرد.

ماده ی ۱۰۱ - Artículo 101

بند ۱ - دولت پس از انجام انتخابات عمومی و یا در صورت عدم احراز رأی اعتماد از پارلمان، به طریق مقرر در قانون اساسی؛ و یا به خاطر استعفاء و یا فوت رئیس آن، از سمت خود کنار می رود.

بند ۲ - دولت مفصول^{۷۷} تا انتصاب دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهد داد.

ماده ی ۱۰۲ - Artículo 102

⁷⁷ - در این جا به معنی کنار رونده به کار رفته است. م

۱ - رسیدگی به مسئولیت جنائی دولت و یا سایر اعضاء آن در صلاحیت شعبه ی جنائی دیوان عالی کشور است.

۲ - چنانچه اتهام خیانت و یا هر جرم دیگری در جهت اقدام علیه امنیت کشور در طول انجام وظیفه^{۷۸} وجود داشته باشد، چنین اتهامی فقط به ابتکار یک چهارم اعضای مجلس نمایندگان و با تصویب اکثریت مطلق می تواند مطرح شود.

۳ - عفو ملوكانه شامل هیچیک از موارد^{۷۹} موضوع ماده حاضر نخواهد بود.

ماده ی ۱۰۳ - Artículo 103

بند ۱ - تشکیلات اداری کشور با بی طرفی، از منافع عمومی دفاع، و بر اساس اصول کارائی، رعایت سلسله مراتب، عدم تمرکز و احتراز از کانون گرایی و با انجام هم آهنگی و اطاعت محض از قانون و حقوق عمل خواهند کرد.

بند ۲ - نهاد های دولتی، طبق قانون؛ ایجاد، اداره و هم آهنگ می شوند.

بند ۳ - قانون، وضعیت کارکنان دولت، دسترسی عموم به پست های دولتی را بر اساس اصول کار آمدی و صلاحیت، ویژگی های ایفای حقوق مربوط به عضویت در سندیکا ها، سیستم منافات شغلی و تضمین های مربوط به رعایت بی طرفی در طول انجام وظیفه را مشخص خواهد کرد.

ماده ی ۱۰۴ - Artículo 104

78 - علیه رئیس و اعضای دولت. م
79 - خیانت و اقدام علیه امنیت کشور. م

بند ۱ – نیروها و دستگاهی انتظامی و امنیتی وابسته به دولت، مأموریت حمایت از برخورداری آزادانه از حقوق و آزادی ها را داشته و حفظ امنیت شهروندان را تضمین خواهند کرد.

بند ۲ – یک قانون آرگانی، وظایف، خطوط اصلی فعالیت و وضع نیروها و دستگاه های انتظامی و امنیتی را مشخص خواهد کرد.

ماده ی ۱۰۵ – Artículo 105

موارد زیر را قانون معین می کند:

الف) استماع نظریات شهروندان به طور مستقیم و یا از طریق سازمان ها و مجامع قانونی به هنگام تنظیم مقررات اداری مؤثر به حال آنها.

ب) دسترسی شهروندان به پرونده ها و بایگانی ادارات، جز در موارد مربوط به امنیت و دفاع کشور، تحقیق در باره ی جرائم و یا زندگی خصوصی افراد.

ج) تضمین نحوه ی استماع نظریات افراد ذیربط، در صورت لزوم به هنگام انجام اعمال اداری.

ماده ی ۱۰۶ – Artículo 106

بند ۱ – محاکم دادگستری ناظر بر اعمال اداری و مطابقت آن ها با قانون بوده و در عین حال بر مطابقت آنها با اهدافی که آن اعمال را توجیه کند، نظارت خواهند کرد.

بند ۲ – افراد، در موارد مشخص در قانون، در صورت وارد شدن خسارت بر اموال و حقوق خود، حق دریافت کامل غرامت خواهند داشت؛ جز در موارد قوه ی قاهره^{۸۰}؛ و همیشه در مواقعی که خسارت وارده ناشی از سوء جریان خدمات عمومی باشد.

ماده ی ۱۰۷ – Artículo 107

⁸⁰ *Fuerza mayor = F. Force majeure = E. Force majeure*

مجمع تشخیص مصالح کشور^{۸۱}، عالی ترین مرجع مشورتی دولت به شمار می آید. یک قانون ارگانی تشکیلات و حدود صلاحیت آن را مشخص می کند.

بخش پنجم در باره ی روابط دولت با مجالس قانونگذاری

ماده ی ۱۰۸ – Artículo 108

دولت به هیأت اتفاق از نظر عملکرد سیاسی خود در برابر مجلس نمایندگان مسئول است.

ماده ی ۱۰۹ – Artículo 109

مجلسین و کمیسیون های آن، می توانند از طریق رؤسای خود، اطلاعات و مساعدت های لازم را از دولت و هر یک از دستگاه های ذیربط دولتی و یا ایالات خود مختار طلب کنند.

ماده ی ۱۱۰ – Artículo 110

بند ۱ – مجلسین و کمیسیون های آن ها می توانند اعضای دولت را احضار کنند.

بند ۲ – اعضای دولت به جلسات مجلسین و کمیسیون های آن ها دسترسی داشته و حق اظهار نظر در آن ها را خواهند داشت، و می توانند از کارکنان تشکیلات متبوعه ی خود بخواهند که در آن جلسات و کمیسیون ها ادای توضیح نمایند.

⁸¹ Consejo de Estado = F. Conseil d'État = E. Council of State

ماده ی ۱۱۱ – Artículo 111

بند ۱ – دولت و هر یک از اعضاء آن، موظف به پاسخگویی به سؤالاتی هستند که در مجالس خطاب به آن ها مطرح بشود. این نوع مباحثات را نظامنامه مجلسین در حداقل مدّت زمان لازم در طول هفته مشخص خواهد کرد.

بند ۲ – هر پرسشی می تواند با توجه به موضعی که مجلس در قبال آن اتخاذ کند، منجر به استیضاح بشود.

ماده ی ۱۱۲ – Artículo 112

رئیس دولت می تواند پس از انجام مشورت های قبلی در هیأت وزیران، پیرامون برنامه و یا سیاست کلی پیشنهادی خود، از مجلس نمایندگان تقاضای تأیید اعتماد بکند. در صورت موافقت نمایندگان با آراء اکثریت ساده با آن، تأیید اعتماد حاصل خواهد شد.

ماده ی ۱۱۳ – Artículo 113

بند ۱ – مجلس نمایندگان می تواند دولت را در ارتباط با مسئولیت سیاسی آن و با رأی اکثریت مطلق، استیضاح نماید.

بند ۲ – عمل استیضاح بایستی به پیشنهاد حداقل یک دهم نمایندگان، مطرح شده و در آن کاندیدایی برای تصدّی ریاست دولت معرفی گردد.

بند ۳ – عمل استیضاح تا گذشت مدّت پنج روز از زمان ارائه ی آن قابل رأی گیری نخواهد بود. در دو روز اول مدّت مزبور، می توان استیضاح های گزینه ای^{۸۲} ارائه کرد.

⁸² *Alternativo = F. Alternative*

بند ۴ - چنانچه استیضاح، مورد تصویب مجلس نمایندگان قرار نگیرد، پیشنهاد دهندگان آن نمی توانند در همان دوره از تشکیل جلسات^{۸۳}، استیضاح دیگری مطرح نمایند.

ماده ی ۱۱۴ - Artículo 114

۱ - در صورت عدم کسب رأی اعتماد از مجلس نمایندگان، دولت، استعفای خود را تسلیم پادشاه نموده و متعاقب آن، رئیس تازه ای برای دولت، طبق مفاد ماده ی ۹۹، برگزیده خواهد شد.

بند ۲ - در صورت استیضاح دولت توسط مجلس نمایندگان، دولت، استعفای خود را تسلیم پادشاه کرده و کاندیدای معرفی شده در استیضاح، طبق ماده ی ۹۹ از رأی اعتماد مجلس برخوردار خواهد شد. و پادشاه نیز، کاندیدای مزبور را به ریاست دولت منصوب می کند.

ماده ی ۱۱۵ - Artículo 115

بند ۱ - رئیس دولت پس از انجام مشورت های قبلی در هیأت وزیران، و به مسئولیت شخص خود، می تواند انحلال مجلس نمایندگان، مجلس سنا و یا هر دو مجلس قانونگذاری را که به فرمان پادشاه صادر می شود، پیشنهاد کند. در فرمان مربوط به انحلال، تاریخ برگزاری انتخابات بعدی قید خواهد گردید.

بند ۲ - به هنگام طرح استیضاح، نمی توان پیشنهاد انحلال را ارائه کرد.

بند ۳ - تا یک سال پس از پیشنهاد انحلال، نمی توان پیشنهاد انحلال تازه ای ارائه کرد؛ مگر طبق بند ۵ از ماده ی ۹۹.

ماده ی ۱۱۶ - Artículo 116

83 - بند ۱ از ماده ۷۳ دیده شود. م

بند ۱ - یک قانون ارگانی، موارد اعلام وضعیّت خطر^{۸۴}، وضعیّت فوق العاده^{۸۵}، و اعلام حکومت نظامی^{۸۶} و همچنین حدود اختیارات و مسئولیّت های ناشی از آن ها را مشخص خواهد کرد.

بند ۲ - وضعیّت خطر^{۸۷}، توسط دولت و با تصویب نامه ی مصوّب هیأت وزیران، حداکثر به مدّت پانزده روز اعلام می شود؛ که بلافاصله به اطلاع مجلس نمایندگان که به همین منظور منعقد می گردد، خواهد رسید و بدون اذن مجلس، مدّت مزبور قابل تمدید نخواهد بود. در تصویب نامه ی هیأت وزیران می بایست محدوده ی ارضی و تبعات ناشی از برقراری وضعیّت خطر مشخص شده باشد.

بند ۳ - وضعیّت فوق العاده^{۸۸}، توسط دولت و با تصویب نامه ی مصوّب هیأت وزیران و با اذن قبلی مجلس نمایندگان، برقرار می شود. در مجوّز مجلس نمایندگان، بایستی محدوده ی ارضی مشمول برقراری وضعیّت فوق العاده، و تبعات ناشی از برقراری و مدّت آن که بیش سی روز نبوده ولی قابل تمدید به مدّت مشابه با همان شرایط قبلی خواهد بود، به وضوح قید شده باشد.

⁸⁴ Estado de alarma = F. État d'alarme = E. State of alarm

⁸⁵ Estado de excepción = F. État d'exception = E. State of emergency

⁸⁶ Estado de sitio = F. État de siège = E. State of siege که در پاره ای متون «شهر بندی» ترجمه شده است.

⁸⁷ - طبق قانون Ley Orgánica 4/1981, de 1 de Junio, de los Estados de Alarma, Excepción y Sitio، طی مدّت برقراری وضعیّت خطر هیچ یک از حقوق اساسی شهروندان جز ایجاد پاره ای محدودیّت ها از نظر ترافیک به حالت تعلیق در نمی آید و در موارد زیر اعلام می شود: به هنگام بروز سوانح و فاجعه های عظیم طبیعی گسترده از قبیل زلزله، سیل؛ آتش سوزی های مهیب شهری و جنگلی؛ بحران های بهداشتی و بروز امراض خطرناک واکیردار در سطح وسیع، فلج شدن عرضه خدمات اساسی جامعه و ایجاد اختلال در تأمین و توزیع مایحتاج عمومی. م

⁸⁸ - طبق قانون فوق، وضعیّت فوق العاده زمانی برقرار می شود که نظم عمومی و استفاده از آژانده از حقوق و آزادی های مقرر در قانون اساسی به طور جدی در معرض خطر قرار بگیرند به طوری که مقامات دولتی قادر به ایفای عادی وظایف خود در تأمین آن ها نباشند. م

بند ۴ - حکومت نظامی^{۸۹} به پیشنهاد دولت و منحصرأً با رأی اکثریت مطلق مجلس نمایندگان برقرار می شود. مجلس نمایندگان، محدوده ی ارضی، مدت و شرایط برقراری آن را مشخص می کند.

بند ۵ - مجلس نمایندگان را در طول برقراری هر یک از وضعیت های موضوع ماده ی حاضر، که به محض اعلام هر کدام از آن ها در صورت بر خورد با ایام تعطیلی، هر دو مجلس خود به خود منعقد می شوند؛ نمی توان منحل کرد. در طول برقراری وضعیت های مورد بحث وقفه ای در کار سایر نهاد ها و قوای مملکتی ایجاد نخواهد شد. در صورت منحل بودن مجلس نمایندگان و یا انقضای دوره ی قانونگذاری آن، تداوم اختیارات را کمیسیون دائمی به عهده خواهد گرفت.

بند ۶ - اعلام وضعیت خطر، وضعیت فوق العاده و حکومت نظامی، تغییری در نفس مسئولیت دولت و یا کارکنان آن که طبق قانون اساسی و سایر قوانین به رسمیت شناخته شده باشند، ایجاد نمی کند.

بخش ششم **در باره ی قوه ی قضائیه**

ماده ی ۱۱۷ - Artículo 117

بند ۱ - عدالت از مردم ناشی است که به نام پادشاه و توسط قضات مستقل، غیر قابل تغییر و مسئول قوه ی قضائیه که منحصرأً از قانون تبعیت می کنند به مرحله ی اجراء گذاشته می شود.

بند ۲ - قضات و رؤسای دادگاه ها را فقط در موارد ملحوظ در قانون، می توان، عزل، منقصل، معلق، بازنشسته و یا منتقل کرد.

89 - طبق همان قانون، حکومت نظامی زمانی بر قرار می شود که شورش و یا تهدیدی جدی تمامیت ارضی، نظام مشروطه مملکت را به مخاطره بیندازد و نتوان آن را با استفاده از طرق دیگر، فرو نشانند. م

بند ۳ - ایفای اختیار قضائی، قضاوت و یا امر به اجرای قضیه محکوماً بها^{۹۰} منحصرأ در صلاحیت دادگاه ها و محاکم مُشَخَّص در قانون و بر طبق اصول و موازین مختص به آنها می باشد.

بند ۴ - دادگاه ها و محاکم جز آنچه که در بند قبل به آن اشاره شده و یا صریحاً توسط قانون و در تضمین هر گونه حقوقی به عهده ی آنها مَحَوَّل شده باشد، وظیفه ی دیگری نخواهند داشت.

بند ۵ - اصل وحدت قضائی، مبنای تشکیلات و عملکرد دادگاه ها است. آئین دادرسی لشگری را در محدوده ی صرفاً نظامی و در موارد برقراری حکومت نظامی، قانون بر مبنای اصول قانون اساسی تنظیم و مُشَخَّص خواهد کرد.

بند ۶ - تشکیل محاکم استثنائی ممنوع است.

ماده ی ۱۱۸ - Artículo 118

احکام قطعی صادره توسط محاکم و دادگاه ها لازم الاجراء بوده، و همچنین انجام همکاری لازم با محاکم و دادگاه ها در طول برگزاری محاکمات و به هنگام اجرای احکام ضروری است.

ماده ی ۱۱۹ - Artículo 119

انجام امور قضائی در مواردی که قانون تصریح کرده باشد و یا در مورد کسانی که عدم استطاعت مالی خود را در دعاوی به ثبوت برسانند، رایگان خواهد بود.

ماده ی ۱۲۰ - Artículo 120

⁹⁰ یعنی قضیه ای که دادگاه آن را از هر لحاظ *Cosa juzgada = F. Chose jugée* محتومه اعلام کرده و در باره آن رأی نهائی صادر کرده باشد. م

بند ۱ - محاکمات، به استثنای موارد مُشَخَّص در قانون، علنی خواهد بود.

بند ۲ - محاکمات، به ویژه در دادرسی کیفری، به صورت شفاهی برگزار خواهد شد.

بند ۳ - احکام، همیشه بایستی مستند بوده و به صورت علنی صادر شود.

ماده ی ۱۲۱ - Artículo 121

خسارات ناشی از اشتباه قضائی و یا سوء عملکرد عادی اداری دادگستری، طبق قانون، و به حساب دولت مشمول غرامت خواهد بود.

ماده ی ۱۲۲ - Artículo 122

بند ۱- قانون ارگانی قوه ی قضائیه، ساختار، عملکرد و اداره ی دادگاه ها و محاکم و همچنین وضعیت حقوقی قضات شاغل به صورت واحد؛ و کارکنان اداری دادگستری را مُشَخَّص خواهد کرد.

بند ۲ - شورای عالی قوه ی قضائیه، عالی ترین مرجع اداره ی این قوه است. قانونی ارگانی، وضع و موارد مناقات شغلی اعضاء آن و همچنین وظایف آن ها را به ویژه از نظر انتصاب، ترفیع، بازرسی و نظارت انضباطی، مُشَخَّص خواهد کرد.

بند ۳ - شورای عالی قوه ی قضائیه مُتشکل است از رئیس دیوان عالی کشور که ریاست آن را به عهده خواهد داشت؛ و بیست عضو که انتخاب آنها به تأیید پادشاه می رسد، و به مدت پنج سال انتخاب می شوند. از این تعداد، ۱۲ (دوازده) نفر از میان قضات شاغل از تمامی سطوح قضائی، و به ترتیب مُشَخَّص در قانون ارگانی؛ و چهار تن به پیشنهاد مجلس نمایندگان، و چهار تن به پیشنهاد مجلس سنا؛ که در هر دو مجلس با اکثریت سه پنجم آراء از میان وکلای دادگستری و سایر حقوق

دانان دارای صلاحیت رسمی و بیش از پانزده سال سابقه ی حرفه ای؛
انتخاب می شوند.

ماده ی ۱۲۳ – Artículo 123

بند ۱ – دیوان عالی کشور با صلاحیت حقوقی در سراسر اسپانیا، عالی ترین مرجع قضائی در کلیه شئون، بجز موارد محفوظ برای تضمین های مربوط به قانون اساسی، محسوب می شود.

بند ۲ – رئیس دیوان عالی کشور، به پیشنهاد شورای عالی قوه ی قضائیه، به نحوی که در قانون مشخص شده است انتخاب، و انتخاب او به تأیید پادشاه می رسد.

ماده ی ۱۲۴ – Artículo 124

بند ۱ – اداره ی دادستانی، صرف نظر از وظایف محوله به سایر ارگان ها، مسئولیت انجام اقدامات قضائی در دفاع از قانون مندی، حقوق شهروندان و منافع عمومی مورد حمایت قانون، به ابتکار خود^{۹۱} و یا به تقاضای طرف ذینفع را دارد و در عین حال بر استقلال محاکم و تأمین رضایت جامعه در آنها، نظارت می کند.

بند ۲ – دادستانی از طریق عوامل مخصوص به خود و بر اساس اصول وحدت عمل و رعایت سلسله مراتب و با رعایت قانون و بی طرفی، انجام وظیفه می کند.

بند ۳ – ساختار تشکیلاتی [اداره ی] دادستانی را قانون مشخص می کند.

بند ۴ – دادستان کل کشور، به پیشنهاد دولت و با صواب دید شورای عالی قوه ی قضائیه توسط پادشاه به این سمت برگزیده می شود.

ماده ی ۱۲۵ – Artículo 125

⁹¹ *ex officio*

شهروندان می توانند از طریق عضویت در هیأت های مُنصفه، به نحو مقرر در قانون در پاره ی محاکمات جنائی، و همچنین مجالس مؤسسان و دادگاه های سنتی^{۹۲}، در امور قضائی مشارکت نمایند.

ماده ی ۱۲۶ – Artículo 126

پلیس قضائی در انجام وظایف مربوط به تحقیقات جنائی، کشف جرم و دستگیری مجرم، به صورتی که قانون مُشخص کرده است، تحت امر قضات، محاکم و دادستانی ایفای وظیفه خواهد کرد.

ماده ی ۱۲۷ – Artículo 127

بند ۱ – قضات و دادستان های شاغل، نمی توانند عهده دار مشاغل دولتی دیگری بوده و یا در احزاب و سندیکا ها عضویت داشته باشند. سیستم و شرایط فعالیت انجمن های صنفی قضات و دادستان ها را قانون مُشخص می کند.

بند ۲ – منافات شغلی اعضای قوه ی قضائیه را قانون با تضمین استقلال کامل آنان مُشخص می کند.

بخش هفتم اقتصاد و دارائی

ماده ی ۱۲۸ – Artículo 128

بند ۱ – تمامی ثروت مملکت به هر شکل و نحوی، و صرف نظر از نوع مالکیت آن در جهت منافع عامه خواهد بود.

92 - دادگاه های سنتی، مانند دادگاه تقسیم آب که در قرون وسطی به وجود آمد و هنوز هم در پاره ای از نقاط اسپانیا، تشکیل میشود. اعضای این گونه دادگاه ها همگی توسط شهروندان و از میان آنان انتخاب می شوند. م

بند ۲ - فعالیت های اقتصادی افراد به رسمیت شناخته می شود. تخصیص منابع و خدمات اساسی به بخش عمومی به ویژه در مورد انحصارات و همچنین نحوه ی مباشرت شرکت ها در آن را در صورت اقتضای منافع عمومی؛ قانون مشخص می کند.

ماده ی ۱۲۹ - Artículo 129

بند ۱ - نحوه ی برخورداری افراد ذینفع از بیمه های اجتماعی و مشارکت آنان در ارگان های دولتی که در زمینه ی بهبود کیفیت زندگی و رفاه عمومی فعالیت مستقیم دارند؛ قانون مشخص می کند.

بند ۲ - مسئولان اداره ی مملکتی به طرزی کارآمد، انحاء مختلف مشارکت در شرکت ها را ترغیب کرده و از طریق مقررات قانونی متناسب، شرکت های تعاونی را ترویج خواهند نمود. این مسئولان در عین حال با فراهم آوردن زمینه ی مساعد لازم، دسترسی کارگران به تملک وسایل تولید را تسهیل خواهند کرد.

ماده ی ۱۳۰ - Artículo 130

بند ۱ - تمامی مسئولان اداره ی مملکتی موظفند در جهت نوسازی و توسعه ی تمامی بخش های اقتصادی و به ویژه کشاورزی، دام داری، ماهی گیری و صنایع دستی؛ به منظور ایجاد تعادل در سطح زندگی همه ی مردم اسپانیا، اقدام کنند.

بند ۲ - به مناطق کوهستانی نیز، توجه خاصی به همین شیوه مبدول خواهد شد.

ماده ی ۱۳۱ - Artículo 131

بند ۱ - حکومت مرکزی می تواند فعالیت کلی اقتصادی را، در جهت کمک به توازن و هم آهنگی عمران ناحیه ای و بخشی (سکتوری)، و

تشویق افزایش درآمد و ثروت و توزیع عادلانه ی آن را برنامه ریزی نماید.

بند ۲ - دولت، پروژه های عمرانی را با صواب دید ایالات خود مختار و با مشورت و همکاری با سندیکا ها و دیگر سازمان های اقتصادی، صنفی و حرفه ای، و صاحبان شرکت ها، تهیه و تنظیم خواهد کرد. به همین منظور شورایی تشکیل خواهد شد که ساختار و وظایف آن را قانون مشخص می کند.

ماده ی ۱۳۲ - Artículo 132

بند ۱ - رژیم حقوقی مربوط به مالکیت اموال دولتی و اموال مشترک بر اساس اصل عدم سلب مالکیت، عدم مشمول مرور زمان شدن، عدم مصادره و انتقال به غیر، توسط قانون مشخص می شود.

بند ۲ - به طور کلی، پلاژ ها، مناطق زمین - دریا و مناطق دریائی محصور در خشکی، منابع طبیعی نواحی اقتصادی و واقع در ناحیه ی قاره ای و اموالی را که قانون تعیین کرده باشد، اموال عمومی دولتی محسوب می شود.

بند ۳ - میراث دولتی و میراث ملی و نحوه ی اداره، نگهداری و حفاظت از آن را قانون تنظیم خواهد کرد.

ماده ی ۱۳۳ - Artículo 133

بند ۱ - اختیار اصلی وضع مالیات، بر اساس قانون، در انحصار حکومت مرکزی^{۹۳} است.

بند ۲ - ایالات خود مختار و شهرداری ها، طبق قانون اساسی و قوانین دیگر، می توانند عوارضی را وضع و اخذ کنند.

93 - در همه جا کلمهء (Estado = F. Etat = E. State) به صورت «حکومت و یا حکومت مرکزی» و (Gobierno = F. Gouvernement = E. Government) به صورت «دولت» ترجمه شده است. م

بند ۳ - تمامی منافع مالی حاصله از اخذ مالیات های حکومت مرکزی باید طبق قانون، مشخص و مقرر گردد.

بند ۴ - ادارات مملکت فقط طبق قانون می توانند تعهدات مالی ایجاد و هزینه نمایند

ماده ی ۱۳۴ - Artículo 134

بند ۱ - تنظیم بودجه ی کل کشور به عهده ی دولت و بررسی، اصلاح و تصویب آن به عهده ی مجالس قانونگذاری، محول خواهد بود.

بند ۲ - بودجه ی کل کشور، جنبه ی سالیانه داشته و در آن کل درآمد و هزینه های بخش دولتی با در نظر گرفتن منافع حاصله از مالیات های موضوعه ی حکومتی ملحوظ خواهد گردید.

بند ۳ - دولت موظف است که بودجه ی کل کشور را حداقل سه ماه پیش از انقضای سال قبل، تقدیم مجلس نمایندگان بکند.

بند ۴ - چنانچه تا قبل از اولین روز از سال مالی مورد نظر، قانون بودجه ی کل کشور به تصویب نرسد، بودجه ی سال قبل تا تصویب بودجه ی جدید، به طور خود کار تمدید خواهد شد.

بند ۵ - پس از تصویب بودجه ی کل کشور، دولت می تواند لوایحی قانونی جهت افزایش هزینه و یا کاهش در آمد دولتی در طول سال مالی مربوط به آن بودجه، ارائه نماید.

بند ۶ - تمامی طرح ها و اصلاحیه های که متضمن افزایش اعتبار و یا کاهش در آمد های بودجه ای باشد، جهت طرح، مستلزم موافقت دولت خواهد بود.

بند ۷ - قانون بودجه نمی تواند موجد مالیات های جدید باشد. ولی در صورتی که قانون مالیاتی مهمی اقتضا کند، می تواند مالیات های وضع شده را تغییر دهد.

ماده ی ۱۳۵ – Artículo 135

بند ۱ – دولت، جهت اخذ وام و یا استقراض عمومی^{۹۴}، مستلزم مجوز قانونی است.

بند ۲ – اعتبارات مربوط به تأدیه اصل و فرع ناشی از استقراض عمومی باید همیشه جزو هزینه های بودجه منظور شده و مادامی که منطبق با شرایط مندرج در قانون باشند، نمی توان آن ها را تعدیل و اصلاح نمود.

ماده ی ۱۳۶ – Artículo 136

بند ۱ - دیوان محاسبات^{۹۵}، عالی ترین مرجع بازرسی و رسیدگی به حساب های دولتی و عملکرد اقتصادی کشور به شمار می آید.

این نهاد مستقیماً به مجالس قانونگذاری وابسته بوده و به نمایندگی از طرف آن ها وظیفه ی رسیدگی به حساب های دولتی را عهده دار خواهد بود.

بند ۲ – حساب های دولتی و بخش عمومی به دیوان محاسبات عرضه شده و توسط آن مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

دیوان محاسبات، صرف نظر از صلاحیت های حقوقی مخصوص به خود، در صورت لزوم و تشخیص، طی گزارشی سالانه، موارد تخلف و نقض قانون و مسئولیت های مرتبط با آن را به اطلاع مجالس قانونگذاری می رساند.

⁹⁴ *Deuda pública = F. Dette publique = E. Public debt*

⁹⁵ *Tribunal de Cuentas = F. Cour des comptes = E. National Audit Office*

بند ۳ - اعضای دیوان محاسبات، استقلال عمل داشته و غیر قابل تغییر خواهند بود، و مانند قضات دادگستری مشمول موارد مربوط به منافع شغلی خواهند بود.

بند ۴ - قانونی ارگانی، ساختار، ترکیب اعضاء و نحوه فعالیت دیوان محاسبات را مشخص خواهد کرد.

بخش هشتم

در باره ی تقسیمات و تشکیلات کشور

فصل یکم اصول کلی

ماده ی ۱۳۷ - Artículo 137

مملکت، از نظر تقسیمات کشوری به شهرستان، استان و ایالت خود مختار تقسیم می شود. که هر یک از آنها از نظر اداره ی منافع مربوط به خود دارای آزادی عمل می باشند.

ماده ی ۱۳۸ - Artículo 138

بند ۱ - حکومت مرکزی، رعایت مؤثر اصول همبستگی موضوع ماده ی ۲ را با تضمین موازنه ی صحیح و عادلانه ی اقتصادی در بخش های مختلف سرزمین اسپانیا و با بذل توجهی ویژه به وضع جزایر، در مد نظر قرار می دهد.

بند ۲ - تفاوت موجود در منشور خودمختاری ایالات مختلف، منضمّن هیچگونه امتیاز اقتصادی و یا اجتماعی نخواهد بود.

ماده ی ۱۳۹ - Artículo 139

بند ۱ - تمامی اسپانیایی ها در هر نقطه ای از کشور، از حقوق و تعهداتی یکسان برخوردار خواهند بود.

بند ۲ - هیچ مقامی نمی تواند با انجام اقداماتی مانعی از نظر گردش و یا سیر آزادانه ی افراد و اموال و یا سکونت اشخاص در هیچ نقطه ای از خاک اسپانیا ایجاد کند.

فصل دوم در باره ی اداره ی شهرداری ها^{۹۶}

ماده ی ۱۴۰ - Artículo 140

قانون اساسی، استقلال عمل شهرداری ها را تضمین می کند. این گونه مؤسسات از شخصیت کامل حقوقی برخوردار خواهند بود. اداره و تشکیلات آنها، به عهده ی خود اداره ی شهرداری متشکل از شهردار و اعضای انجمن شهر مَحَوَّل خواهد بود. اعضای انجمن شهر از طریق انتخابات عمومی و با رأی مساوی، آزاد، مستقیم و مخفی، و به صورت مُشَخَّص در قانون از میان ساکنان مقیم آن شهر انتخاب می شوند. شهرداران می توانند مُنتَخَب اعضای انجمن شهر و یا مُنتَخَب خود ساکنان شهر باشند. شرایط مربوط به تشکیل جرگه ها^{۹۷} را قانون مُشَخَّص می کند.

ماده ی ۱۴۱ - Artículo 141

بند ۱ - استان، واحدی است محلی با شخصیت حقوقی خاص، که به منظور ایفای فعالیت های مملکتی، از چندین شهرستان و یا بخشی از کشور، تشکیل می شود. هر گونه تغییری در حدود استان ها باید طی یک قانون ارگانی به تصویب مجالس قانونگذاری برسد.

بند ۲ - اداره ی استان ها به عهده ی مجالس استانی و یا تشکیلات محلی که جنبه ی انتخابی داشته باشد، مَحَوَّل خواهد بود.

⁹⁶ *Administración local = E. Local administration*

⁹⁷ - شورای متشکل از ریش سفیدان، شورای اداره روستا. م

بند ۳ - می توان با گروه بندی چند شهرستان، یک استان، و یا یک بلوک از شهرستان ایجاد کرد.

بند ۴ - علاوه بر این، در مجمع الجزایر^{۹۸}، هر یک از جزایر دارای یک شورای اداره ی جزیره و یا کابیلدو^{۹۹} مخصوص به خود خواهد بود.

ماده ی ۱۴۲ - Artículo 142

خزانه ی محلی بایستی از منابع کافی جهت انجام وظایفی که قانون به عهده ی شهرداری ها مَحَوَّل کرده است و عمدتاً از عوارض مربوط به خود و سهم های دریافتی از دولت مرکزی و حکومت های ایالتی خود مختار تغذیه می کند، بر خوردار باشد.

فصل سوم در باره ی ایالت های خود مختار

ماده ی ۱۴۳ - Artículo 143

بند ۱ - در ایفای حق خودمختاری که در ماده ی ۲ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است، استان های همجوار دارای خصوصیات مشترک تاریخی، فرهنگی و اقتصادی؛ اراضی واقع در جزایر و استان های دارای هویت تاریخی ناحیه ای، طبق مفاد ملحوظ در بخش حاضر از قانون اساسی و منشور های مربوطه، می توانند خود مختاری کسب کنند.

بند ۲ - ابتکار^{۱۰۰} پروسه ی خود مختاری مربوط می شود به تمامی مجالس ذیربط استانی و یا ارگان مربوطه در جزایر و یا دو سوم شهرهایی که جمعیت آنها، حداقل، حائز اکثریت آمار انتخاباتی در استان و

98 - منظور مجمع الجزایر قناری و بالئار می باشد. م

99 - کابیلدو: شورای دآوری که فقط در جزایر قناری به این اسم خوانده می شود. م

100 - (Iniciativa = initiative)، پیش گامی، حق پیش قدمی، آغاز گری. م

یا جزیره باشند. این شرایط، باید در عرض مدت شش ماه از اتخاذ اولین تصمیمات در این زمینه، توسط شهرداریهای ذیربط، به وجود آمده باشد.

۳ - این ابتکار عمل، چنانچه به نتیجه نرسد، فقط پس از گذشت پنج سال قابل تجدید خواهد بود.

ماده ی ۱۴۴ - Artículo

مجالس قانونگذاری، به خاطر حفظ مصالح ملی، از طریق یک قانون ارگانی می توانند:

الف) ایجاد یک ایالت خود مختار را در بخشی از خاک کشور که مساحت آن کمتر از مساحت یک استان بوده و واجد شرایط بند الف) ماده ی ۱۴۳ نباشد، اجازه دهند.

ب) در صورتی که شرایط ایجاد نماید، با اعطای منشور خود مختاری به سرزمین هائی که جزو تشکیلات استانی نباشند، موافقت کرده و یا آن را اجازه دهند.

ج) ابتکار عمل شهرداری ها را که در بند ۲ ماده ی ۱۴۳ به آن اشاره شده است، جایگزین ابتکار عمل دیگری نمایند.

ماده ی ۱۴۵ - Artículo 145

بند ۱ - تشکیل فدراسیونی متشکل از ایالات خود مختار، به هیچ وجه اجازه داده نخواهد شد.

بند ۲ - در منشور های خود مختاری، می توان موارد و شرایطی را در مد نظر گرفت که طی آن، ایالات خود مختار بتوانند به منظور اداره و ارائه ی خدمات مخصوص به خود، قرار داد هائی بین خود امضاء کرده و همچنین ویژگی و تبعات ناشی از اطلاع آن ها را به مجالس قانونگذاری، در آن قید نمایند. در سایر موارد، قرارداد های همکاری میان ایالات خود مختار، مستلزم مجوز مجالس قانونگذاری خواهد بود.

ماده ی ۱۴۶ - Artículo 146

پیش نویس منشور خود مختاری، توسط مجمعی مُتشکل از اعضای مجلس استان و یا نهاد اداره ی جزایر استان های ذیربط و نمایندگان مجلس و سناتور های مُنتخب از آن ها، تهیه شده و تسلیم مجالس قانونگذاری خواهد شد تا به صورت قانون، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

ماده ی ۱۴۷ – Artículo 147

بند ۱ – بر اساس شرایط مندرج در قانون اساسی حاضر، منشور های خود مختاری، قانون بنیادین هر ایالت خود مختار بوده و دولت مرکزی نیز با به رسمیت شناختن و حمایت از آن، آن ها را جزو نظام حقوقی خود قرار می دهد.

بند ۲ – منشور های خود مختاری بایستی شامل نکات زیر باشد:

الف) اسمی که به بهترین وجه بیانگر هویت تاریخی، ایالت مربوطه باشد.

ب) حدود ارضی آن.

ج) اسم، سازمان و مرکز استقرار نهاد های مربوط به آن.

د) صلاحیت های مُحوّله در چهار چوب قانون اساسی و با توجه به خدمات خاصّ انتقالی به آن.

بند ۳ - هر گونه تجدید نظر و اصلاح منشور های خود مختاری با توجه به شرایط مندرج در آن ها و در همه حال با تصویب مجالس قانونگذاری و از طریق یک قانون ارگانی صورت خواهد گرفت.

ماده ی ۱۴۸ – Artículo 148

بند ۱ – ایالات خود مختار می توانند در موارد زیر صلاحیت داشته باشند:

۱ – سازمان دهی نهاد های مربوط به خود مختاری.

۲ - تغییر حدود شهر های واقع در آنها و، به طور کلی وظایف مربوط به حکومت مرکزی در ارتباط با اداره ی شهرداری ها، که انتقال آن وظایف [به ایالت خود مختار] را قانون مربوط به رژیم حکومت محلی اجازه دهد.

۳ - انجام عملیات ارضی، مسکن و شهر سازی.

۴ - انجام عملیات عام المنفعه در جهت منافع ایالت خود مختار و در داخل محدوده ی ارضی آن.

۵ - اداره ی خطوط آهن و جاده هائی که کلاً در داخل ایالت خود مختار کشیده شده باشد، و همین طور حمل و نقل انجام شده از طریق آنها و یا از طریق کابل.

۶ - اداره ی اسکله ها و بنادر و فرودگاه های تفریحی که به طور کلی فاقد فعالیت تجاری باشند.

۷ - کشاورزی و دامداری، بر اساس نظام کلی اقتصادی.

۸ - اداره ی بیشه ها و استفاده از محصولات جنگلی.

۹ - انجام اقدامات در زمینه ی حفاظت از محیط زیست.

۱۰ - پروژه، ساختمان و بهره برداری از تأسیسات هیدرولیکی، کانال ها و آبیاری در ایالت خود مختار؛ آب های معدنی و چشمه های آب گرم.

۱۱ - ماهی گیری، شکار و صید آبزیان در رود خانه های و آب های داخلی.

۱۲ - نمایندگی های محلی.

۱۳ - توسعه و ترویج اقتصادی ایالت خود مختار در چهار چوب اهداف سیاسی - اقتصادی کشور.

۱۴ - صنایع دستی.

۱۵ - موزه ها، کتابخانه ها و هنرستان های موسیقی دارای ارزش برای ایالت خود مختار.

۱۶ - میراث یادمانی^{۱۰۱} دارای ارزش برای ایالت خود مختار.

۱۷ - ترویج فرهنگ، انجام تحقیقات و همینطور آموزش زبان مربوط به ایالت خود مختار.

¹⁰¹ *monumental*

- ۱۸ - توسعه و ترویج توریسم در داخل محدوده ی خود.
- ۱۹ - توسعه ی ورزش و استفاده ی کافی از اوقات فراغت و تفریح.
- ۲۰ - خدمات اجتماعی.
- ۲۱ - تندرستی و بهداشت.
- ۲۲ - مراقبت و حفاظت از بناها و تاسیسات خود. ایجاد هماهنگی و انجام دیگر اختیارات در ارتباط با پلیس محلی و در چهارچوب مقرر در قانون ارگانی.
- بند ۲ - پس از گذشت پنج سال، و از طریق اصلاح منشور خود، ایالات خود مختار می توانند دامنه ی صلاحیت های خود را بر اساس ماده ی ۱۴۹ توسعه دهند.

ماده ی ۱۴۹ - Artículo

- بند ۱ - موارد زیر منحصراً در صلاحیت حکومت مرکزی است:
- ۱ - فراهم کردن شرایط اساسی برای تضمین مساوات برای تمامی اسپانیایی ها در ایفای حقوق و انجام تکالیف خود طبق قانون اساسی.
- ۲ - ملیت، مهاجرت و امور مربوط به اتباع خارجی و پناهندگی.
- ۳ - روابط بین المللی.
- ۴ - امور دفاعی و نیروهای مسلح.
- ۵ - اداره ی دادگستری.
- ۶ - قوانین تجاری، کیفری و آئین دادرسی و قانون زندان ها، صرف نظر از خصوصیات عمده ی حقوقی مربوط به خود ایالت خود مختار.
- ۷ - قوانین کارگری؛ صرف نظر از نحوه ی اجرای آن ها توسط ارگان های ایالت خود مختار.

۸ - قوانین مدنی، صرف نظر از حفظ و تغییر و توسعه ی آنها توسط ایالات خود مختار در ارتباط با حقوق مدنی، سنتی^{۱۰۲} و مخصوص به خود، در صورت وجود. به طور کلی، اصول مربوط به اعمال و کاربرد معیار های قانونی، روابط مدنی - حقوقی در ارتباط با نحوه ی ازدواج، تنظیم اسناد ثبتی و دولتی، مبانی مربوط به تعهدات ناشی از قرارداد ها، اصول مربوط به حلّ موارد مربوط به مغایرت قانونی، و تعیین منابع حقوقی، در مورد اخیر، و در ارتباط با قوانین خاص مربوط به ایالت خود.

۹ - قوانین مربوط به مالکیت صنعتی و فکری.

۱۰ - گمرکات و تجارت خارجی.

۱۱ - سیستم پولی، ارزی، تبدیل پول و نقدینگی آن، اصول اعتباری، بانکی و بیمه.

۱۲ - قوانین مربوط به اوزان و مقیاس ها، و تعیین ساعت رسمی.

۱۳ - تمهید مبانی و ایجاد هماهنگی در برنامه ریزی کلی فعالیت های اقتصادی.

۱۴ - مالیه ی عمومی و قرضه ی ملی.

۱۵ - توسعه و هماهنگی کلی پژوهش های علمی و فنی.

۱۶ - تندرستی بیرونی. اصول و هماهنگی کلی مربوط به تندرستی. قوانین مربوط به محصولات دارویی.

۱۷ - قوانین مبنائی و سیستم اقتصادی بیمه های اجتماعی، صرف نظر از ارائه ی خدمات مخصوص به خود توسط ایالات خود مختار.

۱۸ - مبانی سیستم حقوقی ادارات دولتی و وضع کارکنان آن که تضمین کننده ی توجهی یکسان از سوی آنان نسبت به ارباب رجوع باشد، از طریق اعمال اداری یکسان، صرف نظر از خصوصیات ویژه ی مربوط به تشکیلات ایالات خود مختار؛ قوانین مربوط به مصادره ی اجباری، قوانین مبنائی مربوط به قرارداد ها و امتیازات اداری و سیستم مسئولیت های ادارات دولتی.

102 - برخی از ایالت های خود مختار، مانند ایالت باسک از قدیم ایلام دارای برخی حقوق مدنی مخصوص به خود بوده است که پس از تصویب قانون اساسی حاضر نیز به رسمیت شناخته شده اند. م

- ۱۹ - ماهی گیری دریائی، صرف نظر از صلاحیت داده شده به ایالت خود مختار در این زمینه.
- ۲۰ - کشتی رانی تجاری و ثبت کشتی ها؛ تأمین روشنائی سواحل و علامت گذاری دریائی؛ بنادر دارای ارزش عمومی؛ فرودگاه های دارای ارزش عمومی؛ کنترل حریم هوایی؛ ترابری و ترانزیت؛ خدمات هواشناسی و ثبت هرگونه وسیله ی ترابری هوایی.
- ۲۱ - خطوط آهن و ترابری زمینی که از محدوده ی ارضی بیش از یک ایالت خود مختار عبور کند؛ شبکه ی عمومی ارتباطات، ترافیک و حرکت خود رو های مو توری؛ ارتباطات پستی و راه دور؛ کابل های هوایی و دریائی و ارتباطات رادیوئی.
- ۲۲ - تدوین و تنظیم قوانین مربوط به واگذاری منابع آبی و استفاده از آن در صورت جریان داشتن آب در بیش از یک ایالت خود مختار؛ و اجازه ی تأسیسات برقی در صورتی که ایالت خود مختار دیگری مشمول استفاده از آن بوده و خطوط انتقال نیرو از محدوده ی ارضی ایالت خود مختار فراتر رود.
- ۲۳ - قوانین مبنائی مربوط به حفاظت از محیط زیست، صرف نظر از اختیارات داده شده به ایالت خود مختار جهت برقراری مقررات اضافی در این زمینه. قوانین مبنائی مربوط به بیشه ها و محصولات جنگلی و جاده های مال رو.
- ۲۴ - امور عمرانی عامّ المَنفَعَه که انجام آن بیش از یک ایالت خود مختار را شامل شود.
- ۲۵ - اصول مربوط به معادن و سیستم تأمین و استفاده از انرژی.
- ۲۶ - اصول مربوط به تولید، خرید و فروش، تملک و استفاده از سلاح و مواد منفجره.
- ۲۷ - مقررات مبنائی مربوط به مطبوعات، رادیو و تلویزیون و به طور کلی تمامی رسانه های ارتباط جمعی، صرف نظر از اختیارات داده شده به هر یک از ایالات خود مختار در توسعه و اجرای آن.
- ۲۸ - حفاظت از میراث فرهنگی، هنری و یادمانی اسپانیا در قبال تصرف و سوء استفاده؛ موزه ها، کتابخانه ها، و آرشيو های دولتی، صرف نظر از اداره ی آن ها توسط ایالات خود مختار.

- ۲۹ - امنیّت عمومی، صرف نظر از امکان ایجاد پلیس توسط ایالات خود مختار به صورت مُشَخَّص در منشور خود مختاری آن ها و در چهارچوب قانون ارگانی مربوط به آن.
- ۳۰ - تنظیم شرایط مربوط به اخذ، صدور و ارزش یابی مدارک تحصیلی و حرفه ای و اصول مبنائی مربوط به تفسیر ماده ی ۲۷ قانون اساسی به منظور تضمین اجرای تعهدات توسط مسئولان اداری کشور در این زمینه.
- ۳۱ - آمار دولتی.
- ۳۲ - اجازه برگزاری همه پرسی از طریق فراندم.

بند ۲ - صرف نظر از صلاحیّت هائی که ایالات خود مختار می توانند در این زمینه داشته باشند، حکومت مرکزی، ارائه ی خدمات فرهنگی را یک وظیفه و امری واجب تلقی کرده و ارتباطات فرهنگی در میان ایالات خود مختار را با موافقت آنان تسهیل خواهد کرد.

بند ۳ - مواردی که به صراحت در قانون اساسی به حکومت مرکزی منتسب نباشد، طبق منشور خود مختاری مربوط به هر یک از آن ها به ایالات خود مختار تعلق خواهد داشت. اختیار مواردی که طبق منشور خود مختاری به ایالات خود مختار مَحَوَّل نشده باشد به حکومت مرکزی تعلق خواهد داشت که قوانین آن، در صورت بروز اختلاف نظر در میان ایالات خود مختار و در مواردی که در صلاحیّت انحصاری آن ها نباشد، حاکم خواهد بود. قوانین حکومت مرکزی در کلیه موارد مکمل قوانین ایالات خود مختار خواهد بود.

ماده ی ۱۵۰ - Artículo 150

بند ۱ - مجالس قانونگذاری، در موارد مربوط به صلاحیّت حکومت مرکزی، می توانند به همه و یا برخی از ایالات خود مختار، اختیار اتی جهت تدوین قوانین در چهارچوب اصول، مبنائی و خطوط مُشَخَّص در قالب یک قانون مملکتی، تفویض کنند. صرف نظر از صلاحیّت دادگاه ها، در هر یک از این قوانین، نحوه ی نظارت مجالس قانونگذاری بر قوانین وضع شده توسط ایالات خود مختار، مُشَخَّص خواهد شد.

بند ۲ - حکومت مرکزی می تواند، از طریق یک قانون ارگانی، اختیار اتی را که در صلاحیت حکومت مرکزی است، و در صورتی که ماهیت آن اختیارات ایجاب کند، به ایالات خود مختار منتقل کرده و یا وکالت بدهد. انتقال منابع مالی و همچنین نحوه ی نظارت محفوظ به حکومت مرکزی را، در هر مورد، قانون پیش بینی خواهد کرد.

بند ۳ - حکومت مرکزی می تواند قوانینی را جهت ایجاد اصول لازم برای هم آهنگی مقررات وضع شده در ایالات خود مختار، حتی در موارد تحت صلاحیت آن ها، و در صورتی که منافع عمومی ایجاب نماید، تدوین کند. تشخیص چنین ضرورتی به عهده مجالس قانونگذاری با آراء اکثریت مطلق در هر یک از آن مجالس می باشد.

ماده ی ۱۵۱ - Artículo 151

بند ۱ - گذشت مدت پنج سال، موضوع بند ۲ ماده ی ۱۴۸، ضرورت نخواهد داشت چنانچه ابتکار پروسه ی خود مختاری در عرض مدت مقرر ۱۰۳ در بند ۲ ماده ی ۱۴۳ به عمل آمده و نه فقط باید به تصویب مجلس استانی و یا ارگان های اداره ی جزایر رسیده باشد، بلکه به نسبت سه چهارم شهر های هر استان ذینفع و حداقل با اکثریت آمار انتخاباتی در هر یک از آن ها، و با رأی اکثریت مطلق رأی دهندگان هر استان و طی فرایند و طبق شرایط مقرر در قانون ارگانی مورد تأیید قرار گرفته باشد.

بند ۲ - نحوه ی تدوین منشور خود مختاری در موارد پیش بینی شده در بند بالا به ترتیب زیر خواهد بود:

۱ - دولت تمامی نمایندگان و سناتور های منتخب در حوزه های انتخاباتی واقع در محدوده ی ارضی مناطق خواهان خود مختاری را احضار می کند تا با تشکیل مجمعی فقط به منظور تهیه ی پیش نویس منشور خود مختاری و با رأی اکثریت قاطع اعضاء خود، اقدام نمایند.

103 - شش ماه از زمان توافق به عمل آمده در مورد کسب خود مختاری. م

۲ - پیش نویس مزبور پس از تصویب در مجمع یاد شده، به کمیسیون قانون اساسی مجلس نمایندگان ارجاع خواهد شد که آن را با یاری نمایندگان اعضاء مجمع در عرض دو ماه به منظور تهیه متن نهائی توافق شده، بررسی نماید.

۳ - در صورت حصول توافق در مورد متن نهائی؛ متن مزبور در میان رأی دهندگان استان های واقع در محدوده ی ارضی مشمول منشور خود مختاری به فراندنم گذاشته می شود.

۴ - پیش نویس منشور پس از تصویب با اکثریت آراء معتبر در هر یک از استان ها، به مجالس قانونگذاری تسلیم می شود. هر یک از مجالس در جلسات عمومی، در باره ی تصویب آن اتخاذ تصمیم می کنند. پس از تصویب منشور خود مختاری، پادشاه نیز آن را توشیح کرده و دستور نشر آن را به صورت قانون می دهد.

۵ - در صورت عدم حصول توافق موضوع بند ۲ این قسمت؛ پیش نویس منشور به صورت لایحه ی قانونی در مجالس به بحث گذاشته می شود. و در صورت تصویب در مجالس قانونگذاری، در استان های واقع در محدوده ی ارضی مشمول منشور خود مختاری به فراندنم گذاشته می شود. در صورت تصویب با اکثریت آراء معتبر در هر یک از استان ها در فراندنم، به نحوی که در پاراگراف قبل اشاره شده است، توشیح و نشر خواهد گردید.

۳ - در موارد موضوع پاراگراف های ۴ و ۵، عدم تصویب پیش نویس منشور خود مختاری در یک و یا چند استان، از نظر تشکیل ایالت خود مختار به نحوی که در قانون ارگانی، موضوع بند ۱ ماده ی حاضر، پیش بینی شده است، مانعی ایجاد نخواهد کرد.

ماده ی ۱۵۲ - Artículo 152

بند ۱ - در منشور هائی که طبق ماده ی قبل به تصویب رسیده باشد، اداره ی تشکیلات خود مختاری مَحَوَّل خواهد بود به یک مجلس قانونگذاری ایالتی انتخابی، از طریق انجام انتخاباتی عمومی و طبق یک سیستم انتخابی متناسب تضمین کننده ی نمایندگی نواحی گوناگون واقع در محدوده ی ارضی آن؛ یک هیأت دولت با وظایف اجرائی و اداری و یک

رئیس دولت مُنتَخَب مجلس ایالتی، که از میان اعضاء آن انتخاب، و منصوب پادشاه بوده و اداره ی هیأت دولت ایالتی، و نمایندگی عالی ایالت خود مختار و نمایندگی عادی حکومت مرکزی را در آن ایالت به عهده خواهد داشت. رئیس و اعضاء هیأت دولت ایالتی در برابر مجلس ایالتی مسئول خواهند بود.

یک دیوان عالی قضائی، صرف نظر از صلاحیت قضائی دیوان عالی کشور، در رأس تشکیلات قضائی ایالت خود مختار قرار خواهد داشت. در منشور های خود مختاری، موارد و نحوه ی مباشرت این دیوان ها، در تشکیلات مربوط به حوزه های قضائی ایالات خود مختار، مُشَخَّص خواهد شد. کلیه ی این موارد باید منطبق باشد با مفاد قانون ارگانی قوه ی قضائیه و با رعایت وحدت و استقلال قضائی. صرف نظر از موارد ملحوظ در ماده ی ۱۲۳، در تقاضا های پژوهش، بایستی سلسله مراتب قضائی در ایالت خود مختاری که دادگاه بدوی ذیصلاح در آن واقع است، رعایت شده باشد.

بند ۲ - پس از توشیح و نشر، منشور های خود مختاری را فقط از طرق مقرر در آن ها و برگزاری رفراندم در میان رأی دهندگان ثبت شده در آمار حوزه های انتخاباتی مشمول آن، می توان تعدیل و اصلاح کرد.

بند ۳ - منشور های خود مختاری می توانند، با گروه بندی شهرستان های هم جوار، حوزه های انتخابی مخصوص به خود و برخوردار از شخصیت حقوقی کامل، به وجود آورند.

ماده ی ۱۵۳ - Artículo 153

نظارت بر فعالیت نهاد های ایالات خود مختار، به شرح زیر خواهد بود:

الف) از طریق دادگاه قانون اساسی، در ارتباط با مصوبات حقوقی هم طراز با قانون و مطابقت و یا مغایرت آن ها با قانون اساسی.
ب) از طریق دولت، و با صلاح دید قبلی شورای تشخیص مصالح کشور، در ایفای وظایف محوله ی موضوع بند ۲ از ماده ی ۱۵۰.

ج) با توسل به مراجع حقوقی حلّ اختلاف اداری^{۱۰۴}، در ارتباط با مقررات اداری ایالت خود مختار.
د) از طریق دیوان محاسبات، در ارتباط با مسائل مالی و بودجه ای.

ماده ی ۱۵۴ – Artículo 154

در صورت لزوم، نماینده ای منصوب دولت^{۱۰۵}، امور مربوط به حکومت مرکزی را در ایالت خود مختار، با همکاری اداری آن ایالت، اداره و هم آهنگی خواهد کرد.

ماده ی ۱۵۵ – Artículo 155

بند ۱ – چنانچه ایالتی خود مختار به تعهدات خود در قبال قانون اساسی و سایر قوانین عمل نکرده و یا به نحوی جدی بر منافع عمومی اسپانیا لطمه وارد سازد؛ دولت می تواند با مواخذه ی قبلی رئیس ایالت خود مختار، و در صورت عدم توجه، با رأی اکثریت مطلق در مجلس سنا، اقدامات لازم را در جهت اجرای اجباری تعهدات و حمایت از منافع عمومی مورد بحث به عمل بیاورد.

بند ۲ – در اجرای اقدامات موضوع بند فوق، دولت می تواند به تمامی مقامات ایالت خود مختار دستور های لازم را بدهد.

ماده ی ۱۵۶ – Artículo 156

بند ۱ – ایالات خود مختار جهت توسعه و اجرای صلاحیت های خود و طبق اصول هم آهنگی با مالیه ی کشور و همبستگی میان همه ی اسپانیائی ها، از استقلال مالی برخوردار خواهند بود.

¹⁰⁴ *Contencioso administrativo = F. contentieux administratif = E. Administrative jurisdictional body.*

¹⁰⁵ - *Delegado del Gobierno*: «والی» که در پایتخت ایالت خود مختار، مستقر است. م

بند ۲ - ایالات خود مختار، طبق قوانین و منشور خود مختاری، می توانند به نمایندگی از طرف حکومت مرکزی و با همکاری با آن، در جمع آوری، اداره و تسویه ی منابع مالیاتی حکومت مرکزی عمل کنند.

ماده ی ۱۵۷ - Artículo 157

بند ۱ - منابع مالی ایالات مختار، مُتَشَكِّل خواهد بود از:

الف) مالیات هائی که به صورت کلی و یا جزئی توسط حکومت مرکزی به آن ها تفویض شده است؛ سورشارژ بر مالیات های مملکتی و سایر سهمیه های حاصله از درآمد های حکومت مرکزی.
ب) مالیات و عوارض موضوعه ی مخصوص به خود.
ج) سهمیه های انتقالی از صندوق کمک های جبرانی مملکتی، و سایر مبالغ تخصیص یافته در بودجه ی کل کشور.
د) درآمد های حاصله از اموال و درآمد های ناشی از مالکیت خصوصی.
ه) بازدهی عملیات اعتباری.

بند ۲ - ایالات خود مختار، تحت هیچ شرایطی نمی توانند، بر اموال واقع در خارج محدوده ی خود مالیات وضع کرده و یا از نظر گردش آزادانه ی کالا و خدمات موانعی ایجاد کنند.

بند ۳ - طبق یک قانون ارگانی، می توان نحوه ی اجرای صلاحیت های مالی موضع بند ۱ و مقررات مربوط به حل اختلافات احتمالی و انحاء همکاری های مالی بین ایالات خود مختار و حکومت مرکزی را مُشَخَّص کرد.

ماده ی ۱۵۸ - Artículo 158

بند ۱ - در بودجه ی کل کشور، می توان سهمیه ای را برای ایالات خود مختار، به تناسب حجم خدمات و فعالیت های مربوط به حکومت مرکزی که تقبل کرده باشند، و در تضمین عرضه ی حداقل خدمات اساسی عمومی در سراسر اسپانیا، تخصیص داد.

بند ۲ - به منظور تعدیل نا برابری های اقتصادی در نقاط مختلف کشور و اجرای اصل همبستگی، صندوقی برای کمک های جبرانی برای هزینه های سرمایه ای تأسیس می شود که منابع آن توسط مجالس قانونگذاری در میان ایالات خود مختار و در صورت لزوم در میان استان ها، توزیع می شود.

بخش نهم **در باره ی دادگاه قانون اساسی**

ماده ی ۱۵۹ - Artículo 159

بند ۱ - دادگاه قانون اساسی، دوازده عضو خواهد داشت که توسط پادشاه به این سمت منصوب می شوند؛ از میان این عده، چهار نفر به پیشنهاد مجلس نمایندگان با اکثریت سه پنجم اعضاء، چهار نفر به پیشنهاد مجلس سنا، با همان اکثریت؛ دو نفر به پیشنهاد دولت و دو نفر به پیشنهاد شورای عالی قضائی، انتخاب خواهند شد.

بند ۲ - اعضای دادگاه قانون اساسی، از میان قضات و دادستان ها، استادان دانشگاه، کارکنان دولت و وکلای دادگستری که همگی باید حقوقدان با صلاحیت بوده و بیش از پانزده سال سابقه ی شغلی داشته باشند؛ انتخاب می شوند.

بند ۳ - اعضای دادگاه قانون اساسی به مدت نه سال به این سمت گمارده می شوند که هر سه سال، انتخاب سه عضو از اعضاء آن تجدید می شود.

بند ۴ - عضویت در دادگاه قانون اساسی منافات دارد با: کلیه پست های انتخابی، سیاسی و اداری؛ انجام وظایف مدیریتی در یک حزب سیاسی و یا در یک سندیکا و یا انجام وظیفه ی حرفه ای برای آن ها؛ انجام وظایف قضائی و دادستانی، و هر فعالیت حرفه ای و تجاری دیگر. در سایر موارد، منافات شغلی قوه ی قضائیه شامل اعضای دادگاه قانون اساسی نیز خواهد بود.

بند ۵ – اعضای دادگاه قانون اساسی، در طول مدت عضویت خود، مستقل و غیر قابل عزل و تغییر خواهند بود.

ماده ۱۶۰ – Artículo 160

رئیس دادگاه قانون اساسی، به پیشنهاد خود اعضای دادگاه در جلسه ی عمومی، انتخاب و به مدت سه سال توسط پادشاه به این سمت گمارده می شود.

ماده ی ۱۶۱ – Artículo 161

بند ۱ – دادگاه قانون اساسی، در سراسر خاک اسپانیا مرجعیت قضائی داشته و در موارد زیر صلاحیت خواهد داشت:

الف) رسیدگی به پژوهش خواهی های مربوط به مغایرت قوانین و یا مقررات هم طراز با قانون با قانون اساسی. تشخیص مغایرت یک امر حقوقی هم طراز با قانون، در تفسیر با رویه قضائی^{۱۰۶}، فقط مؤثر بر آن امر بوده و حکم و یا احکام صادره بر اساس آن، نفس قضیه محکوم لها بودن خود را از دست نخواهد داد.

ب) رسیدگی به پژوهش خواهی مربوط به نقض حقوق و آزادی های موضوع بند ۲ از ماده ی ۵۳ قانون اساسی و در مواردی که قانون مشخص کرده باشد.

ج) رسیدگی به موارد اختلاف صلاحیت بین حکومت مرکزی و ایالات خود مختار و یا در میان آن ایالات.

د) موارد دیگری که در قانون اساسی و یا قوانین ارگانی به آنها اشاره شده باشد.

بند ۲ – دولت می تواند علیه مصوبات و یا اقدامات به عمل آمده توسط ایالات خود مختار، در دادگاه قانون اساسی اقامه ی دعوا نماید. این اقامه ی دعوا می تواند موجب تعلیق آن مصوبات و اقدامات شده، ولی در صورت تشخیص، دادگاه قانونی اساسی، در مدت کمتر از پنج ماه باید آن ها را تأیید و یا تعلیق به عمل آمده را رفع نماید.

¹⁰⁶ *Jurisprudencia*

ماده ی ۱۶۲ – Artículo 162

بند ۱ – افراد و مقامات زیر واجد شرایط [پژوهش خواهی] می باشند:

الف) رئیس دولت، مدعی العموم، ۵۰ نماینده ی مجلس نمایندگان، ۵۰ سناتور، ارگان های انتخابی اجرائی ایالات خود مختار، و یا مجالس ایالتی؛ در ارتباط با موارد مغایر با قانون اساسی.
ب) کلیه افراد حقیقی و حقوقی ذی حق، مدعی العموم و دادستان کل جهت دادخواهی.

بند ۲ – در سایر موارد، افراد و ارگان های واجد شرایط [پژوهش خواهی] را قانونی ارگانی مُشَخَّص خواهد کرد.

ماده ی ۱۶۳ – Artículo 163

چنانچه یکی از ارگان های قضائی، در پروسه ای متوجه وجود مقرراتی هم طراز با قانون بشود که وارد بر آن مورد و رأی صادره مبتنی بر اعتبار آن بوده و ممکن است در تغایر با قانون اساسی باشد؛ موضوع را طبق قانون به دادگاه قانون اساسی اطلاع خواهد داد که در هیچ مورد اطلاع مزبور جنبه ی تعلیقی نخواهد داشت.

ماده ی ۱۶۴ – Artículo 164

بند ۱ – آراء صادره توسط دادگاه قانون اساسی همراه با آراء مخالف، در صورت وجود؛ در روز نامه ی رسمی کشور منتشر خواهد شد. آراء یک روز پس از انتشار، قطعیت داشته و غیر قابل پژوهش خواهد بود. آراء صادره در باره ی موارد مغایرت قانونی با قانون اساسی، و یا مقرراتی هم طراز با قانون و تمامی قوانینی که به تشخیص عینی حقی محدود نباشد، بر کلیه افراد لازم الرعایه خواهد بود.

بند ۲ - آن قسمت از قانون که مغایرتی با قانون اساسی نداشته باشد، لایتنیغیر می ماند، به استثنای مواردی که در رأی صادره قید شده باشد.

ماده ی ۱۶۵ - Artículo 165

طرز کار دادگاه قانون اساسی، وضعیت اعضا، اصول مربوط به نحوه ی مراجعه به آن و شرایط حاکم بر فعالیت های آن را، قانونی ارگانی مشخص می کند.

بخش دهم در باره ی اصلاح قانون اساسی

ماده ی ۱۶۶ - Artículo 166

پیشنهاد اصلاح قانون اساسی، طبق شرایط پیش بینی شده در بند های ۱ و ۲ ماده ی ۸۷ صورت خواهد گرفت.

ماده ی ۱۶۷ - Artículo 167

بند ۱ - پیش نویس لوایح مربوط به اصلاح قانون اساسی، بایستی به تصویب اکثریت سه پنجم از اعضا هر یک از مجالس رسیده باشد. در صورتی که دو مجلس به توافق نرسند، با تشکیل یک کمیسیون حل اختلاف متشکل از اعضا مجلس نمایندگان و سنا جهت تنظیم متنی برای تصویب در هر دو مجلس اقدام خواهد شد.

بند ۲ - باز هم در صورت عدم تصویب به نحو مقرر در بند بالا، در صورتی که متن پیش نهادی با آراء موافق و با اکثریت مطلق در مجلس سنا به تصویب رسیده باشد، مجلس نمایندگان می تواند با اکثریت دو سوم متن اصلاحی را تصویب نماید.

بند ۳ - در صورت تصویب متن اصلاحی در مجالس قانون گذاری، پانزده روز پس از تصویب، و در صورت تقاضای یک دهم از اعضای هر یک از دو مجلس، جهت تأیید عمومی به فراندن گذاشته می شود.

ماده ی ۱۶۸ - Artículo 168

بند ۱ - چنانچه تجدید نظری کلی در قانون اساسی و یا جزئی در مورد بخش مقدمه و یا فصل دوم از بخش یکم و یا بخش دوم در مد نظر باشد، جهت تصویب مستلزم اکثریت آراء دو سوم از اعضاء هر یک از مجالس بوده و بلافاصله انحلال پارلمان به دنبال خواهد داشت.

بند ۲ - مجالس انتخابی جدید، بایستی تصمیم متخذه در مجالس قبلی را تصویب و به تهیه متن جدیدی از قانون اساسی که جهت تصویب نیازمند اکثریت دو سوم آراء در هر یک از مجلسین خواهد بود، اقدام نمایند.

۳ - پس از تصویب متن اصلاحیه در هر دو مجلس، متن مزبور جهت تأیید عمومی به فراندن گذاشته خواهد شد.

ماده ی ۱۶۹ - Artículo 169

در زمان جنگ و یا به هنگام برقراری هر یک از وضعیتهای موضوع ماده ی ۱۱۶، نمی توان نسبت به اصلاح قانون اساسی، اقدام کرد.

ضمیمه ی الحاقی

یک

قانون اساسی، حقوق تاریخی مناطق «فورال»^{۱۰۷} را به رسمیت شناخته و آن‌ها را محترم می‌شمارد. به روز در آوردن کلی سیستم های فورال، همیشه باید در چهارچوب قانون اساسی و منشور های خود مختاری صورت بگیرد.

دو

مطلب اعلام شده در باره ی سن قانونی که در ماده ی ۱۲ قانون اساسی به آن اشاره شده است، منافی موارد مشمول قوانین «فونته رو» در محدوده ی حقوق خصوصی نیست.

سه

تغییر سیستم اقتصادی و مالیاتی مجمع الجزایر فناری، در هر مورد، مستلزم صلاح دید قبلی ایالت خود مختار و ارگان موقت عهده دار امور خود مختاری خواهد بود.

چهار

در ایالت هائی خود مختار که بیش از یک دادگاه استان^{۱۰۸}، در مرکز آن وجود داشته باشد، طبق منشور خود مختاری آن ایالت، می توان آن‌ها را حفظ و یا صلاحیت آن‌ها را فقط طبق مفاد قانون ارگانی قوه ی قضائیه و در چهارچوب، استقلال و وحدت قضائی، توزیع کرد.

107 - مناطق «فورال» (*foral*) به مناطقی گفته می شود که از زمان های قدیم دارای امتیازاتی حقوقی و مالیاتی و همچنین قوانین سنتی مخصوص به خود بوده اند، به مجموعه این گونه قوانین که معادلی حتی در حقوق فرانسه هم ندارد، «فونته روس» (*fueros*) گفته می شود؛ چیزی مشابه «تیول» و «اقطاع» در عصر صفویه و قاجار. م
108 - *Audiencia Territorial* نوعی دادگاه استان دارای صلاحیت در محاکمات جنائی و حقوقی، و همچنین رسیدگی به فرجام خواهی علیه آراء صادره توسط دادگاه های بدوی جنائی و حقوقی در حوزه قضائی استان. هیأت های مُنصفه مردمی نیز فقط در محاکمات جنائی متشکله در این دادگاه ها شرکت می کند. م

ضمیمه ی موقت

یک

در مناطقی که دارای یک رژیم موقت خود مختاری باشند، ارگان های عالی انتخابی، پس از حصول توافق اعضاء با رأی اکثریت مطلق، می توانند ابتکار عملی را که در بند ۲ ماده ی ۱۴۳ به مجالس استانی و یا ارگان های اداره ی جزایر منتسب است، عهده دار شوند.

دو

مناطقى که در گذشته به پیش نویس منشور خود مختاری خود^{۱۰۹}، رأی مثبت داده اند، و در زمان انتشار این قانون اساسی دارای رژیم خود مختاری موقت می باشند؛ می توانند بلافاصله و به نحو مقرر در بند ۲ ماده ی ۱۴۸ و در صورت توافق مشترک و با اکثریت مطلق ارگان های انتخابی قبل از خود مختاری و با اطلاع دولت به خود مختاری برسند. پیش نویس منشور خود مختاری، طبق مفاد بند ۲ ماده ی ۱۵۱ و به تقاضای ارگان انتخابی قبل از خود مختاری تهیه خواهد شد.

سه

انجام ابتکار پروسه ی خود مختاری توسط شهرداری ها و یا اعضاء آن، که در بند ۲ ماده ی ۱۴۳ اشاره شده است، کلاً تا انجام نخستین انتخابات محلی طبق قانون اساسی حاضر، به تعویق می افتد.

چهار

بند ۱ - در مورد ناواررا (Navarra) و به منظور ادغام آن در «شورای عمومی باسک»، و یا حکومت خود مختاری باسک که جایگزین

109 - مانند کاتالونیا و ایالت باسک که در دوره جمهوری دوم به خود مختاری رسیده بودند، ولی پس از سقوط جمهوری دوم و روی کار آمدن رژیم فرانکو، حقوق خود مختاری آن ها نادیده گرفته شد. م

آن بشود، به جای مفاد ماده ی ۱۴۳ قانون اساسی، تصمیم ارگان ذیصلاح «فورال» با اکثریت آراء اعضاء آن معتبر خواهد بود. به منظور اعتبار بخشیدن به ابتکار عمل مزبور، علاوه بر تصمیم ارگان ذیصلاح «فورال»، لازم است که طی رفراندومی که به همین منظور برگزار می شود، به تأیید اکثریت آراء معتبر مردمی برسد.

بند ۲ - چنانچه این ابتکار عمل به نتیجه نرسد، فقط می توان در دوره ی دیگری از زمامداری ارگان معتبر «فورال» و پس از گذشت حد اقل مدت ۱۱ مقرر در ماده ی ۱۴۳، آن را تکرار کرد.

پنجم

شهر های سنوتا (Ceuta) و ملیا (Melilla)، در صورت تصمیم شهرداری های خود، با توافقی که با رأی اکثریت مطلق حاصل شده و مجالس قانونگذاری نیز اذن بدهند، پس از تصویب یک قانون ارگانی طبق مفاد ماده ی ۱۴۴ می توانند به خود مختاری برسند.

ششم

چنانچه متن های متعددی از منشور های خود مختاری، تسلیم کمیسیون قانون اساسی مجلس بشود، به ترتیب تاریخ ورود مورد بررسی قرار می گیرند و مهلت دو ماهه ای که ماده ی ۱۵۱ به آن اشاره می کند، از زمانی احتساب می شود که کمیسیون کار بررسی متن و یا متون دریافتی را به پایان رسانیده باشد.

هفتم

ارگان های موقت خود مختاری در موارد زیر منحل محسوب می شوند:

الف) به محض تشکیل ارگان های خود مختاری مقرر در منشور خود مختاری و طبق قانون اساسی حاضر.

ب) در صورت عدم موفقیت ابتکار پروسه ی خود مختاری به خاطر فقدان شرایط ملحوظ در ماده ی ۱۴۳.
ج) چنانچه آن ارگان در عرض سه سال از حق موضوع پاراگراف یک از «ضمیمه ی موقت» استفاده نکرده باشد.

هشتم

بند ۱ - مجالس قانونگذاری که قانون اساسی حاضر را تصویب کرده اند، به محض قدرت اجرائی یافتن آن، وظایف و صلاحیت های مشخص در آن در مورد مجلس نمایندگان و سنا را عهده دار خواهند شد، بی آنکه مدت نمایندگی آن ها از ۱۵ ژوئن ۱۹۸۱ فراتر رود.

بند ۲ - در اجرای مفاد ماده ی ۹۹ در باره ی نشر قانون اساسی، انتشار آن موجد مبانی قانونی جهت اجرای آن خواهد بود. علیهذا، مهلتی به مدت سی روز، از زمان نشر جهت اجرای مفاد ماده ی مذکور بر قرار می شود.

در طول این مدت، رئیس فعلی مجلس نمایندگان، با عهده دار بودن وظایف و صلاحیت های مربوط به مقام خود و مقرر در قانون اساسی، می تواند تصمیم به استفاده از اختیارات تفویض شده به او، طبق ماده ی ۱۱۵ گرفته، و یا با استعفای خود راه را برای اجرای مفاد ماده ی ۹۹ باز کند. در صورت اخیر، شرایط مربوط به ریاست مجلس نمایندگان، با شرایط مقرر در بند ۲ ماده ی ۱۰۱ منطبق خواهد بود.

بند ۳ - در صورت انحلال مجلس، طبق مفاد ماده ی ۱۱۵، و در صورتیکه مفاد مواد ۶۸ و ۶۹ جنبه ی قانونی به خود نگرفته باشد، مقررات قبلی مربوط به انتخابات مجری خواهد بود؛ به استثنای موارد مربوط به عدم واجدیت شرایط و منافات شغلی طبق قسمت ب) از بند ۱ ماده ی ۱ قانون اساسی که مستقیماً قابل اجراء بوده و همچنین موارد مربوط به سن رأی دادن و موارد ملحوظ در بند ۳ ماده ی ۶۹.

نهم

سه سال پس از انتخاب اعضاء دادگاه قانون اساسی برای بار اول، چهار عضو به قید قرعه از میان اعضای انتخابی جهت استعفا و تجدید

انتخاب اعضاء جدید برگزیده خواهند شد. فقط در این مورد، این عده ی چهار نفره مُتشکل خواهد بود از دو عضو پیشنهادی دولت و دو عضو پیشنهادی شورای عالی قوه ی قضائیه. پس از گذشت سه سال دیگر، در مورد دو گروه باقی مانده نیز به همین نحو و به قید قرعه عمل خواهد شد. پس از این مدت طبق مفاد بند ۳ از ماده ی ۱۵۹ عمل می شود.

ضمیمه ی الغائی

بند ۱ - بدینوسیله ملغی می شود، قانون «اصلاحات سیاسی» ۱۹۷۷/۱ مورخ ۴ ژانویه؛ و همچنین قوانین مشروحه ی زیر در صورتی که هنوز ملغی نشده باشند:

- قانون «مبانی جنبش ملی»، مورخ ۱۷ مه ۱۹۵۸
- قانون «فئو روی اسپانیائی ها»^{۱۱۱}، مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۴۵
- قانون «فئو روی کارگری»، مورخ ۹ مارس ۱۹۳۸
- قانون «مجلس مؤسسان»، مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۴۲
- قانون «جانشینی مقام رهبری کشور»، مورخ ۲۶ ژوئیه ۱۹۴۷ و همه ی قوانینی که طبق «قانون ارگانی مملکت» مورخ ۱۰ اکتبر ۱۹۶۷، تعدیل و اصلاح شده باشد. و هم چنین قانون مربوط به «همه پرسی ملی» مورخ ۲۲ اکتبر ۱۹۴۵

111 - این قانون، در واقع قانون اساسی رژیم فرانکو به شمار می آمد. م

ضمیمه ی نهائی

قانون اساسی حاضر هم زمان با انتشار متن رسمی آن در روز نامه ی رسمی کشور، همان روز به مرحله ی اجراء در می آید. قانون اساسی به زبان های دیگر اسپانیا نیز منتشر می شود.

كاخ مجالس قانونگذاری، به تاریخ بیست و هفتم دسامبر هزار و نهصد و هفتاد و هشت^{۱۱۲}.

محلّ امضاء پادشاه
محلّ امضاء رئیس مجلس نمایندگان
محلّ امضاء رئیس مجلس سنا
محلّ امضاء رئیس دولت

مطابقت ترجمه ی فارسی، با اصل متن رسمی قانون اساسی اسپانیا به زبان اسپانیائی کاستیائی گواهی می شود. رسول پدram

Don Rassoul Pedram Nuri, Intérprete Jurado de persa,
CERTIFICA QUE la que antecede es traducción fiel y completa al
persa del texto de la "Constitución Española de 1987" redactado en
castellano.

Madrid, jueves, 02 de octubre de 2003

112 - متن رسمی قانون اساسی اسپانیا در شماره ۲۹ دسامبر ۱۹۷۸ در روز نامه رسمی این کشور منتشر و از همان تاریخ قدرت اجرائی پیدا کرد. م